نامهٔ مردم
۱۲ صفحه
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم ، سال دوم، شمارهٔ ۲۷۹
پنجشنبه ۱۹ تیر ۱۳۵۹ ـ تکشماره ۱۵ ریال

ابعاد توطئه علیه ایران وسیعتر می‌شود

دست تبهکار امپریالیسم امریکا را قطع کنیم

رئیس‌جمهور فرانسه به‌سفیر فرانسه‌در تهران گفته است: «کارتر بصراحت بما گفت که آمریکا بهیچ قیمت از دوکشور صرفنظر نخواهد کرد: یکی ایران‌ودیگری آلمان.»
(یادداشتهای‌روزانه رئیس‌جمهوربنی‌صدر، نقل‌ازروزنامه انقلاب اسلامی ـ شماره ۱۷ تیر ۱۳۵۹)

آمریکا «بهیچ قیمت» از ایران صرفنظر نخواهد کرد. چرا و چگونه؟ امپریالیسم آمریکا چگونه میخواهد ایران را دوباره بمدار کشورهای وابسته بخود بازگرداند؟ ایران از لحاظ منافع آنی و درازمدت امپریالیسم آمریکا چه اهمیتی دارد که حاضر نیست «بهیچ قیمت» از آن صرفنظر کند؟ «بهیچ‌قیمت»، حتی به بهای صدها هزار کشته و میلیاردها خسارت که سیاست ماجراجویانه بازگرداندن ایران بمدار امپریالیسم ممکن است برای مردم ایران به‌بار بیاورد...

صدور ضدانقلاب به ایران «بهر قیمتی» باشد یکی از حلقه‌های اصلی سیاست خارجی آمریکاست و امپریالیسم آمریکا برای نیل باین هدف تمام اهرمهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و بخصوص سرویسهای جاسوسی خود را بمقیاس جهانی و همه سرسپردگان شناخته شده و نشناخته‌شدهٔ خود را در ایران بکار انداخته است.

در صفحه ۲

روش ستاد پاکسازی شهر تهران در برچیدن دکه‌ها و دستفروشیها زیانبار، تشنج‌زا و بسود ضدانقلاب است

□ طبق اطلاعات موثق ، ضدانقلاب باسوءاستفاده از تصمیم نابجای ستاد پاکسازی تهران ، قصد بـه آشوب کشیدن تهـران را دارد

ستاد پاکسازی شهر تهران، درتاریخ ۱۷ تیرماه طی اطلاعیه‌ای بسه کلیه کسانیکه درمعابر عمومی دکه‌ویابساط‌فروش‌اجناس گوناگون دایر کرده‌اند، اولتیماتوم داده است که اگرظرف ۴۸ ساعت‌بساط خودرا برنچینند ، ستاد ، خود راساً ، نسبت به برچیدن‌دکه‌ها اقدام‌خواهد کرد .

اطلاعیه ستادپاکسازی ، در شهرتهران ، دهها‌هزارنفر راکه بدین‌وسیله امرارمعاش می‌کنند، دربرمی‌گیرد وضرب‌العجل ستاد پاکسازی، بدون آنکه‌هیچگونه شغلی برای جایگزینی حرفهٔ دستفروشی ، برای ایـن‌گروه کثیر درنظربگیرد ، آنهـارابه ورطهٔ بیکاری میراند .

باید متذکرشدکه پاکسازی شهر تهران و معابر عمومی آن امری ضروری وبجاست ، ولـی این پاکسازی بـاشیوهٔ ارعاب و تهدیدفوق، که نه‌شرایط‌فوق‌العاده حساس حاکم بر کشورمارادرنظر می‌گیرد ونه برای امـرارمعاش دهها هزارنفر که زندگی خود و خانواده، خودرا ازاین‌راه تامین میکنند ، تدبیری می‌انـدیشد ، عملی‌بسیارخطرناك ،غیرمسئولانه

بقیه در صفحه ۱۱

به مناسبت سفر ضیاءالحق به عربستان سعودی و بمناسبت روابط ویژهٔ‌وزارت خارجه ایران بارژیم ضیاءالحق

حکومت عربستان سعودی چگونه رژیمی است و از کدام اسلام دفاع میکند

درپی پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران واستقرار جمهوری اسلامی که مواضع اقتصادی وسیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا درایران ودرسطح منطقه‌را دچارشکست وتزلزلی جبران ناپذیرنمود، امپریالیسم آمریکا ضمن‌ادامه‌توطئه‌ها وتحریکات، تدارکات جنگی گسترده، محاصره اقتصادی و تجاوز نظامی آشکار علیه‌جمهوری اسلامی ایران برنامه دفاع از «اسلام» را نیز درپیش‌گرفت‌ورژیمهای ضدخلقی ودست‌نشانده‌کشورهای اسلامی منطقه به‌ماموریت‌پیاده کردن این برنامه گمارده‌شدند.

اجلاسهای‌کنفرانس کشورهای اسلامی دراسلام آبادکه باتلقین دولت کارتر وبه ابتکار عربستان سعودی، پاکستان وعمان برای بررسی‌رویدادهای افغانستان فراخوانده شد ازجمله اقداماتی است‌که دراین زمینه انجام گرفت وبه‌حق‌موج اعتراضات‌همه‌نیروها وعناصر مخالف با امپریالیسم آمریکا رابرانگیخت.

بررسی ماهیت رژیمهای این‌کشورهسای اسلامی وارتباطات آنان باامپریالیسم آمریکاونیز مواضع آنان درمورد مسایل و بحرانهای منطقه‌بخوبی نشان میدهد که این رژیمها از لحاظ اقتصادی وسیاسی ونظامی وابستگیهای عمیقی‌به امپریالیسم آمـریکا و دفـاع از «خـط اسلامـی کارتر» است نه‌اسلام حقیقی و خلقهای مسلمان. بهیچوجه‌عجیب‌نیست‌که آنان دست دردست‌هم عمل می‌کنندوبامسافرتهائی‌چون‌دیدارضیاءالحق‌وآقاشاهی ازعربستان‌سعودی این عمل مشترک‌را سازمان‌می‌دهند.

رژیم عربستان سعودی بزرگترین خریـدار تسلیحات آمریکائیست‌که سالیانه متجاوز از ۱۵ میلیارد دلار ازدرآمد ملی‌کشور وثروتهای طبیعی مردم را به گاوصندوقهای انحصارات نفت ومجتمع نظامی‌ـصنعتی آمریکا سرازیر میکند،درحالیکه سطح‌زندگی‌وفرهنگ توده‌های زحمتکش این کشور نازلترین شاخص‌جهانی را تشکیل میدهد. از این‌تسلیحات نه‌بـرای دفاع از استقلال ملی کشور بلکه برای حفظ مواضع‌سیـاسی و اقتصادی ونظامی‌آمریکا درسرکوب جنبش‌های رهائـی بخش خلقهای این‌منطقه وکمك به رژیمهای ضد خلقی دست‌نشانده‌ای مانند رژیم سلطان قابوس در سرکـوب جنبش‌رهائی‌بخش خلق‌ظفار استفاده می‌شود.

درسال جاری بودجه نظامی عربستان سعودی به۴۸ میلیارد دلار رسیده‌است.

دربحران خاورمیانه، بحران روابط ایران و آمریکا ومحاصره اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از جانب آمریکا ودیگرکشورهای غربی، رژیم عربستان سعودی‌همواره‌درمواضع دفاع ازمنافع آمریکا وکشورهای غربی قرارگرفته است. پس‌ازامضای‌موافقتنامه‌های‌کمپ دیویدکه بمنافع خلقهای کشورهای عربـی مورد تجاوز اسرائیل بزرگترین ضربه رادارد ساخت رژیم عربستان سعودی چهره‌واقعی خود را نشان داد و ثابت‌نمودکه تنها سادات‌نیست‌که طرفدارصلح جداگانه بااسرائیل است بلکه‌بسیاری ازرژیمهای ارتجاعی‌این منطقه نیزبه تبعیت ازمنویات امپریالیسم آمریکابرغم طرفداریهای ادعائیشان‌ازخواستهای عادلانه خلق‌عرب فلسطین وسازمان آزادیبخش فلسطین زمینه را برای

بقیه در صفحه ۱۱

فان‌هین وزیر امورخارجهٔ جمهوری سوسیالیستی ویتنام :

به‌ایران آمده‌ام تامراتب پشتیبانی دولت وملت ویتنام را از مردم انقلابی ایران در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا اعلام دارم

رفیق فان‌هین، وزیر اطلاعات‌خارجی جمهوری سوسیالیستی ویتنام و عضو برجسته حزب کمونیست ویتنام و رئیس هیئت ویژه نمایندگی جمهوری سوسیالیستی ویتنام که از جانب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر این کشور برای مذاکره با رهبران جمهوری اسلامی ایران، به ایران آمده است، عصر روز سه‌شنبه ۱۸ تیرماه در یك مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد.

رفیق فان‌هین درمورد علت سفر خود به ایران گفت: «من به ایران آمده‌ام تا مراتب پشتیبانی دولت و ملت ویتنام را از مردم انقلابی ایران در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا اعلام دارم و همینطور اوضاع ویتنام و کامبوج را به اطلاع دولت و ملت ایران برسانم.»

بقیه در صفحه ۲

اعلامیه سازمان جوانان و دانشجویان‌دمکرات ایران:

جوانان و دانشجویان انقلابی و ترقی‌خواه!

به‌پیش برای شرکت فعال درامر «برداشت محصول»

فصل برداشت محصول در روستاهای ایران فرارسیده است و زحمتکشان روستاها و جوانان انقلابی که در «جهاد سازندگی» شرکت فعال داشته‌اند، همهٔ توان خود را برای برداشت موفقیت‌آمیز محصول و حفاظت از آن به کار انداخته‌اند. از سوی دیگر امپریالیسم، ضدانقلاب و فئودال‌ها که رونق کشاورزی میهن ما را به زیان خود می‌بینند، نیروهایشان‌را برای نابودی محصولات کشاورزی متشکل کرده‌اند.

در چنین شرایطی است کـه بسیج‌جوانان و دانشجویان‌انقلابی و میهن‌دوست جهت‌شرکت‌در امر برداشت محصول و دفاع از ثمرهٔ ماهها رنج و تـلاش شبانه‌روزی زحمتکشان روستاها و جـوانان انقلابی شرکت‌کننده در «جهاد سازندگی» ضرورت لحظه است و با درك چنین ضرورتی است که جامعـه روحانیت تـهران طی اطلاعیه‌ای ـ مورخ ۱۶ر۴ر۱۳۵۹ ـ دعوت کرده است تا: «... همـه اقشار متعهد، بالاخص قشر جوان متعهد و انقلابی جهت همکاری برای برداشت‌باقیمانده محصولات کشاورزی‌که اینك درخطر آتش‌سوزی عناصر ضدانقلاب قـرار گرفته... اقدام موثر و فوری‌انجام دهند».

سازمان جوانان و دانشجویان

بقیه در صفحه ۲

حفظ وابستگی‌های گذشته در بازرگانی خارجی به‌زیان استقلال کشور است

اجرای اصل ملی شدن بـازرگانـی خارجـی ، حـلقه اساسی‌حل‌بسیاری ازمسائل اقتصادی کشور است

در پیوند با حل مسئله گرانی که‌موضوع‌روز است، حذف سرمایه‌داری وابسته، حذف واسطه‌ها، دلالها و محتکران که موجبات‌افزایش قیمتها را در مراحل واردات کالا و توزیع آن فراهم می‌آورند، ضرورت فوری‌و اجتناب‌ناپذیر دارد. برای حذف این‌انگل‌های مکنده خون مردم مستضعف و محروم،نخستین گام باید اجرای اصل ملی شدن بازرگانی خارجی باشد که ماده ۴۴ قانون‌اساسی جمهوری اسلامی بر آن تاکیدکرده است. متاسفانه با آنکه ۱۶ ماه از انقلاب‌وهشت‌ماه از تصویب قانون اساسی می‌گذرد، گامی در جهت اجرای این ماده‌که‌حلقهٔ اساسی حل بسیاری از مسائل‌اقتصادی کشور است، برداشته نشده است.

چـندی پیش وزارت بازرگانی بهانهٔ«عدم دسترسی به امکانات فنـی و تجربی سازمانهای دولتی» اعلام داشت که قانون‌ملی‌شدن‌بازرگانی‌خارجی را میخواهد مرحله به‌مرحله اجرا کند و برای نخستین‌مرحله،لایحه قانونی تشکیل مراکز تهیه و توزیع کالا، را به تصویب رساند که بقـول خودآقای‌صدر وزیر بازرگانی «این مرکز جنبه صنفی دارد و سازمانهای دولتی در کار آن‌دخالت نخواهند کرد» و «در این مراکز از تجربیات بازرگانان خوشنام استفاده میشود»نامه «مردم» همین اواخر نظر خود را دربارهٔ این مراکز به تفصیل اعلام داشته است. «نوشته‌ایم که ایجاد مراکز تهیه و توزیع با شرکت بازرگانان بزرگ، نه تنهـا گامی در جهت ملی شدن بازرگانی خارجی نیست، بلکه به مانع عظیمی در راه ملی‌شدن‌بازرگانی خارجی بدل خواهد شد و شریان‌های بازرگانی خارجی‌در دست سرمایه‌داران‌وابسته باقی خواهـد ماند. بموجب ایـن لایحه قانونی، دولت طبق سفارش بازرگانان

بقیه در صفحه ۲

درصفحات بعد

مسئله‌ای بنام «کاست روحانیت»
نوشته: احسان طبری ـ صفحه ۶

حزب توده ایران و روحانیت مبارز
نوشته : ب. کیا ـ صفحات ۶و۷

مائوئیسم ـ متحد امپریالیسم
گروهك مائوئیستی ـ ضدانقلابی «حزب‌رنجبران»، درعرصه‌تئوری‌وعمل
صفحات ۳و۴

حقایقی درباره افغانستان (اسناد، واقعیات و شواهد)
قسمت پانزدهم ـ صفحه ۹

شگردهای کهنه تبلیغاتی
نقدی برفیلم «تنگناه» ـ صفحه ۹

مسئله‌ای به‌نام مسکن
صفحه ۱۰

در جلسه علنی دیروز مجلس
صفحه ۱۲

اعلامیهٔ کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگرهٔ چهارم) :

حمله چماقداران به‌میتینگ پیروان کنگره چهارم

هموطنان گرامی !
مردم شرافتمند کردستان !

پس از موضعگیری عده‌ای از اعضای کمیته مرکزی،مردم‌کردستان عموماً‌انتظار داشتند که ماسر فرصت‌توضیحاتی‌درباره‌علل این‌موضعگیری بیان نموده ومردم‌را در جریان‌امر گذاشته وروشن سازیم . چه‌پـاسارها ازما خواسته‌شد که برای‌روشنگری و در جریان گذاشتن مردم‌اقداماتی صورت دهیم . دیروز بهمین مناسبت دعوتی برای میتینگ ازهمشهریان مهابادی بعمل آوردیم تا حقایق برای همه‌روشن گردد ولی متاسفانه عده‌ای چماقدار ازترس‌اینکه افشاگریهای مابرده از راز واعمال ضد خلقی آنهابردارد، دست‌به‌اخلال‌گری‌زده وروی چماقداران دوران‌ساواك و رژیم پهلوی‌راسفیدکردند.

بقیه در صفحه ۱۱

برای مبارزه باامپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحدشویم!

دست تبهکار امپریالیسم امریکا...

بقیه ازصفحه ۱

نخست به‌بینیم انقلاب ایران‌از امپریالیسم‌آمریکا چه‌گرفت که اکنون برای پس‌گرفتن آن تا این‌حد میکوشد؟

انقلاب ایران و سرنگونی رژیم منحط شاهنشاهی بعقیده ناظران آگاه، در تنظیم و طرح‌ریزی سیاست خارجی و روند تصمیم‌گیری در مسائل خارجی آمریکا تاثیر مستقیم بجای‌گذارده است. ایران هم‌ازلحاظ منابع زرخیز و هم بعنوان بازار مصرف برای انحصارهای آمریکائی، و همدستانش‌در اروپای غربی و ژاپن یکی از پرسودترین سرزمینها بشمار میرفت. هر سال از ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان میهن‌ما، دهها و دهها میلیارد سود به‌جیب این غارتگران جهانی سرازیرمیگردید. امپریالیسم‌آمریکا شاه را یك‌متحد نیرومند و فرمانبردار میدانست. پنتاگون‌امیدوار بود که ایران شاهنشاهی می‌تواند نقش ژاندارم منطقه (مثلا سرکوب جنبش آزادیبخش عمان)، و نقش پاسبان منافع آمریکا (درمورد حفاظت از راههای دریائی برای حمل مواد نفتی) را ایفا کند. امپریالیستهای آمریکائی امیدواربودند که بتوانند بامداخله ضدانقلابی ارتش شاهنشاهی، راه هرگونه‌تحولات انقلابی و یا حتی مترقی در یکی از کشورهای ساحلی خلیج و شبه‌جزیره عربستان را سد کنند. امپریالیستهای آمریکائی میخواستند از ارتش شاهنشاهی که آن را با مدرنترین سلاحهای آمریکائی مجهز کرده بودند و همچنین از اراضی ایران، بقول خودشان درلحظه مفروض، بر ضد اتحاد شوروی استفاده کنند. رژیم شاه بـه آمریکائیها اجازه داده بود که دستگاههای جاسوسی ضدشوروی خود را در خاك ایران مستقر کنند.

کار بدینجا خاتمه نمی‌یافت. واشنگتن بخصوص در دوران تدارك قرارداد مصر و اسرائیل میخواست از ایران پلی بسازد که مصر و اسرائیل را بهم نزدیك و متصل کند و سپس هر سه این کشورها را زیر رهبری خود در یك قرارداد تازه نظامی، سیاسی جمع کند.

ایران شاهنشاهی یکی از اهرمهای فشار امریکا در سازمان اوپك بود که همراه با عربستان سعودی (دو کشور از بزرگترین تولیدکنندگان نفت در منطقه) برحسب منافع آمریکا و بضرر کشورهای عضو بکار می‌افتاد.

ایران همچنین در دوران قبل از انقلاب بزرگترین بازار فروش کالاهای آمریکائی (بخصوص تسلیحات) در کشورهای رشدیابنده بود.

انقلاب ایران تمام این امکانات و مزایا را از دست امپریالیسم آمریکا گرفت و موقعیت آن را در تمام منطقه با خطر جدی روبرو کرد.

اگر شاه سرنگون نشده بود، امپریالیستهای آمریکائی می‌توانستند بلامانع نفت را از این منطقه ببرند، جنبشهای ضد امپریالیستی منطقه را سرکوب کنند، رژیمهای ارتجاعی عرب را برسر حکومت نگاه دارند، از خاك ایران برای توطئه‌ها و دسائس ضدشوروی خود استفاده کنند.

پس‌از انقلاب ایران بود که سیاست خارجی آمریکا در منطقه، که قبل از آن نیز، از اواسط دهه اخیر پس از تحریم نفت، هنگام جنگ اعراب و اسرائیل، جنبه تعرضی و تجاوز بخود گرفته بود آشکارا بسیاست تهدید و ارعاب تبدیل شد. پس‌از انقلاب ایران شعار «نباید گذاشت انقلاب ایران بسایر کشورهای منطقه سرایت کند» به اصل اساسی سیاست آمریکا در منطقه، مبدل گشت. رهبران آمریکا صراحتا اعلام کردند که برای حفظ وضع موجود «در کشورهای دوست آمریکا» مداخله نظامی خواهند کرد.

آنچه امپریالیستهای آمریکائی را بیش از هر چیز بتلاش برای بازگرداندن ایران به‌دایره‌نفوذ امپریالیسم وامیداردایـنست که انقلاب ایران اگر باقی بماند ـ که در آن تردیدی نیست که خواهد ماند ـ نمیتواند بسایر کشورهای منطقه سرایت نکند. پایداری ایران در برابر امپریالیسم آمریکا می‌تواند الهام‌بخش خلقهای سراسر منطقه برای قیام در راه آزادی و استقلال کشورشان باشد.

امپریالیستهای آمریکائی ابتدا کوشیدند انقلاب ایران را از داخل بوسیله عواملشان بپوسانند و حکومت لیبرالها را که خط سیر آنان در فرجام به اردوگاه امپریالیسم منتهی میشد به تسلیم در برابر خواستهایشان وادار سازند. انقلاب ایران این توطئه را درهم‌شکست و پس از آن نیز دسیسه‌های دیگر آنان را خنثی نمود، اما این توطئه‌ها و دسیسه‌ها علیه ایران را پایانی نیست و ابعاد آن پیوسته وسیعتر می‌شود.

درباره این توطئه‌ها که در داخل کشور، بدست عوامل امپریالیسم و ضدانقلاب برهبری سرویسهای جاسوسی غرب‌انجام میگیرد ما بارها سخن گفته‌و خواهیم گفت. در اینجا میخواهیم نظرها را به فعالیت امپریالیسم آمریکا در صحنه بین‌المللی بخصوص در منطقه، جلب کنیم. واضح است که این فعالیتها چه در داخل و چه در خارج حلقه‌های مختلفی از زنجیر واحد سیاست بازگرداندن ایران بدایره نفوذ امپریالیسم است و در ارکستر واحدی که رهبری آنرا برژینسکی مشاور رئیس جمهور آمریکا در امور امنیتی بعهده دارد هماهنگ میشوند.

فعالیت امپریالیسم آمریکا در صحنه بین‌المللی متوجه منفردساختن ایران در منطقه و جهان و محاصره‌کردن آن در حلقه‌ای از پایگاههای نظامی است. اقدامات آمریکا در این‌زمینه از همان نخستین روزهای پس از انقلاب اتخاذ شده و پیوسته مقیاس وسیعتری بخود گرفته است.

قرارداد اخیر ترکیه و آمریکا بنام «قرارداد همکاری در زمینه‌های دفاعی و اقتصادی» یکی از آنهاست‌که متن آن را روزنامه انگلیسی «نیواستیتسمن» منتشر نمود و طبق آن ترکیه به آمریکا اجازه میدهد که «در خارج از مرزهای جغرافیائی پیمان آتلانتیك از خاك ترکیه، برای عملیات جنگی بسر ضد کشور ثالثی استفاده کند. مطبوعات ترکیه نوشتند که این کشور ثالث، شوروی دیگری جز ایران نیست. توضیحات برژینسکی در برابر روزنامه‌نگاران ترك هر شبهه‌ای را که در اینمورد وجود داشت از بین برد. وی گفت اگر منافع غرب ایجاب کند ناتو می‌تواند در خلیج فارس و یا تمام منطقه جنوب شرقی آسیا مداخله کند.

چند روز پیش از این مصاحبه، وزارت امور خارجه‌آمریکا (در ۲۸ ژوئن۱۹۸۰) اعلام داشت که بین کنیا و ایالات‌متحده قراردادی در مورد «توسعه همکاری‌در زمینه‌های کشوری و نظامی» منعقد شده است که طبق آن ایالات متحده می‌تواند از بنادر و فرودگاههای کنیا استفاده کند. طبق این قرارداد مستشاران نظامی آمریکا در کنیا افزایش خواهد یافت. مفسر رادیوی ان‌بی‌سی، توضیح داد که این قرارداد «جزئی از سیاست آمریکا در جهت افزایش پایگاههای نظامی خود در منطقه خلیج فارس است». کومر معاون وزیر دفاع آمریکا افزود «مسئله پایگاههای نظامی عنصر اصلی بنیان سیاست آمریکا در این منطقه است.»

چندی پیش ایالات‌متحده با عمان نیز چنین قراردادی منعقد نمود. اکنون بنادر و فرودگاههای عمان در زیر کنترل نیروهای

حفظ وابستگی‌های...

بقیه از صفحه ۱

واردکننده، کالا را تا مرز وارد میکند و توزیع بطورعمده در دست واردکنندگان باقی میماند. با ایجاد این مراکز اجرای اصل ٤٤ قانون اساسی که بزرگترین‌ضربه بر پیکر سرمایه‌داران وابسته است،متوقف خواهد ماند و این گروه سودپرست وابسته به انحصارات‌خارجی، مواضع کلیدی‌واردات و توزیع کالا را در دست خواهد داشت.

در انتقاد از این لایحه قانونی ورزنامه جمهوری اسلامی چندی پیش نوشت:

«امیدواریم وزارت بازرگانی در مقام دفاع از سرمایه‌داری نباشد... تجار بزرگ کسانی هستند که فرهنگ مصرفی را در ایران رواج میدهند و با استثمار خلق به بحرانهای‌اقتصادی دامن میزنند.» (جمهوری اسلامی، ۱۷ر۳ر۵۹)

روزنامه اطلاعات زیر عنوان: «زیر و بم ملی شدن تجارت خارجی» این طرح وزارت بازرگانی را با توجه به نقش واسطه‌ها و در نتیجه وجود سود که نوعی استثمار فرد از فرد است، غیراسلامی خواند. (اطلاعات ـ۷ فروردین ۵۹)

و آقای بنی‌صدر رئیس جمهوری‌اخیرا در سمینار بررسی مسائل‌اقتصادی در ارتباط با مسئله کرانی و انتقاد از «لایحه قانونی ایجاد مراکز تهیه و توزیع» گفت:

«فرض کنید که دولت کالا را تا مرز بیاورد و تحویل آقایان دهد، باز هم همین اوضاع خواهد بود، یعنی ضرر و زیان و خطردریا را دولت‌بجان‌بخرد و کالا را تحویل آقایان بدهد و دستها هم به ترتیبی که میخواهند توزیع کنند، باز قیمت میرود بالا. پس این توزیع هم باید درست شود... یعنی واردات را در دست بگیریم و توزیع را سازمان بدهیم، بطوری که دست واسطه‌ها کوتاه بشود» (انقلاب اسلامی ـ ۱٤ تیر ۵۹)

اما سیاستی که مسئولان وزارت‌بازرگانی دنبال میکنند در راستای ملی کردن واقعی بازرگانی‌خارجی و حذف‌سرمایه‌داری‌وابسته، واسطه‌ها و انگلها نیست. اگر سیاست بازرگانی خارجی ما در چنین راستائی بود، می‌بایست از فردای پیروزی انقلاب،سیاست بازرگانی ملاغوت که در جهت وابستگی کشور به امپریالیسم بود، بدور انداخته شود و سیاست جدیدی در جهت تامین استقلال کشور، پی‌ریزی گردد. چنین سیاستی می‌توانست اصول زیرین را مبنای حرکت خود قرار دهد:

۱ـ حذف سرمایه‌داری وابسته، یعنی بازرگانان عمده از سیستم بازرگانی کشور و اعلام ملی کردن بازرگانی خارجی؛

۲ـ اتخاذ سمت‌گیری جدید، دربازرگانی خارجی، یعنی حذف انحصارهای آمریکائی، ژاپنی و اروپای غربی که در گذشته عامل وابستگی، گرانی، تورم و غارت ثروتهای ملی بوده‌اند و شالوده ریزی یك سیاست جدید براساس استقرار مناسبات بازرگانی با هر کشوری که قصد چپاولگری ندارد و خواستار مناسبات عادلانه و برابر حقوق با کشور ماست؛

۳ـ انجام‌معاملات‌بزرگ از طریق‌مناقصه و در جریان گذاردن مردم، تا هر کشوری که کالای مورد نیاز ما را با کیفیت بهتر و شرایط مناسب‌تر عرضه نمود، طرف‌معامله ما قرار گیرد.

متاسفانه سیاست وزارت بازرگانی نه‌تنها در این سمت نیست، بلکه در جهت حفظ وابستگی‌های گذشته است. سالیان دراز طرف‌های معاملات بازرگانی ما، کشورهای بازار مشترك و امپریالیسم غارتگر آمریکا و ژاپن بوده، که در قبال صدور بنجل‌های خود بازار کشور ما را قبضه کردند و نسبت به انقلاب ما مواضع خصمانه و کین‌توزانه دارند. اما با کمال‌حیرت شاهدیم که وزیر بازرگانی دولت انقلاب، چشمش هنوز بـه دست همین غارتگران است، گوئی جزاین هفت‌هشت کشور، کشور دیگری درجهان وجود ندارد که از آن کالا بخریم و به آن کالا بفروشیم بی‌آنکه این دادوستد ایجاد وابستگی کند.

وزیر بازرگانی‌چند هفته‌پیش‌در مصاحبه‌ای گفت:

«راجع به مواد اولیه کارخانجات، ما امروز منتظر اتخاذ تصمیم بازار مشترك هستیم.» (کیهان ـ ۲۹ر۳ر۵۹)

آیا این کشورهای بازار مشترك نبودند که در دوران پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد، بازار کشور ما را به بازار مصرفی کالاهای بنجل خود بدل کردند و بلافاصله قبل از انقلاب حجم واردات یکی از آنهـا یعنی آلمان فدرال به کشورما، بیش از ۵۰ برابر خرید کالاهای غیرنفتی آن کشور از ایران بود و همین بازار مشترك نیست کـه امروزمصمما با امپریالیسم‌جهانخوارآمریکا در محاصره اقتصادی ما شرکت جسته‌است، تا انقلاب را از پای درآورد؟ پس چگونـه است که علیرغم آن غارتگریها و ایـن برخوردهای خصمانه باید باز چشم بدست دشمنان انقلاب خود بدوزیم، تا مرخصت، کردمو مواد اولیه. مورد نیاز کارخانه‌های‌ما را بچند برابر قیمت واقعی بما بفروشند؟اگر یك وزیر انقلابی در راس وزارت بازرگانی قرار داشت، بلافاصله طرف‌های دیگـری برای معاملات بازرگانی ما جستجو میکرد و دست آن غارتگران را در ادامه غارتگری بازمیداشت.

وزیر بازرگانی از اینکه کالاهای کشورهای امپریالیستی اروپای غربی، ژاپـن و آمریکا از طریق واسطه‌ها، با بهای‌گرانتر به کشور ما وارد میشود، هیچ دغدغه‌خاطری ندارد و میگوید:

«تجربه نشان داده است که محاصراتی‌از این قبیل، قیمت جنس را بالا می‌برد، ولـی مبادله جنس را متوقف نمی‌کند. چرا کـه تجارت راه خودش را دوباره پیدا میکند و واسطه‌ها نیز همیشه راهها را پیدا می‌کنند. (کیهان ـ۲۹ر۳ر۵۹)

وزیر بازرگانی در مصاحبه دیگری گفته است:

«حتی درمورد کالاهای آمریکائی. فقط دردسری که احتمال آن میرود، ممکن‌است که کالاها گران‌تر و دیرتر بدست‌ما برسد.» (صبح آزادگان ـ ۷ر۲ر۵۹)

برمبنای چنین سیاستی است که خبرنگاران خارجی مینویسند:

«شرکتهای تجارتی که مرکزشان در اروپاست گزارش میدهند که دادوستد آنها با ایران افزایش یـافته... بیشتر روابط تجارتی توسط شرکتهای میانجی در اتریش یا سوییس انجام میگیرد... کالاها را بـه کشورهای همسایه ایران همانند پاکستان و دوبی حمل میکنند، سپس این کالا به‌ایران فرستاده میشود.» (کیهان ـ ۳۱ خرداد ۵۹)

یك روزنامه ژاپنی نوشته است که:

«تجارت ژاپن با کویت و دوبی در طـی ماههای اخیر بشدت افزایش پیدا کـرده است، گفته میشود که یك چنین افزایشی بمناسبت صدور مجدد کالاها از این کشورها به ایران است.» (کیهان ـ۳۱ خرداد ۵۹)

آیت‌الله منتظری دراین رابطه میگوید:

«حالا جنس آمریکائی را از مسیر دولت دیگر وارد میکنید، این یك هنری است؟ نه آقا این یك بدبختی است. با اینکار داری پدر خودت را، پدر ملت را درمی‌آوری. اگر راست‌میگوئی، باید تحریم‌اقتصادی کنیم.» (اطلاعات ـ ۱۱ تیر ۱۳۵۹)

براستی ما چه نیاز مبرمی بـه واردات کالاهای آمریکائی،ژاپنی و کشورهای امپریالیست اروپای غربی داریم، که باید دراین تنگنای مالی، با قیمت چند برابر و بدست واسطه‌های سودجو، کالا از آن کشورهـا وارد کنیم؟ آیا نمیتوانیم این کالاها را از کشورهای‌دیگربخریم؟ چرا دست روی‌دست گذاشته و منتظریم تا ژاپن امپریالیست، کار خود را در مجتمع پتروشیمی اهواز از سر گیرد و آنها هم با شناختن نقطه ضعف‌های ما، ناگهان کریه رقصانی کنند؟ مگر خود آقای وزیر بازرگانی اعلام نکرد که:

«کشورهای اروپای شرقی بما مراجعـه کرده‌اند و بما گفتند که هر کمکی از دست ما ساخته باشد، انجام خواهیم داد. ضمنا در این وضع کشورهای اسلامی، هندوستان و بقیه کشورها برای کالاهائی که قـدرت کمك دارند، آمادگی‌خود را اعلام کرده‌اند.» (روزنامه جمهوری‌اسلامی ـ ۲۰ر۱ر۵۹)

چرا نخواسته‌ایم برای راه‌اندازی کارخانجات خود، به‌واردکردن مواد اولیه و خام از این کشورها که‌نه دوستان انقلاب ما هستند، اقدام کنیم، چرا باید در انتظار تصمیم بازار مشترك بمانیم تا اگر بر سر «لطف» نیامد و به تحریم اقتصادی ادامه داد، آنوقت ناگزیر باین کشورها روی آوریم؟

آیا لدانه چنین سیاستی در بازرگانی خارجی در شان دولت انقلاب است؟ آیـا میتوان‌باین سیاست را در راستای تامین استقلال اقتصادی کشور دانست؟

باید بصراحت گفت که کوشش درجهت حفظ و ادامه مناسبات بازرگانی گذشته، با استقلال اقتصادی کشور مباینت دارد.باید هرچه زودتر نیه این سیاست که با اهداف انقلاب ما نمیخواند پایان داد.

سخنان وزیر امورخارجه ویتنام...

بقیه از صفحه ۱

وی سپس ادامه داد: «من امیدوارم کـه سفرم بـه ایران‌مناسبات‌دوجانبه را استحکام‌بخشیده و زمینه‌همکاری‌های ثمربخشی را بین دو کشور در جهت استقلال، صلح و ترقی فراهم سازد.» او گفت: «من از این فرصت استفاده می‌کنم و مراتب احترام عمیق دولت و ملت ویتنام را نسبت به امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران و مردم ایران اعلام می‌دارم.»

رفیق فان‌هین درمورد همبستگی خلقهای ایـران و ویتنام در برابرامپریالیسم آمریکا گفت: «مردم آسیای‌جنوب شرقی نیز برای دست یافتن به آزادی و استقلال فداکاریهای زیادی از خود نشان داده و قربانیان فراوانی داده‌اند. یقیناً ملت‌های ایـران و ویتنام در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن مشترك خود، متحد خواهند بود تا به صلح، استقلال و خوشبختی دست یابند.»

رفیق فان‌هین، وزیر اطلاعات خارجی ویتنام، اظهار امیدواری کرد که در آینده نزدیك دو کشور ایران و ویتنام در خاك یکدیگر سفرای مقیم داشته باشند. او گفت: «تاسیس سفارتخانه‌های دائمی توسط ایران‌و ویتنام در خاك یکدیگر باعث توسعه مناسبات دوستانه و همکاری بیشتر بین دو کشور خواهد بود.»

رفیق فان‌هین در مورد کمك ویتنام به ایران بـرای درهم شکستن محاصره اقتصادی آمریکا علیه ایران گفت: «امپریالیسم آمریکا، ویتنام را نیز از مدتها پیش مـورد تحریم اقتصادی قرار داده است و جهان شاهد شکست این سیاست امپریالیسم بود.» او سپس اضافه داد: «ویتنام و ایران وضع مشابهی دارند و باید به‌یکدیگر کمك نمایند.»

رفیق فان‌هین، که برای ادای‌احترام نسبت‌به‌شهدائی که جان خود را در راه انقلاب ایران فدا کرده بودند، به بهشت‌زهرا رفته بود، در این مورد گفت: «در بهشت زهرا دریافتم که دو ملت ایران و ویتنام وجوه اشتراك فراوانی دارند.»

رفیق فان‌هین، حامل دو پیام از جانب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام، برای امام‌خمینی، رهبر انقلاب ایران و رئیس جمهوری اسلامی ایران است.

در سومالی هیئتی از کارشناسان نظامی آمریکائی مشغول مذاکره و بررسی وضع بنادر و فرودگاههای این کشور هستند. مصر مدتهاست به پایگاه تجاوز آمریکا در تمام منطقه تبدیل شده است. ژنرال آلن رئیس‌ستاد نیروی هوائی‌آمریکا درمصاحبه خود (نیویورك‌تایمز ۱٦ ژوئن ۱۹۸۰) در باره مانورهای مشترك ۹۰ روزه نیروی هوائی‌آمریکا و مصر بنام «بروفانتوم» گفت: ما مایلیم شیوهٔ عملیات جنگی در این منطقه را که‌بسیار نزدیك به شرایط خلیج فارس و اقیانوس هند است تمرین کنیم. ژنرال جین یکی از افسران بلندپایه ستاد نیروی هوائی توضیح داد که نیروی هوائی آمریکا در مصر نه‌تنها برای تمرینات جنگی بلکه برای «سایر منظورها» نیز ممکن است مورد استفاده قرار گیرد.

هواپیماهای آمریکائی که در عملیات نافرجام طبس شرکت کردند، از همین پایگاههای مصر برخاستند.

عراق یکی‌دیگر از اهرمهای فشار بر انقلاب ایران است. امپریالیستهای غرب موفق شده‌اند عراق را در توطئه‌های ماجراجویانه خود بر ضد انقلاب ایران وارد کنند و بر اختلاف دو کشور دامن زده و بکوشند تا نیروی ایران را در یك جنگ فرسایشی تحلیل برند.

پاکستان یکی از پایگاههای اصلی ضدانقلاب جهانی در این منطقه است. تلاش امپریالیسم آمریکا برای سرنگون‌کردن حکومت انقلابی افغانستان از طریق‌اعزام مزدوران‌و خرابکاران از خاك پاکستان به‌افغانستان جزئی از استراتژی کلی امپریالیسم آمریکا برای تنگ‌کردن حلقه محاصره بر گرد انقلاب ایران بود. امپریالیستهای آمریکائی از وحشت که رژیمهای ارتجاعی منطقه (پاکستان، مصر، عربستان سعودی، شیخ‌نشین‌ها و غیره) را دربر گرفته بود استفاده‌کرده توطئه علیه افغانستان را بنام «اسلام» برپا کردند. صدای «واالسلام» بناگاه از تمام مرتجعین منطقه، از سادات، سلطان حسن، سلطان قابوس، ملك‌خسالد، ضیاءالحق و... برخاست. رهبر ارکستر در ستاد عملیاتی «سیا» نشسته بود و تمام سازها را هماهنگ میکرد. ناگهان مطبوعات آمریکا که تا چندی پیش اسلام و امام خمینی را با زشت‌ترین الفاظ یاد میکردند پشتیبان «اسلام» شدند، اسلام آمـریکائی، اسلامی که ضیاءالحق‌ها و فهدها و سادات‌ها مظهر آنند.

واشنگتن توانست از طریق عوامل خودش یعنی همین مسلمانان آمریکائی، کنفرانس اسلامی پاکستان را به تریبون مخالفت با افغانستان تبدیل کند.

«اسلام‌بنامی» امپریالیستهای آمریکائی بـا عملیات طبس رنگ‌باخت. شکست توطئه طبس که امروز تمام ابعاد ضدانقلابی آن بمنظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران روشن شده است مقدمه‌ای برای گسترش ابعاد توطئه علیه ایران گشت. اکنون ما شاهد آنیم که امپریالیستهای آمریکائی میکوشند تمام جبهه‌های سیاسی که بین کارتر و هواکوفنگ در توکیو صورت‌خواهد گرفت و سفر ضیاءالحق به عربستان سعودی، تحکیم جبهه متحد ضدانقلاب جهانی برای جلوگیری از روند تشنج‌زدائی و تحکیم صلح و امنیت در جهان و در آسیا و در منطقه و بخصوص برای رویاروئی با انقلاب ایران و افغانستان است. جاروجنجال درباره افغانستان مانور انحرافی است. اصل مسئله خفه‌کردن انقلاب ایران و همچنین حکومت انقلابی افغانستان است که خار چشم امپریالیسم شده‌است و کارتر فکر میکند و میگوید که ایران یکی از کشورهائی است که آمریکا «بهیچ قیمت» نمی‌تواند از آن صرف‌نظر کند. ولی تصمیم درباره ایران را آقای کارتر نمیگیرد. او قسمت اراده خلل‌ناپذیر یك خلق را در کسب استقلال و آزادی لااقل‌در نمونه ایران و ویتنام باید فهمیده باشد او خواهد دید که چگونه ناچار خواهد شد از ایران‌صرفنظر کند.

آمریکائیها بهتر از هر کس میدانند که نیروهای‌مزدورشان که در افغانستان میجنگند هرگز نخواهند توانست حکومت آن کشور را که از پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی برخوردار است واژگون کنند. اما این مانور انحرافی برای آنان لازم است تا از آن طریق با ایجاد تفرقه در داخل ایران و اخلال در مناسبات ایران و اتحاد شوروی، که به‌نوشته برژینسکی طبق سند مشهور توصیه کارتر مهمترین شرط انفراد رژیم خمینی و سقوط آنست به‌هدف بازگرداندن ایران به‌حیطه نفوذ خود برسند. آمریکائیها میخواهند با پول عربستان سعودی، به اسلام ضیاءالحق، با اسلحه آمریکائی و انگلیسی، با کارشناسان خرابکاری چینی، افغانستان را به پایگاه ضد انقلاب و قبل از هر چیز علیه انقلاب‌ایران و جمهوری اسلامی ایران تبدیل کنند. آنها میخواهند ایران را در منطقه منفرد سازند و ضربت نهائی را به انقلاب‌ما وارد کنند.

اما از قبل میتوان گفت که دسیسه‌های ضدانقلاب جهانی و محور پکن، واشنگتن، اسلام‌آباد محکوم به شکست است. در صورت اتخاذ سیاست درست و روشن بیناله و تامین وحدت مردم، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

در عین حال پیش‌بینی اینکه غلبه بر دسیسه‌های خطرناك گروهی از کشورها که امکانات وسیع مالی، اقتصادی، فنی و نظامی بزرگی دارند برای مردم ما و انقلاب ما بچه‌قیمتی تمام خواهد شد چندان آسان نیست.

ما «بهیچ قیمتی» نمیخواهیم آزادی و استقلال خود را از دست بدهیم و امپریالیستهای آمریکائی نمیخواهند «بهیچ‌قیمتی» از ایران ما صرفنظر کنند. این تضاد منافع، آشتی پذیر نیست. آنها خوب میدانند و ما هم. برای ما یك نبرد مرگ و زندگی در پیش است.

تردیدی نیست که خلق قهرمان‌ایران در این‌نبرد سرنوشت‌ساز پیروز خواهد شد. زیرا امپریالیسم، این سرمایه‌داری‌محتضر دیگر قادر نیست اراده خود را بر خلقها تحمیل کند، بخصوص که خلقها [illegible] نیست.

اعلامیه سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران...

بقیه از صفحه ۱

دمکرات ایران نیز که‌از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی ایـران تاکنون همهٔ توان خود را صرف دفاع‌از دستاوردهای انقلاب و از جمله شرکت در امر سازندگـی ایران عزیز کرده است، امروز نیز شرکت در این پایگاه را برای شرکت در امر برداشت محصول وحفاظت از آن‌بسیج کرده و گروههائی‌از این جوانان اکنون‌در حداکثر امکانات تـازه‌ای، بطور مستقل در امر فوق فعالیت می‌کنند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بار دیگر در پاسخ مثبت به دعوت جامعه روحانیت مبارز تهران، آمادگی خـود را جهت همکاری با تنها انقلابی جهان سازندگی و الهامبخش این اقدامات در پـرداشت محصول و حفاظت از آن اعلام می‌کند و مصرانه از این نهاد انقلابی و دیگر ارگانهائی که بخاطر امر فوق تشکیل شده‌اند می‌طلبد تا از طریق تماس با مرکز سازمان و یا شماره تلفن ۹۳۲۲۸۳، روستاهائی را که بیش از هفته نیاز به نیروی کمکی دارند به اطلاع سازمان برسانند.

ما از همهٔ جوانان و دانشجویان میهن دوست می‌طلبیم که در این شرایط حساس به کمك دهقانان زحمتکش بشتابند که بزرگترین وظیفه انقلابی در شرایط کنونی محاصره اقتصادی، خودکفا بودن کشور از محصولات کشاورزی است.

زنده‌باد اتحاد عمل جوانان و دانشجویان مترقی و ضد امپریالیست ایران بـرای دفاع از دستاوردهای انقلاب و در راه سازندگی ایران‌نو

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران ۱۸ر٤ر۱۳۵۹

www.iran-archive.com

گروهك مائوئیستی ـ ضدانقلابی «حزب رنجبران»، درعرصهٔ تئوری وعمل

مائوئیسم، متحد امپریالیسم

«حزب رنجبران»، مدافع سرمایه‌داری وابسته، دوستدار امپریالیسم آمریکا و دشمن متحدین انقلاب ایران است

انقلاب بزرگ، ضد امپریالیستی و خلقی ایران به‌منظور دستیابی به‌پیروزی نهائی‌وتامین استقلال کامل به‌نبردی حیاتی با دشمنان قسم‌خورده خودبرخاسته است. در عرصه جهانی، انقلاب ایران، جبهه جهانی‌امپریالیسم به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا را رودرروی خود دارد. در داخل، سرمایه‌داران بزرگ وابسته و مالکان کلان و تمامی شبکه ضد انقلاب برای‌درهم شکستن انقلاب و کشاندن ایران بدوران سیاه گذشته فعالیت گسترده وپردامنه‌ای راسازمان داده‌اند، در هین حال انقلاب ایران دشمنان دیگری نیز دارد. گروهکهای مائوئیستی ازاین جمله‌اند. تمامی این گروهکها چون رنجبران، پیکار، راه‌کارگر، کومله و... باتمام اختلافاتی که بین آنها وجود دارد، در یك‌چیز مشترکند و آن‌دشمنی‌باانقلاب‌ایران‌ودوستان انقلاب ایران‌است.

این نخستین بار نیست‌که مائوئیسم برای منحرف ساختن جنبش انقلابی، به منظور دشمنی با انقلاب و هواداران آن، به فعالیت مخرب دست زده‌است. تاریخ پیدایش مائوئیسم پرونده قطوری از خیانت، دشمنی باانقلابهای رهائی‌بخش و مترقی از یك‌سو وهم‌آوائی با محافل‌ارتجاعی و امپریالیسم جهانی از سوی دیگر است. از نقش‌خائنانه سردمداران مائوئیسم (رهبران کنونی چین) که بگذریم، گروهك‌های مخرب مائوئیستی در پرتغال، شیلی، اندونزی، سودان، ظفار و... از جمله نیروهائی بودند که در پیوند باامپریالیسم، به‌شکست انقلابات کمك کردند وهم‌اکنون نیز در نیکاراگوئه دولت انقلابی این‌کشور را مورد تاخت وتاز خود قرارداده‌اند. انقلاب ایران نیز ازاین گزند درامان نبوده است.

در مورد فعالیت‌های مخرب این عناصر در دوران قبل از به‌ثمررسیدن پیروزی انقلاب، در رابطه بااسنادی که‌درسفارت اسرائیل در تهران، پس از انقلاب بدست آمد، همکاری‌ایادی و جاسوسان پکن واسرائیل و محافل مائوئیستی ایران علیه جنبش‌های انقلابی منطقه و بویژه‌انقلاب ایران وفلسطین، آشکار شد. در همین‌رابطه روزنامه «الکفاح‌العربی» چاپ بیروت نوشت:

«اسنادی که در محل نمایندگی اسرائیل درتهران‌بدست آمد، ثابت می‌کند که‌نمایندگان سرویس‌های ویژه اسرائیل و چین، کارجمع‌آوری اطلاعات را همواره باهم هماهنگ می‌کردند. آنان اطلاعات خود رامبادله می‌نمودند. نمایندگان سرویس‌های ویژه چین، اطلاعات مربوط به‌فعالیت سازمانهای مختلف رژیم شاه وارتباط آنهاباانقلاب فلسطین رادر اختیار اسرائیلی‌ها می‌گذاشتند. چینی‌ها این اطلاعات را ازگروهبندی‌های مائوئیستی داخل ایران بدست می‌آوردند». الکفاح‌العربی سپس می‌افزاید: «در زمان دولت‌بختیار گروههای طرفدار چین در ایران به‌انواع تلاشهائی که‌هدف آن تفرقه‌اندازی میان طرفداران آیت‌الله خمینی و مارکسیست‌ها بود دست‌می‌زدند.»

در همین زمینه محمدتقی جوان مدیرکل معدوم سازمان منحله ساواك، در دادگاه، ازجمله فاش کرد که چگونه‌ساواك در گروهبندی‌های مائوئیستی در خارج از کشور نفوذ می‌کرد تا ازاین طریق پس از ایجاد انشعاب دراین‌گروهها، گروههای مائوئیستی ساخت ساواك رابوجودآورد. در همین رابطه‌روزنامه «نیوزلاین» چاپ لندن ازقول شهریار سالور عنصرساواك که بدرون کنفدراسیون‌نفوذکرده بود، نوشت: «به‌من پیشنهاد کردند بتدریج یك‌گروه مائوئیستی بوجودآورم»

این روند، پس ازپیروزی‌انقلاب به شیوه‌ای جدیدادامه یافت. گروهی زیرلوای به‌اصطلاح «دفاع از انقلاب»وگروهی دیگر باشعارهای ماوراء چپ اما باهمان هدف گروه اول یعنی دشمنی آشکار باانقلاب ودستاوردهای آن، وارد میدان‌شدند.

ما طی مقالات خود چهره واقعی‌این گروهك‌ها را افشا خواهیم کرد، اهداف آنها را نشان خواهیم داد ونشان خواهیم داد که چگونه گروهك‌های مائوئیستی در اوکستر ضد انقلاب برهبری امپریالیسم‌آمریکامریك‌نوای مناسب‌رامی‌نوازد و ازاین طریق آوای شوم ضدانقلاب راکامل می‌کنند.

۱ـ چگونه حزب رنجبران بوجود آمد

در دهه ششم قرن بیستم یعنی از حدود بیست‌سال‌پیش در اثر پیدایش نظرات شوبنیستی، عظمت‌طلبانه و مخرب در حزب کمونیست چین و بخصوص رشد و تثبیت آن پس از کنگره نهم‌این حزب، در جنبش‌جهانی‌کمونیستی و کارگری که سدی مستحکم از برلن تا پکن را درمقابل‌دسائس و تحریکات امپریالیسم جهانی کشیده‌بود، شکاف‌افتاد. انشعاب در جنبش کارگری و کمونیستی که گرچه دیگر باظهور مائوئیسم ایدئولوژی منحط و خطرناك ضد صلح و ترقی ـ اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، بااین حال به‌مثابه ضربه عظیمی برجنبش کمونیستی و کارگری جهان‌بود. مائوئیسم باشعارهای انقلابی دوآتشه، علیه «ابرقدرت‌ها» به‌میدان آمد. برای «خلق»ها مبارزه «قهرآمیز» تجویز کرد. «سازش ناپذیری» در مقابل‌ارتجاع‌و «ابرقدرتها» را توصیه کرد و «جهش‌های عظیم» به «کمونیسم» را وعده داد.

این نوای به‌ظاهر انقلابی که شورانقلابیگری کاذب و شوبنیستی، نت‌های آرامی‌ساخت، گروه کثیری ازجوانان و بی‌خبران در امر مبارزه را بسوی خود جلب کرد. ضایعه این پدیده خطرناك، انشعابات گروهکهای کوچك ولی متعدد دربرخی از احزاب کمونیست بود، گروهکهائی که به‌شتابزدگان بی‌حوصله، دست‌یافتن‌به‌بهشت موعودی راکه گویا در ۲ قدمی آنهاست وعده میدادند. بهشتی که گویا بواسطه «سازشکاری و خیانت رویزیونیستها»، دستیابی بدان تحقق نمی‌پذیرد.

همزمان با پیدایش مائوئیسم درجنبش کمونیستی، برخی ازاین نظریات در میان اعضاء وهواداران حزب توده ایران و بخصوص دانشجویان هوادار مقیم‌آلمان‌غربی، انگلستان‌وفرانسه پیدا شد.

حزب توده ایران کوشید تا با صبر وحوصله به بحث وگفتگو با آنها بپردازد. اما آنها ارتباطاتی نیز با چین بعمل آورده بودند، درحدوداوایل دهه شصت از صفوف حزب توده ایران خارج شدند. گروهی برهبری **پرویز نیکخواه** و گروههای دیگر برهبری **صادقی**، **خاتیابا تهرانی**، **زوربخش** و... در سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱) به‌اتفاق **فریدون کشاورز** که به علت تبعیض‌از اصول حزبی از صفوف حزب توده ایران اخراج شده‌بود، اولین کنگره خود را تشکیل‌دادند.

در این میان پس از پیروزی مشی لنینی‌در پلنوم ۱۱ کمیته مرکزی حزب توده ایران، طرفداران اندیشه، مائو، قاسمی، فروتن و سغائی از حزب توده ایران اخراج شدند. این سه‌تن‌متعاقب خروج از حزب توده ایران به گروه تشکیل دهنده «کنفرانس اول» پیوستند وپس از مدتی با تشکیل «کنفرانس‌دوم»، «سازمان انقلابی حزب توده ایران درخارج از کشور» بوجود آمد. دراین کنفرانس فروتن از جمله افرادی بود که به‌مضویت اجرائیه «سازمان‌انقلابی...» انتخاب گردید.

باورود سه‌تن مزبور اختلافات درونی «سازمان انقلابی» به شدت بالا گرفت. این اختلافات منجر به اخراج این سه‌تن‌از سوی «سازمان انقلابی» گشت (چنانکه این سازمان مدعی آن است) این سه نفر سپس‌درسال ۱۹۶۶ به گروهی که نشریه **طوفان** رااز‌سال ۱۹۶۴ منتشر می‌کردند، پیوستند. الحاق این سه تن به تشکیلات طوفان موجب شد که گروه طوفان‌دستخوش تغییراتی‌گردد و پس از مدت زمانی به «سازمان مارکسیستی ـ لنینیستی طوفان» تغییر نام یابد!

بدین‌ترتیب ۳ سازمان بااتکار ومواضع کاملا یکسان مائوئیستی بوجود آمدند. اما هنوز مدتی از انشعاب‌فروتن، قاسمی و سغائی از «سازمان انقلابی» نگذشته بود که گروهی تحت عنوان «کادرها» این سازمان را ترك کردند وهر کدام‌گروه جداگانه خود را بوجود آوردند. ازجمله افرادی که تحت نام «کادرها» از سازمان انقلابی جدا شدند می‌توان از خانیابا تهرانی، مجید زوربخش و پرویز نعمان نام برد. لاشائی، نیکخواه، علی صادقی، محسن رضوانی وپارسا نژاد از جمله کسانی بودند که در «سازمان انقلابی» باقی ماندند.

انشعاب در ۲ سازمان مائوئیستی فوق هیچگاه خاتمه نیافت وچنانچه انتظار می‌رفت‌به‌بلندپروند قانونمند‌ایدیل‌گشت وتاکنون نیز پایان نیافته است.

پس از انشعاب «کادرها»، مجید زوربخش واطرافیان او گروهی را بوجود آوردند که بعدها به «سازمان اتحادمبارز»در راه ایجاد حزب طبقه کارگر، معروف گشت. در آمریکا، گروهی از انشعابیون از «سازمان انقلابی» بنام «سازمان انقلابیون کمونیست (م.ل)» پس از صدور اطلامیه‌ای، با «گروه پویا»در مرداد ۵۵ وحدت کردند و «اتحادیه کمونیستها»را بوجود آوردند. از سوی دیگر «سازمان‌طوفان» نیز دستخوش‌انشعابات پی در پی گردید.

فروتن که پس ازمدتی‌از «سازمان طوفان» جدا شده بود پس از مرگ قاسمی دوباره به‌این سازمان برگشت. پس ازورود دوباره به‌این سازمان، بین او وطرفداران قاسمی، اختلافاتی بوجود آمد و پس از مدتی گروهی تحت نام «حزب کمونیست کارگران و دهقانان» از این سازمان انشعاب کردند! در این‌میان گروه «پرولتر» که بعدها «سازمان مارکسیستی ـ لنینیستی ایران» نام گرفت (در تیر ۵۶) وگروهی بانام «سازمان کارگران مبارز» (در همان سال) ازاین سازمان جدا شدند و گروههای خود را در خارج ازکشوربوجودآوردند.

پس از آنکه ماهیت وعمل‌سیاسی اندیشه‌های «مدرمائو» در کوره‌تجربه‌افشاشداکثرگروهکهای فوق‌که دیگر نمی‌توانستند به طرفداری علنی از نظریات‌آشکارامد انقلابی ومخرب‌مائوتسه دون‌وتز «سه جهان» اختراعی وی بپردازند، یکی پس از دیگری راه مخالفت با رهبران کنونی‌چین را پیش گرفتند. ولی‌ازاین میان «سازمان انقلابی»، «گروه مبارزه در راه ...» و... همچنان بدفاع آشکار و سرسختانه از رهبران کنونی چین واندیشه‌های ضد لنینی، مخرب و عظمت طلبانه مائوتسه دون ادامه دادند.

گروهی که به‌خود نام «سازمان انقلابی حزب توده‌ایران در خارج از کشور» را داده بود بدنبال اندیشه‌های مائوتسه دون که مبارزه سیاسی را تنها از راه «لوله تفنگ» می‌دانست، برای آشنائی با فعالیت های چریکی وتعلیم دیدن وهمچنین برقراری ارتباط مستقیم با رهبران حزب کمونیست چین، نخست فریدون کشاورز را به چین‌فرستاد، سپس خانیابا‌تهرانی به‌این کشور سفر کرد. این اواخر نیز فروتن مخفیانه و دور از چشم رهبری سازمان توفان ودر پی تقاضای «سازمان‌انقلابی» به چین رفت.

پس از وقوع انشعاب در «سازمان انقلابی» باقی ماندگان همچون لاشائی، نیکخواه،پارسانژاد، علی صادقی برای‌فعالیت و «تماس گیری» با «مبارزان داخلی» و ایجاد گروههای‌پارتیزانی و آغاز «مبارزه مسلحانه» و «محاصره شهرها از طریق دهات» نخست گروه اول را که متشکل از لاشائی، نیکخواه وپارسانژاد بود به‌ایران فرستاد. این دوران‌مصادف بود با سفرنیکسون به چین، ازاین روابن عناصر، متعاقب ورود به‌ایران دستگیرشده وباپیوستن به ساواك، ازاین طریق فعالیت‌های «انقلابی» خود را ادامه دادند.

نیکخواه ولاشائی پس از دستگیری در تلویزیون تلق‌های اتشین در تمجید از رژیم «مستقل وملی» شاه بعمل آوردند. بلافاصله پس ازسخنرانی لاشائی در تلویزیون وتمجید وی از شاه و عنوان این مطلب که رژیم شاه رژیمی است «مستقل و ملی»، سازمان انقلابی که‌گویا بنابه ادعای خود مدتها بود که مسئله «مستقل وملی» راحل کرده بود در این مورد اطلامیه‌ای صادر کرد. دراین اطلامیه از جمله آمده بود:

«... (لاشائی) در حرفهایش حمله عمده را به سازمان، روی برخورد دگماتیستی واینکه رژیم ایران «مستقل و ملی» است و سازمان نمی‌خواهد این مسئله رادرك کند، گذاشته است ... **(سازمان ما) معتقداست از خود در زمینه برخورد دگماتیك به مسائل انقلاب ایران برخوردی انتقادی کرده است حتی در زمینه مسئله «مستقل وملی» هم بدون تعصب دست به‌تحقیق وبررسی زده‌است»!!**

(نقل‌از «بسوی‌آینده»،ارگان‌مرکزی‌سازمان جوانان حزب کمونیست کارگران و دهقانان ـ دی ماه ۵۶).

پس از افشای ماهیت گروه اول، نوبت به‌گروه دوم و سیروس نهاوندی عامل ساواك وتشکیل «سازمان آزادی بخش خلقهای ایران» رسید. این سازمان که مستقیما تحت نفوذ ساواك قرار داشت گروههای فراوانی از جوانان را زیرپوشش خود گرفت ودر فرصت های مناسب باشناسائی رهبران‌گروهها، آنها را تحویل ساواك می‌داد. «سازمان‌انقلابی» که برای‌چندمین باربا خیانت رهبران واعضاء خود روبرو شده بود برای‌مدتها ساواکی بودن سیروس نهاوندی را کتمان می‌کرد. این سازمان در این مورد نوشت:

«بعضی ها هم به همین شیوه در برخورد به «سازمان آزادی‌بخش خلقهای ایران» و فرار رفیق سیروس نهاوندی عمل نمودند. آنها نه تنها وجود «سازمان آزادیبخش خلقهای ایران» را نفی کردند بلکه فرار سیروس نهاوندی رااز زندان‌زیر علامت سئوال قرار داد وحتی رذالت را تا جائی بردند که گفتند خود «سازمان امنیت» این کار را کرده است تا کسان دیگری‌را بدام بیاندازد. آنها از سازمان ماخواستند تااطلاعات خود را دراین مورد در اختیار جنبش‌بگذارد. برغم آنها،اطلاعاتی که ما درنشریات خود انتشارداده بودیم ونوشته رفیق سیروس نهاوندی برای آنها کافی‌نبود، ماهمچنان ازاصل سکوت پیروی کردیم ...(!!) چگونه میتوان اطلاعاتی را که «سازمان امنیت» جنایتکار نتوانسته بودبانام شکنجه‌هایش‌از مبارزین (اگراطلاعی داشته!) بدست آورد ما در برابر شایعه پراکنی‌هادراختیارآنها بگذاریم (!) هنگامیکه ما در برابر این شایعه پراکنی‌ها و تحریکات سکوت میکردیم ـ سردمداران این سبك اپورتونیستی درمیان‌توده‌ها تبلیغ‌میکردندحتمازیرکاسه نیم‌کاسه‌ایست...»(۱)

سیروس نهاوندی پس از متلاشی‌شدن‌سازمان به اصطلاح آزادیبخش خلقهای ایران و پایان یکی دیگر از سناریوهای ساواك وپس از آنکه چهره‌اش برای سازمانهای مبارز افشاشد مخفیانه به‌فعالیت ادامه داد واینك پس از انقلاب، مخفیانه به تشکیل گروههای مائوئیستی مبادرت ورزید، وازاین طریق فعالیت‌های مخربی را علیه انقلاب آغاز کرده‌است.

مدتی پس از پیروزی انقلاب، گروههای مائوئیستی «پیرو اندیشه مائوتسه دون» ـ که دیگر نمی‌توانستند با نام‌های قبلی خود به‌فعالیت ادامه دهند، زیرا چهره‌های آنها برای همه آشکار شده بود ـ باپرگزاری‌اولین کنگره خوددر دی ۵۸ گروهك ضد انقلابی «حزب رنجبران» را بوجود آوردند. گروه‌های‌تشکیل دهنده «حزب رنجبران» عبارتند از: گروه علی صادقی(«سازمان انقلابی»)، گروه عبدالمجید زوربخش («اتحاد مبارز»)، گروه محمد ارسی (گروه «پرولتر»«سازمان مارکسیستی ـ لنینیستی ایران») منشعب از توفان، بخشی از گروه «سازمان انقلابیون مارکسیست ـ لنینیست» که مدتها قبل از «سازمان انقلابی» منشعب شده بود و تعدادی گروهك دیگر.

برای آشنائی با مواضع اعلام شده از سوی مائوئیستهای پیرو راه پکن، بهتر است قبل ازآن بطور خلاصه با مواضع‌و عملکرد مائوئیسم ورهبران کنونی‌چین‌درسطح جهان آشنا شویم.

۲ـ پیدایش مائوئیسم وفعالیت آن در دوران کنونی

سازمان های جاسوسی امپریالیستی خوشحالند آنچه را که دیروز در رویاروئی مستقیم با جنبش‌های آزادیبخش و کشورهای سوسیالیستی نمی‌توانستند انجام‌دهند،اینك به‌برکت پیدایش مائوئیسم وازطریق ایده‌تولوژی مائوئیستی رهبران کنونی پکن که هدفی جز دشمنی بادوند انقلابی دوران معاصر را ندارد، به پیش‌برند.

این نخستین بارنیست که جهان خود را باچنین‌پندارهای مخرب وضد ترقی وصلح جهانی روبرو می‌بیند. زمانی ایدئولوگهای بورژوازی از طریق اشاعه افکار چپ روانه از نوع باکونیستی و بلانکیستی و در دوران پس از آن نظریات راست روانه برنشتینیسم و کائوتسکیسم وسپس تروتسکیسم هدف‌خود را که همانا مقابله با روند انقلابی جوامع مختلف بوددنبال می‌کردند. امروزه مائوئیسم درکنار دیگر ایدئولوژیهای مخرب این وظیفه را دنبال می‌کند.

رهبری مائوئیستی چین، پس ازاینکه ارتباط خود را با اندیشه و عمل‌مارکسیسم ـ لنینیسم قطع کرد واصول انترناسیونالیستی پرولتاری‌را زیرپا گذاشت،باعمال سیاستهای تفرقه افکنانه وخرابکاری در جنبش جهانی کمونیستی وکارگری وستیزه‌جوئی علیه اتحاد شوروی‌ودیگر کشورهای‌سوسیالیستی، راه توطئه و تخریب در کوششهای آزادیبخش، ترقیخواهانه و صلح‌طلبانه خلقهای جهان را درپیش‌گرفت وباچنین‌پشتوانه‌ای به جبهه سیاهترین نیروهای ارتجاعی وفاشیستی امپریالیسم جهانی ملحق شد.

تلاشهای عظمت طلبانه رهبری پکن که هدفش‌تامین هژمونی جهانی چین است، بااین اظهارات مائوتسه دون درسال ۱۹۵۹ که «هدف ماکره زمین است، ماجهان رانسخیر خواهیم کرد و دولت مقتدری تشکیل خواهیم داد» به‌سیاست رسمی پکن‌تبدیل شد اما برای ادامه تبلیغ چنین نظریات مخربی، قبل ازهرچیز، رهبران مائوئیستی چین سعی کردند پایه تئوریکی براین پندار مخرب بوجود آورند. حزب کمونیست چین که «سال ۱۹۵۹بر تمام تطمنامه های مصوبه جلسات مشاوره احزاب کمونیستی جهان امضای خود را می‌نهاد» حزبی که رسما اعلام کرده بوددر جهان امروزی بین ۲ قطب سوسیالیسم وامپریالیسم مبارزه‌ای جانانه در گرفته وجهان کنونی اینك در بستر انقلابات‌اجتماعی و گذار به سوسیالیسم قرار دارد، به ناگاه‌با تغییر ۱۸۰ درجه در مواضع خود اعلام کرد: «ازنظر منافع حیاتی کشورهای امپریالیستی، تضادها و برخوردها بین خود این کشورهابرای آنها فعلی‌تر وواقعی‌ترازتضادهای آنها باکشورهای‌سوسیالیستی است».(۲) ویا «تغییراتی که طی ۱۶ سال اخیر درجهان‌روی‌داده است‌تضادهائی است که بین‌امپریالیسم آمریکاکه‌سیاست سلطه برجهان را اجرا می‌کند وکشورهای دیگر امپریالیستی وجود دارد» (۳)

این نظریات‌منحرف‌وخطرناك‌که تضادعمده بین‌سوسیالیسم وامپریالیسم و تضاد ومبارزه بین ملل ستم‌کش ونیروهای سیاه امپریالیستی را نادیده می‌گرفت، مورد مخالفت شدیداحزاب کمونیست قرار گرفت که به آموزش مارکس ولنین وفادار بودند. پس ازمدتی مائوتسه دون که‌خود بانی این‌افکارمنحرف بود اعلام کرد: «در اتحادشوروی اکنون دیکتاتوری سرمایه‌داری بزرگ باگرفته. دیکتاتوری ازنوع فاشیستی. دیکتاتوری نوع هیتلری».(۴) سپس این «نظریه» بطور رسمی اعلام شد که: «سوسیال امپریالیسم وامپریالیسم برای نابودی انقلابات ملل تحت ستم متحد یکدیگرند.»(۵)

راه دوستی با آمریکا

پس از آنکه رهبران چین نظریات «انقلابی» مابانه خودرا اعلام کردند وبه‌طور آشکار راه مخالفت با اتحاد شوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی را پیمودند وپس از آنکه وجوداختلاف نظر در جنبش کمونیستی جهانی علنی وقطعی شد، ودر عمل سیاست ونظریه رهبران پیاده شد، بطور طبیعی چین وآمریکا در وجود یکدیگر متحد خود رایافتند. البته ازمدتها پیش، دستگاههای جاسوسی امپریالیستی در قاموس «اندیشه‌های صدرمائو» هسته اصلی راکه عبارت بوداز دشمنی باسوسیالیسم ودوستی با امپریالیسم آمریکا یافته بودند. در حقیقت محافل حاکم آمریکا سعی فراوان کردند تابهر طریقی شده، بتدریج مناسبات خود را باچین بهبود دهند وزمینه وابرای بهره‌برداری از چنین «چرخشی» آماده کنند. ازاین رو پس از اعلام رسمی نظریات مائوئیستی رهبران چین و عملکردتخریبی ونفاق‌افکنانه وضد سوسیالیستی دولت چین، نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا برای یك دیدار رسمی آماده سفربه پکن شد. دراین مورد مائوتسه‌دون به ادگاراسنو، چین‌شناس مشهور امامشکوك آمریکائی گفت: «او مردانی‌چون نیکسون را به‌سوسیال‌دمکراتها وورویزیونیستها ترجیح می‌دهد.» «آری نیکسون میتواند سوار هواپیما شود وبیاید». (۶)

در اواخر سال ۱۹۷۰ یحیی‌خان رئیس جمهوری وقت پاکستان بانامه‌ای از نیکسون برای چوئن‌لای واردپکن شد. پس از ورود نیکسون به‌پکن روزنامه نیویورك دیلی‌نیوز نوشت: «ماامیدواریم که او (پرزیدنت نیکسون) فعالیت حیله‌گرانه و ماکیاولیستی رادنبال کند که‌هدف‌دورآن برانداختن چین سرخ برضد روسیه سرخ است».

در واقع‌نیکسون‌ودیگر رهبران آمریکا باموفقیت توانستند چین را نه فقط علیه اتحاد شوروی بلکه علیه تمامی جنبش‌های رهائی‌بخش ملی برانگیزند. رهبری پکن با اختراع تئوری ضد انقلابی «ابرقدرتها» وتز «سه جهان» که هدفش عبارت بود از زیر ضربه بیرون کشاندن نیروهای سیاه امپریالیستی ودرراس آنها، امپریالیسم آمریکا، این سیاست را باهمیاری و کمك امپریالیسم آمریکا دنبال کردند.

دراین مورد پس از عادی شدن روابط بین آمریکا وچین که از سوی هواکوفنگ در ۶ دسامبر ۱۹۷۸ اعلام شد «مجله «پکن رویو» نوشت:

رهبران ماتاکید داشته‌اند که‌برقراری رابطه دیپلماتیك‌با ایالات متحده آمریکا را نباید ازنقطه‌نظر دیپلماتیك موردبررسی قرار داد. برقراری رابطه چین وآمریکا مسئله‌ای استسیاسی. دولت چین همیشه این رابطه را ازنقطه نظر یك روند طولانی واستراتژیك موردبررسی قرارداده‌است.»(۷)

بقیه درصفحه ۴

۱ ـ ستاره سرخ شماره ۲۴ ـ ارگان «سازمان انقلابی»

۲ ـ مجله خون‌چی ۱۹۶۲ شماره ۳ـ۴

۳ ـ (همانجا)

۴ ـ چین توده‌ای، چاپ انتشارات پنگوئن ـ لندن ۱۹۷۷ جلد ۴

۵ ـ روزنامه مردم چاپ پکن آگوست ۱۹۷۱

۶ ـ International , Herald , Tribune شماره ۲۱ـ ۲۲ اکتبر ۱۹۷۲

۷ ـ Beijnc Review شماره ۴ ژانویه ۱۹۷۹

www.iran-archive.com

مائوئیسم، متحد امپریالیسم (بقیه)

راهی که رهبران چین تاکنون پیموده‌اند تنها بدوستی و همکاری مستقیم با امپریالیسم آمریکا محدود نمی‌شود. در ناموس آنها هر رژیمی که دشمن جبهه جهانی انقلاب، ترقی اجتماعی وصلح باشد میتواند مورد حمایت چین قرار گیرد و هرکه علیه امپریالیسم جهانی مبارزه‌کند دشمنی چین را باخود خواهد داشت. دولت چین دراجرای سیاست‌های مغرب وضد انقلابی خود از رژیم های دیکتاتوری در پاکستان ، سودان ، شیلی، زئیر، اندونزی پشتیبانی می‌کند. رهبران چین بطور مستقیم در مبارزه خلق آنگولا علیه امپریالیسم خرابکاری و اخلال می‌کنند و ازسازمان‌های اونیتا و ف ـ ان ـ ال ـ آ ، که کوشش‌های ضد مردمی‌آنهاایتك برهمه آشکار گشته، پشتیبانی میکنند . رهبران چین تابدانجا پیش رفتند که به‌تعریف وتمجید از رژیم ضد خلقی شاه خان پرداختند .

پس از علنی ورسمی‌شدن‌سیاستهای عظمت طلبانه وضد انقلابی رهبران‌مائوئیستی‌چین،دستگاههای جاسوسی‌امپریالیستی ونوچه‌های آن‌ها در کشورهای زیر سلطه ، یکی پس از دیگری به‌تعریف و تمجید از «چین‌توده‌ای» پرداختند. درایران، ساواك و «سازمانهای فرهنگی» وابسته به‌آن دست به انتشار کتب و جزوات متعددی زدند. از جمله‌از سوی «سازمان پژوهشهای علوم اجتماعی» وابسته به ساواك منحله کتابی انتشار یافت‌که نویسنده آن در مورد «چین توده‌ای» می‌گوید :

«نمونه جمهوری توده‌ای چین از جمله نمونه‌های نادری است که به حقانیت سیاست مستقل و ملی و به ابطال انترناسیونالیسم پرولتری گواهی‌می‌دهد».

(نگرشی نودر سیاست مستقل ملی ایران از آغاز تا امروز ـ شاهرخ توپسرکانی).

رئیس هیئت کنگره ملی خلق چین در هنگام اقامت خود در ایران به تجلیل‌ازمبارزات«ضد امپریالیستی» شاه پرداخت‌و دولت چین رسما اعلام کرد : **رشد وگسترش روابط دوستانه‌دو کشور مانه فقط پاسخگوی منافع مشترك دولت مابوده ، بلکه با آرزوی مشترك خلق‌های آسیا به‌وحدت در مبارزه‌شان علیه امپریالیسم نیز وفق میدهد.** »(۸)

سیاست‌های جنایت‌آمیز رهبری پکن زمانی به اوج خود رسید که درست در بحبوحه نبرد مردم بی‌سلاح ایران علیه‌رژیم تابدندان مسلح شاه ، هواکوفنگ‌نخست‌وزیرچین برای‌یك‌دیدار «دوستانه» و «ابراز همبستگی» با رژیم شاه مخلوع به‌ایران‌آمد. روزنامه «پرولتر» ارگان «سازمان مارکسیستی ایران» که جزو گروههای تشکیل دهنده «حزب رنجبران» است در همان زمان نوشت : «در نخستین هفته ماه شهریور رفیق هواکوفنگ برای یك دیدار کوتاه به‌ایران مسافرت می‌کند. مسافرت رفیق هواکوفنگ به‌ایران حادثه مهمی‌درروابط میان‌دوکشوراست»(۹) و این‌همان شهریوری‌است که هفدهم آن میدان ژاله ، میدان شهداشد .

رهبران کنونی چین درپی سیاست‌های سلطه جویانه و عظمت‌طلبانه خود اکنون در تمام دسیسه‌چینی‌ها و تحریکات دول امپریالیستی‌وبخصوص امپریالیسم امریکا علیه خلقهای بپاخاسته شرکت می‌جویند . چین همصدا بامحافل ارتجاعی جهان ونیروهای سیاه‌امپریالیستی،علیه‌تمامی‌حرکات وجنبشهای استقلال طلبانه وآزادیخواهانه به دسیسه چینی مشغول است . چین‌اکنون به عامل توطئه چینی وجنگ افروزی در آسیای‌جنوب شرقی مبدل شده‌است. رهبران کنونی چین هم‌آوا باواشنگتن ، به‌جنگ‌افروزی علیه ویتنام قهرمان مشغول‌اند . چین به‌ضد انقلابیون کامبوجی کمك نظامی می‌کند تااز‌این طریق به‌خواست امپریالیسم امریکا در تحریك وتوطئه چینی علیه دولت انقلابی کامبوجیا جامه عمل بپوشاند . چین همصدا بادیگر محافل ارتجاعی ، امپریالیسم امریکا وابه تشدید اعمال ضد انقلابی و مخرب تشویق می‌کند. تاجالیکه در رابطه‌باشکست تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا در طبس اظهار تاسف مینماید .

رهبری کنونی چین از اینکه رژیم شاه در ایران‌سرنگون شده‌و به امپریالیسم امریکا ضربات مهلك وارد شد بهیچوجه خرسند نیست . ازاین رو عوامل چین درایران همچون «حزب رنجبران» سعی دارند تا سمت اصلی جنبش ما را ازمبارزه ضد امپریالیستی واز نبرد علیه دشمن اصلی ماشیطان بزرگ امریکا منحرف سازند وایران را عملا به‌ورطه همکاری مستقیم با امپریالیسم آمریکا ، احیای پیوندهای وابستگی همانگونه که امپریالیسم آمریکا خواهان آن است، بکشانند.

۳ـ گروهك ضد انقلابی ـ مائوئیستی «حزب رنجبران» دشمن انقلاب ایران

گروهك مائوئیستی رنجبران نقاب هواداری ازانقلاب‌ایران برچهره زده است. اماآیا واقعا چنین‌است ؟

مواضع اعلام شده ازسوی این‌گروهك نشان میدهد که این گروهك نه‌تنها طرفدار انقلاب ایران نیست بلکه در همه‌جا سعی می‌کند تابه هر طریق ممکن، انقلاب ایران‌را ازمسیر اصلی ضد امپریالیستی خود منحرف سازد. همپالکی های این گروهك در سایر نقاط جهان همگی مواضع‌رسمی خود را که‌دشمنی‌آشکار بااانقلاب ایران و رهبری آن‌است ازمدتها پیش اعلام کرده‌اند. از جمله این گروهك ها می‌توان از گروهك اس. ك . پ درسوئد که واژه کمونیست رادرنام خود پدك میکشد وآنرا آلوده‌میکند نام برد. این گروهك‌که‌همانند همپالکیش «رنجبران» پیروواندیشه مائوتسه دون و طرفدار مواضع کنونی رهبری چین است در نشریه خود بنام «گنیستان» در مورد عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام واشغال لانه جاسوسی آمریکا نوشت: «اشغال کنندگان سفارت محرکانی‌همانند سایر تروریستهاهستند. تنها تفاوت آنها این‌است‌که تروریستها درسابق اوضاع یك‌کشور را متشنج می‌کردند، اما خمینی واشغالگران وی سیاست‌تحریك آمیزی را پیش‌می‌برندکه‌می‌تواندتمامی جهان رابرهم ریزد».(۱۰)

به‌منظور روشن‌تر شدن مسائل بایددید «حزب‌رنجبران» خود چه میگوید :

۱ـ حزب رنجبران دوستدار آمریکا

حزب رنجبران خود را پیرو اندیشه مائوتسه‌دون وهوادارتز «سه‌جهان» می‌داند . تز سه‌جهان میگوید که در جهان دو ابر ـ قدرت آمریکا وشوروی وجود دارند ، این جهان اول‌است. جهان دوم کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته از جمله انگلستان،فرانسه و آلمان غربی و ژاپن و...است . از طرفی جهان سومی نیزوجود دارد مرکب از سایر کشورها که‌متحد جهان دوم است. در این میان بین آمریکا وشوروی ، شوروی خطرناکتراست وبه‌همین علت باید آتش توپخانه رابسوی این‌ابرقدرت نشانه‌رفت. نظر گروهك رنجبران دراین مورد چنین است :

«شوری سه جهان می‌گوید : دو ابرقدرت دشمنان اصلی خلقهای جهان‌اند . اما ...تفاوتهائی‌میان‌دو ابرقدرت‌موجوداست. مقایسه میان دوابر قدرت نشان میدهد که .ابرقدرت شوروی‌از ابرقدرت امریکا خطرناك‌تر است». و یا «این‌تفاوتها» بالاجبار سوسیال ـ امپریالیسم شوروی را به‌دشمن خطرناکتر استقلال، آزادی و انقلاب کشورها، ملل وخلقهای جهان تبدیل نموده‌است. اینکه ضربه‌ی‌اصلی «جبهه واحد جهانی» بایدروی این‌ابرقدرت تمرکز یابد، ازهمین جاناشی میشود. (۱۱) این «جبهه واحد جهانی» نه فقط جهان سوم کشورهای کم رشد وجهان دوم‌یعنی دوجهان امپریالیستی اروپای غربی و ژاپن رامتحدا (!) در برمیگیرد بلکه ـ بدیهی است ـ که برای واردکردن ضربه‌اصلی بر ابرقدرت روس میتواند وبایدابرقدرت امریکارا نیزدربرگیرد.

«گروهك رنجبران» در مورد «خطر شوروی» می‌نویسد:

امروز دیگر برکسی پوشیده نیست‌که خرس قطبی(مقصود شوروی است) برسرمرزهای ما کمین نشسته است تا پنجه‌های پلید خود را بسوی میهن مادراز کند. (۱۲)

ودرست کارتر نیز چنین عقیده‌ای دارد:

«وقت آن رسیده تامردم ایران بدانند دشمن آنهاکیست. روسها پشت مرزهایشان کمین کرده‌اند ، هدفشان دستیابی به آبهای‌گرم خلیج وراههای ارتباطی نفت‌است.» (۱۳)

و :

«به‌رهبران ایران توصیه میکنم که بدانند خطر اصلی برای کشورشان درشمال است وادامه کشمکش ایران باما،مانع پاسخ دادن به‌آن خطر می‌شود ». (۱٤)

خلاصه می‌بینید چگونه گروهك رنجبران همان رامی‌گوید که جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا گفته‌است. نبت آمریکا از عنوان مطالب فوق چیست ؟ چرا امپریالیسم آمریکا می‌خواهد آتش توپخانه انقلاب ایران رابسوی دشمن موهوم‌متوجه سازد ؟ در شرایطی که امپریالیسم آمریکا به خاك ایران بمنظور پیاده کردن مقاصد شوم خود تجاوز نظام‌میکند، در شرایطی‌که آمریکا صدهاهزار ارتش‌خود رادرتمام کشورهای اروپای‌غربی، ژاپن و فیلیپین وکره جنوبی واسترالیا وگرولند متمرکز کرده وتنها در منطقه اقیانوس هند وخلیج فارس ده‌ها پایگاه نظامی‌ایجاد کرده، در شرایطی که بودجه جنگی امپریالیسم آمریکا در سال کنونی بمبلغ ۱٦۱ میلیارد دلار رسیده در شرایطی که‌آمریکانقشه کارگذاری موشکهای «پرشینگ۲» و «موشکهای بالدار» دراروپای غربی توسط ناتورابه‌اجرادرآورده‌است ودراوضاع کنونی که امپریالیسم آمریکا این جرثومه فساد، جهان راپابحران وخطر جنگ روبرو ساخته است ، چرا وبه‌چه‌علت گروهك‌هائی ،مانند گروهك رنجبران ، سعی دارند تاامپریالیسم آمریکا رااززیر ضربه خارج سازند ؟

بررسی مواضع گروهك رنجبران رادنبال‌می‌کنیم:

نکته ضد انقلابی تز سه‌جهان وتئوری ابرقدرتهانیز درآن نیست که این تز امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی خلقهای جهان رااززیر ضربات توفنده خلقهای‌تحت ستم بیرون میکشد. ازدیگر مشخصات این تز، همکاری وسیع‌با بخش‌های بزرگ بورژوازی کشورهای تحت سلطه است . این نیزبه این‌علت‌است که بورژوازی وابسته در کشورهای زیر سلطه ، ازآنجا که از سرمایه‌های عظیمی برخورداراست و منافع طبقاتیش بانحصارات امپریالیستی جوش خورده بطورعینی‌نمیتواندبدشمن امپریالیسم و دوست کشورهای سوسیالیستی‌باشد ... اینهاهمچنین‌خواهان مبارزه‌در راه تامین حقوق اجتماعی خلقها نیستند. آنهادشمن عمده خود را نه آمریکاجل شوروی می‌دانند .

گروهك رنجبران در تائید این نکته می‌گوید :

«آیا شوری سه جهان معتقد است که درمقابله باتهاجم دو ابرقدرت وبویژه سوسیال امپریالیسم شوروی ، پرولتاریا باید باآن بخش ازبورژوازی که حاضر به‌مقاومت دربرابرتهاجم ابرقدرتهاست متحد شود ؟ جواب مثبت است» (۱۵)

وبه‌همین دلیل است‌که گروهك رنجبران به انورسادات که خائن به‌منافع ملی ومیهنی مصر وخلقهای عرب وهمکار صهیونیسم بین‌المللی و امپریالیسم جهانی است لقب «مستقل» می‌دهد :

«عبدالناصر مبارزه بزرگی را علیه امپریالیسم انگلیس... انجام داد اما بعدا به‌شوروی متمایل گردید ... سادات برای **تصحیح اشتباه عبدالناصر اولین گامهای مستقلانه را برداشت**». (۱٦)

«گروهك رنجبران» در دفاع از جاسوسان ولیبرالهای سازشکار نظیر : مقدم مراغه‌ای‌ها، امیر انتظام‌ها رانیروهای «ملی واستقلال طلب» می‌نامد وخواستار «انتقاد وطرد انقلابیون کاذبی» (بخوان همه نیروهای راستین ضد امپریالیست)می‌شود که دست به افشاگری علیه لیبرالهای سازشکار زده‌اند، و در جواب مسلمانان پیرو خط امام که می‌خواهند عناصرسازشکار از نهادهای انقلابی ودولتی تصفیه شوند می‌نویسد : «نظریه تقسیم خلق به لیبرال ورادیکال درخدمت کیست ؟ این‌اواخر اینجا وآنجا عده‌ای درمیان نیروهای اسلامی وباملی شروع کرده‌اند باگذاشتن در جای پای چپ‌نماها، امروزه همان نیروها وجمعیت هایی که‌درعرض یکسال گذشته بعنوان لیبرال مورد حمله چپ‌نماها وباند کیانوری بوده‌اند ، حالا مورد حمله‌عده‌ای ازنیروهای اسلامی هستند ونقریبا به‌همان دلیل »(۱۷)

ورق پاره «رنجبر» ضمن اهانت به مسلمانان پیرو خط امام می‌افزاید : «**این ضد لیبرالهای مسلمان‌نما**... که بر مکتبی بودن خودوضرورت مکتبی بودن انقلاب بسیار تکیه می‌کنند دم شرقی بودن خودشان نمایان می‌گردد... طراحان این برنامه‌در برابر شعار راستین نه شرقی، نه‌غربی همصدا با **روزنامه مردم** فریاد می‌زنند آمریکا دشمن اصلی‌ماست» (۱۸)

«رنجبر» ادامه می‌دهد «سیاست‌تاختن‌علیه سرمایه‌داری ملی (بخوان بورژوازی لیبرال سازشکار)... به‌شکل تمرکز حمله روی آمریکا درنهایت به‌تعقیب یك سیاست‌ضدملی وانقیادطلبانه می‌انجامد ». (۱۹)

در همین رابطه گروهك رنجبران در ادامه سیاست خود پس از پخش خبر ساواکی بودن ابوالفضل قاسمی همصدا با سایر عوامل شاهپور بختیار درایران بابرگزاری مصاحبه مطبوعاتی از وی دلجوئی کرد !

۲ـ سیاست دشمنی با نیروهای انقلابی و دوستی باگروههای ضدانقلابی

گروهك رنجبران در مقابل دفاع از بورژوازی لیبرال سیاست دشمنی بانیروهای دمکرات انقلابی راپیش‌گرفته‌است.

گروهك رنجبران می‌نویسد: «انقلابی نمائی درمبارزه‌علیه امپریالیسم آمریکا به کجراه می‌رود ومبارزه علیه ابرقدرت روس را به فراموشی سپرده شماره‌ترقی نغربی رامخدوش ویامحو می‌سازد . انقلابی نمائی درمبارزه علیه غرب چنان‌افراط می‌کند که مرزمیان آمریکاواروپارابرهم می‌زندو اروپا را به‌دامان آمریکا حل می‌دهد »، «این بیماری ، ناقل آن‌بخش‌هائی از خورده بورژوازی پرشوروشر است» بیماری که «مبارزه باآن شرط ضروز هرگونه پیشرفت درانجام وظائف کنونی ومرحله‌ای انقلاب است » (۲۰)

گروهك «رنجبران» هر آن کس راکه علیه امپریالیسم مبارزه کند «شر» می‌داند وهرکه طریق دوستی با آمریکا راطی کند وخواستار تخفیف مارزه ضد آمریکائی باشد «ملی ووطن دوست» می‌شناسد . ازهمین روست که گروهك رنجبران فریاد برمی‌آورد وازپیشروی مبارزه ضد امپریالیستی به هراس می‌افتد واقدامات انقلابی دانشجویان پیرو خط امام دراشغال لانه جاسوسی راخطرناك می‌شمارد :

«مسئله گروگان‌گیری موضع ایران رادر سطح جهانی تا حدودی تضعیف نمود ومشکلاتی برای انقلاب ایران بـه‌بار آورد».(۲۱)

گروهك «رنجبران» به موازات دشمنی وتوطئه چینی‌علیه نیروهای انقلابی در هیئت حاکمه ایران ، نیروهائی که‌خواستار تشدید مبارزه ضد امپریالیستی‌هستند، علیه آنهائی که‌خواهان پشتیبانی قاطع ازاین نیروی ضدامپریالیستی هستند، نیزتوطئه می‌کند . این گروهك بهمانند دیگر گروهکهای مائوئیستی درباره حزب توده ایران می‌نویسد :

«در کشور ما رویزیونیستهای حزب توده جریان عمده رویزیونیستی وانحرافی راتشکیل می‌دهد و باید مبارزه رابطور استوار همه‌جانبه علیه این‌دشمن قسم خورده طبقه‌کارگر ادامه داد» (۲۲) صدای آشنائی است ! مدتهاست که از زرادخانه‌های جاسوسی امپریالیستی چنین اراجیفی علیه حزب توده ایران صادر می‌شود . موضع گیری علیه نیروهای انقلابی، بلافرم سیاسی گروهك‌های مائوئیستی در سطح جهانی است. تمامی گروهك های مائوئیستی اینك تنها بمنظور خرابکاری‌درامر مبارزه انقلابی احزاب کمونیست جهانی ازیك سووتوطئه چینی درامرمبارزه‌انقلابی خلقهاازسوی‌دیگرشکل‌میگیرند.این‌ازبدیهیات است. دراین میان گروهك رنجبران علیه مواضع مثبت سازمان چریك‌های فدائی خلق که در عمل به‌آن دست‌یافته است ، به توطئه چینی وتحریك پرداخته ودرمقابل موضع گیری رهبری‌و «اکثریت» این سازمان از مواضع آشکاراانحرافی «اقلیت»دفاع می‌کند و می‌نویسد :

«جریان اکثریت خطرناك بوده، سمت قهقرائی را کاملا طی نموده ، وبك جریان خطرناك تقویت انقیاد طلبی وتسلیم‌طلبی بطرف ابرقدرت نوخاسته شوروی می‌باشد. در حالیکه جریان اقلیت اولا علیه این سیر قهقرائی بوده و مضمون‌انشعاب آنها امروز باسیاست تاکتیکی ابرقدرت شوروی خوانائی چندانی ندارد ». (۲۳)

مگر نه‌آنست که «سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» اینك درآن مسیری گام‌برمی‌دارد که پشتیبانی از انقلاب و دستاوردهای انقلاب از جمله نکات اصلی آن‌است ؟ پس چرا گروهك مائوئیستی رنجبران که خود را «مدافع انقلاب» می‌داند از جریانی دفاع می‌کند که مخالف بالصحیح مواضع در اینمورد گرهی است و عملا به‌مواضع مائوئیستی (اقلیت) نزدیك است ؟ جواب این سئوال را گروهك رنجبران در اعلامیه «پیام به مارکسیست» ... این چنین می‌دهد:«درینك سال گذشته‌دوجریان متمایز را می‌توان مشاهده کرد» (۲٤)

وسپس اضافه میکند :

جریانی که در مبارزه علیه رویزیونیسم مدرن بعنوان انحراف عمده در جنبش کمونیستی جهان و ایران مبارزه فعال ومتمرکز کرده، خطرات ناشی از مداخلات وتوطئه‌گریهای سوسیال ـ امپریالیسم را بعنوان یك ابر قدرت متجاوز وغارتگر که استقلال وتمامیت ارضی کشور ما را تهدید میکندبه‌مبارزه بی‌امان پرداخته وهمال سوسیال ـ امپریالیسم درایران یعنی داودسته کیانوری رادائما افشا کرده وجریان دیگری که بادامن زدن به پراکندگی واختلافات موجود در بین نیروهای چپ، از تمرکز حمله برروی این داودسته جلوگیری کرده وبدین‌ترتیب نسبت به خطرات ناشی از توسعه نفوذ آن‌ورشد خطر سوسیال‌ـ امپریالیسم بی‌توجه مانده است. (۲۵)

بدین‌ترتیب در قاموس گروهك رنجبران این دو جریان‌یکی دربرگیرنده تمامی گروهك‌های مائوئیستی است ودر مقابل ، جریان دیگر، حزب توده ایران است. ازاین روست که‌گروهك رنجبران از «کومله» این عامل وابسته بـه رژیم بعث عـراق پشتیبانی مـی‌کند :

«هیئت حسن نیت بجای روی آوردن بسوی نیروهای استقلال خواه که به‌نظر ماالیته دچار چپ روی‌هائی هستند،در مذاکرات روبه‌سوی داودسته حسامی وفش بلوریان نموده است . » (۲٦)

نتیجه:

امپریالیسم آمریکا و عمال‌ساواك‌از سازماندهی‌گروهکهای مائوئیستی اهداف ذیل را تعقیب می‌کنند :

۱ ـ از طریق نشر تئوریهای ماوراء چپ واز طریق‌ایجاد تشتت فکری میان روشنفکران تنگنکر ، بخشی از آنها را به دامهای رنگارنگ گروهکهای ریزودرشت مائوئیستی میکشاند و نیروی آنها را بخدمت اهداف خویش می‌گیرد.

۲ ـ از طریق این گروهکها به‌جمع‌آوری اطلاعات، از فعالیت نیروهای مترقی وانقلابی دست میزند.

۳ ـ ازطریق فعالیتهای تحریك آمیز وتوطئه‌گرانه آنهاکه زیر لوای «کمونیسم» انجام می‌گیرد، به‌بدبینی میان نیروهای مترقی وانقلابی غیر کمونیست و کمونیستهای اصیل وراستین ، دامن میزنند، نفاق می‌افریند وزمینه رابرای پیشبرد اهداف خویش آماده می‌کند .

٤ ـ بوسیله آنها توطئه های خرابکاری ، ترور ودرگیری میان نیروها را عملی میسازد .

گروهك ضدانقلابی مائوئیستی «حزب رنجبران» تاکنون نشان داده است که برای اجرای نقشی که برعهده دارد، و پیاده کردن نقشه‌ای‌که‌مامور آن‌است خدمتگذارخوبی‌بوده‌است.

۸ ـ دوستی دیرینه چین وایران ـ اداره‌نشریات زبانهای خارجی پکن ـ ۱۹۷۳ ص ۱٤

۹ ـ پرولتر شهریور ۵۷

۱۰ ـ Cnisean ۱٤ دسامبر ۱۹۷۹

۱۱ ـ رنجبر ٦ خرداد ۵۹

۱۲ ـ رنجبر شماره ۱

۱۳ ـ اخبار صدای جمهوری اسلامی ایران ۲بعدازظهر چهارشنبه ۱۹ر۱۰ر۵۸

۱٤ ـ کیهان ٤ بهمن ۵۸

۱۵ ـ ستاره سرخ دوره سوم شماره دوم مرداد۵۸ص۸۳

۱٦ ـ رنجبر شماره ۱۰

۱۷ ـ رنجبر شماره ۱٤ ص ۱۱

۱۸ ـ رنجبر شماره ۳۰ ص ٤

۱۹ـ رنجبر شماره ۳۵ـ۲۲ آبان ۵۹ ص۲

۲۰ ـ رنجبر ٤ خرداد ۵۹

۲۱ ـ رنجبر شماره ۵۳ ـ ۲۸ اردیبهشت

۲۲ ـ ستاره سرخ مرداد ۵۸ ص ۲۷

۲۳ ـ رنجبر ۲ خرداد ۵۹

۲٤ ـ رنجبر ۸ دی ۵۸

۲۵ ـ (همانجا)

۲٦ ـ رنجبر ۱٤ آذر ۵۸

قابل توجه خبرنگاران نامه «مردم» در شهرستانها

هرروز دهها گزارش و صدها خبراز سراسر ایران که توسط رفقای حزبی ویا هواداران حزب تودهٔ ایران تهیه شده است، به نامه «مردم» میرسد. ما ضمن‌تشکر ازهمه خبرنگاران نامهٔ «مردم»، رفقا ودوستان حزبی، خواهانیم‌که برای بهتر شدن گزارشها و اخباری‌که بدست خوانندگان نامه «مردم» میرسد وهمچنین‌سرعت بخشیدن بدرج اخبار وگزارش‌ها، حتماً نکات زیرین را رعایت کنند:

۱ـ اغلب همراه‌گزارش‌ها، بویژه‌گزارش‌های **محلات فقر** وهمراه اخبار، بویژه اخبارتشکیل‌نمایشگاهها، **عکس‌های‌رنگی** برای ما فرستاده میشود. این‌امردرمورد‌گزارش‌های **کارگری و دهقانی** هم صادق است. ازآنجاکه عکس‌رنگی درنامه«مردم» از نظرفنی‌قابل‌استفاده نیست وباضافه چاپ وظهور آنهم مدتی طول میکشد، لطفاً دردرجه اول برای ما عکس ویا فیلم سیاه و سفید بفرستید. توجه میدهیم‌که تهیه عکس‌رنگی منتفی‌نیست وکسانیکه امکان دارند، میتوانند هردونوع‌فیلم،هم‌رنگی‌وهم سیاه‌وسفیدراتهیه کنند. دراینگونه مواقع میتوانید برای سهولت وسرعت‌کار، عکس سیاه وسفید وفیلم‌رنگی‌را برای ما بفرستید .

۲ـ دربسیاری موارد، ازمحلاتی‌که‌گزارش آنها تهیه ودر روزنامه چاپ شده‌است، برای ما گزارش‌میرسد، برای‌مثال‌تاکنون ۳گزارش‌درباره محله زنجان شمالی، که‌گزارش‌آن قبلا درروزنامه چاپ شده، برای ما فرستاده شده‌است. تهیه ایـن قبیل‌گزارش‌های تکراری تنها سبب هدررفتن‌وقت میشود.

۳ـ درعکس‌هائی که‌ازمحلات‌فقر،وزندگی‌زحمتکشان‌برای‌ما میرسد، اغلب تنها عکس خانه‌ها، کپرها، ویرانی محله‌گرفته شده است. این عکس‌ها لازم است، اماکافی نیست، درمحلات فقر باید عکس انسانهائی‌که در آن شرایط زندگی میکنند نیزگرفته شود. بویژه تهیه عکس زحمتکشانی‌که هنگام‌تهیه‌گزارش‌باآنها گفت‌وگو میشود، حتما لازم است.

درگزارش‌هائی‌هم‌که اززندگانی‌زحمتکشان، بویژه‌کارگران ودهقانان تهیه میشود، باید حتما به‌تهیه عکس‌آنهاهنگام‌کاروتصویر چهره‌آنها توجه داشت. اینگونه عکس‌ها باید زنده وهنگام کار گرفته شود، تابتواند،نحوه فعالیت زحمتکشان را نشان بدهد.

۴ـ اغلب عکس‌ها ویافیلم‌هائی‌که همراه‌گزارش‌ها واخبار میرسد، فاقدشرح است. حتما لازم است پشت‌هرقطعه عکس‌توضیح کافی درمورد آن داده شود. اگرفیلم‌را برای‌ما می‌فرستید،درنامه‌ای همراه فیلم برحسب شماره فیلم توضیحات‌آنرا بنویسید.

۵ـ مشخصات دقیق محلات فقر، و درصورت امکان، محل قرارگرفتن‌آنها را در شهرروی نقشه ترسیم‌کنید.

۶ـ هرگزارش وخبرباید شامل تاریخ روی دادن آن ونام شهر، روستا،کارخانه ومحلی باشندکه‌گزارش یاخبر از آنجا تهیه شده است.

۷ـ برای‌آنکه اشتباهی بخصوص در اسامی اشخاص‌ومحلها روی ندهد، اسامی دوبار وبزرگ وکاملا خوانا نوشته شود.

۸ـ گزارش‌ها واخبار را یك‌طرف صفحه وباخط خـوانا بنویسید، اگرباماشین تحریر باشد چه بهتر.

نامه«مردم»

برای شهیدان حزب وجنبش

نامه «مردم» درنظر داردعکس‌های تمام‌مبارزانی را که‌در دوران سلطنت ننگین و منفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود بشهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همه‌میهن‌دوستان و آزادیخواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، بـه دفتر نامه «مردم» مراجعه کنند.

با سپاس ـ نامه «مردم»

تمام قراردادهای اقتصادی ونظامی اسارتگر امپریالیستی بایدلغو شود

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

سنگ‌تراشان را دریابید!

□ کارگران سنگتراش: اگر سندیکا داشتیم بکارمان رسیدگی می‌کرد.

□ یك کارگر سنگتراش: اگر زمین بدهند، میروم سرکار اصلی خودم.

سنگتراشان اصفهان بطور پراکنده اکثراً در کنار قبرستان و خیابان «تخت فولاد» و تعدادی نیز در خیابان بزرگمهر ودیگرخیابان‌های شهر کار می‌کنند.

کارگران سنگتراش بخاطر تفاوت‌درشکل وکیفیت کار مزدهای متفاوتی دارند.کارگران اطراف قبرستان بیشتر طرح و نوشته‌میتراشند وچون این کار سخت است ونیاز به«استادکار» دارد ، گاهی مزدشان تادوبرابر دیگرکارگران است. برخی دیگر از سنگتراشان‌هم روی‌سنگ‌های مخصوص دیوار ، حوض، پله ، و ...کار می‌کنند . ولی چیزی که درهمه این‌سنگتراشان مشترك است صفتی‌است که از سنگ‌گرفته‌اند «سرسختی وقدرت». کارگران همه دارای‌روحیه «ساختن» هستند . دستهای پرینه آنان هنوز منتظر ثمره های انقلاب است.آنان امیدوارند که فرامین امام در مورد مستضعفین هر چه زودتر به مورد اجراء درآید .

به‌منظور دیدار وگفتگو با کارگران به خیابان بزرگمهر میرویم ...

کارگری با چهره سوخته که چین‌وشیار‌های صورتش نشان از سالها رنج و استثمار دارد ، در محل کار بی‌دروپیکرش در گرمای آفتاب خرداد عرق از سر ورویش میریزد و مداوم پتك برسنگ می‌کوبد ... زیر سایبانی‌که خود از حصیر ساخته نشسته است . پس از سلام گرم ، باروئی گشاده از ما استقبال‌میکند، خود را عباس کیانی معرفی می‌کند. میگوید تازه به‌اینجا آمده وازاینکه پس از ۷ سال کار دریك سنگتراشی اخراجش کرده بودند واو بخاطر فقدان سندیکا نتوانسته از خود دفاع کند سخت دلگیر بود .

از زبان خود او می‌شنویم :

«بعد از ۷ سال کار مداوم، اوایل‌انقلاب اخراجم کردند. سندیکاهم نداریم که دردخود را در جمع‌مطرح‌کنیم‌وکسانی‌باشندآن‌را پیگیری کنند. سنگ را ما می‌سازیم و کارفرما بنابه‌میل خود سنگ‌را گران می‌فروشد ، ولی مزدما هیچ تغییری نمی‌کند ، **اگر سندیکا داشتیم رسیدگی میکرد .»**

سنگتراش ها هر روز از ۸ صبح تا ۸شب کار می‌کنند وبرای نهار واستراحت‌یکی دوساعت وقت دارند .

کارگر سنگتراش در ادامه صحبتهایش می‌گوید:

«بااین همه کار روزانه ۸۰ تومان مزد می‌گیرم وحتی اگر روزی براثر بیماری‌سرکار حاضر نشویم ، مزد نداریم ، بدتر از همه هر وقت کارفرما دلش خواست بیرونمان میکند ودوباره بیکار میشویم ».

برخوردآو نبودن از بیمه مشکل دیگر کارگران است .

در این مورد می‌گوید : «برای بیمه شدن ۱۷۵ تومان پول میگیرند ولی رسیدگی‌نمی‌کنند، ماهم بخاطر همین خود را بیمه نمی‌کنیم چون تا کنون از بیمه خیری ندیده‌ایم . »

بطرف قبرستان می‌رویم ، در این محل کارگران اکثرا سنگ قبر می‌سازند نزد یکی از کارگران می‌رویم . حدودا ۴۰ سال سن دارد ولی شیارهای پیشانیش حکایت از سالها نابرابری و استثمار دارد . او ۲۰ سال سابقه کار دارد و روز مزداست.

این کارگر با روزی ۱۲ ساعت کار،۱۵۰ تومان مزد میگیرد . در محل کارش که به‌انبار گردوخاك بیشتر شباهت دارد تنها چیزی که به چشم نمی‌خورد بهداشت است.

او خود می‌گوید : «مجبوریم اینجا را تحمل کنیم چون در غیر این صورت پس ازآن همه سابقه کار اخراجمان می‌کنند؛ سندیکا هم نداریم .»

در جواب سئوال ما که از وضع بیمه‌او می‌پرسیم ، اضافه میکند : «بیمه هستیم ،ولی تا کنون فقط پول دادیم وازبیمه استفاده‌ای ندیدیم » خواستهای او نیز مثل همه کارگران رسیدگی به‌وضع بیمه ، بهداشت، مسکن، عدم اخراج کارگران ، رسیدگی به ساعت کار وغیره است. »

باکارگر سنگتراش دیگری صحبت‌میکنیم، محل کار او در قسمتی‌از پیاده‌روخیابان«فیض» است. این‌جا کارگران زمستانها از سرمامیلرزند وتابستانها از گرما کلافه می‌شوند.

ازکارش‌میپرسیم‌میگوید: «می‌بینی‌که‌هیچ نداریم»اونوشته‌هاوطرحهایی‌زیبارابرسنگهاتقش میکند و میگوید: «کنده‌کاری‌برجسته‌درهرسنگ ۱۰۰ تومان و فرورفته ۸۰ تومان برای ما مزد دارد .»

کارگر دیگری را می‌بینیم، بسیار پیر و شکسته شده اما سینه خود را جلو می‌دهد و خود را کریم معرفی می‌کند . حدود ۵۰ سال سن دارد.اما ۸۰ ساله بنظر می‌آید چشمانش در شیارهای صورتش گم شده ، شیارهای عمیق صورتش‌که‌آفتاب‌آنرا سوزانده نشان اززخمهای تیغ سرمایه‌داری است که بر پیکر یك یك کارگران ما افشاء کننده سالها ستم است .

از کارش میپرسیم ، میگوید : «تا قبل از سربازی روی زمین مالك کشاورزی میکردم و پس از سربازی‌به سنگتراشی روی آوردم»

می‌پرسم اگر الان زمین بدهند حاضری کشاورزی کنی ، و او که دیگر باید با حمایت دولت بازنشسته شود ، نورامیگوید :«بله اگر زمین بدهند می‌روم به‌کار اصلی خودم ، این‌کار برای‌جوانها کم سنگین است چه برسد به‌من.»

او باروزی ۱۲ ساعت کار طاقت‌فرسا ۱۰۰ تومان مزد میگیرد .

از او در مورد وضع مسکن می‌پرسیم ، می‌گوید :«من یك خانه کاهگلی دارم و خانه نمی‌خواهم از من مستضعف‌تر وجود دارد» با تاسف اضافه می‌کند : «ولی به آنها هم نمی‌رسند» آهی میکشد و ادامه میدهد :«من افرادی رامی‌شناسم که باثروت‌های بادآورده و خانه‌های متعدد بااستفاده از نفوذ و پارتی بازی توانسته‌اند زمینهائی که حق زحمتکشان است تصاحب کنند .»

خواست او از دولت انقلاب‌برقرارکردن عدل و رسیدن به وضع زحمتکشان است . او بحق چشم براه ثمره‌های انقلاب است .

به محرومیت‌های ملی برخلقهای ایران پایان دهید. کارگران خواستار برابری حقوق همه خلقهای ایران‌هستند. با اتکابه‌پیام‌تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت‌آمیز، با تامین حقوق ملی خلق کرد و بسود انقلاب ایران حل کنید

آزمایشگاهها و دانشگاهها را در اختیار صنعتگران بگذارید

کارگاههای کوچك قالبسازی، جائی که استعدادهای خلاق دفن میشود

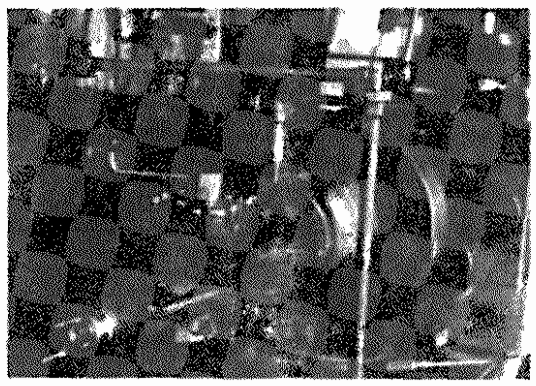

هوائی‌گرفته، پرازگرد فلزات وبوی روغن‌سوخته، شیشه‌هائی شکسته وکثیف، فضائی مملوازقطعات چدن وفولاد انبارشده، چند ماشین‌تراش وفرز، درکارگاه قالبسازی بچشم می‌خورد.

نمونه‌های این‌کارگاهها را می‌توان درگوشه وکنارشهریافت. دراین کارگاهها قطعات لاستیکی، پلاستیکی ، آلیاژهای فلزات، سنبه و ماتریس برای شکل‌دادن ورق فلزات و پرس‌کاری، ساخته می‌شود.

معمولا این‌کارگاهها متعلق به‌یك ویادونفر است که‌هرکدام حداقل بیست‌سال سابقه و تجربه دارند. خود صاحب کارگاهها کار می‌کنند،اغلب‌دارای‌دویاسه‌نفرکارگر هستند. حقوق ماهانه‌کارگران رقمی درحدود سه‌هزارتومان است که بااضافه‌کاری بیشترمیشود.

باافراد یکی از این‌کارگاهها که در مهرآباد جنوبی واقع شده، وارد صحبت میشویم.

می‌گفت:

«من داوطلب شده‌ام پانزده قطعه‌ابزار صنعتی برای نمایشگاه صنعتی بسازم. ساختن قطعات صنعتی مورداحتیاج کشوررا فریضه‌دینی، ملی‌خود می‌دانم.»

یکی ازافراد این‌کارگاه قالبی ساخته‌بودکه مواد اولیه‌آن لاستیکهای مستعمل زباله‌دانها است. وی‌گفت‌که درمنزلش این‌کار را می‌کند. وی‌برای این‌کار دودستگاه ویژه پودر کردن وذوب کردن ساخته‌است. برای کسب اجازه‌کار، وام و محلی برای کار به‌وزارت صنایع مراجعه‌کرده است. ولی‌به‌او، خیلی‌ساده،گفته‌اند:

«چون جواز کسب نداری ، نمی‌توانیم کمکی بتو بکنیم.»

یکی‌دیگر از صنعتگران، آقای غلامرضا طالبی‌زاده است که درخیابان قزوین ایستگاه سلمانی‌کارگاه دارد، تخصص اصلی وی‌قالب‌سازی است. بیست‌وپنج سال سابقه‌کاردارد. درش‌ایط‌حاضر، او قطعات ماشین را می‌سازد ـ از جمله قطعاتی که او می‌سازد عبارتند از:

ـ پمپ‌شناور برای چاه عمیق،

ـ سیستم‌کلاچ وفلایویل،

ـ موتورهای زمینی برای‌انواع مدلهاو...

او تاکنون یك‌کلاچ فروخته است. ساختن سیستم کلاچ را تازه شروع‌کرده وخیلی باعشق وعلاقه‌کار میکند.

این صنعتگر برای ساختن ۱۵ قطعه در نمایشگاه صنایع هواپیمائی ـ ۲قطعه‌برای اتومبیل رانت‌مزدا، ۹ قطعه‌برای‌کامیون بنزخاور ـ و۹ قطعه‌درنمایشگاه صنایع دفاع‌ملی، داوطلب‌شده است. مشکلات‌عمده این صنعتگران بدودسته تقسیم میشود:

الف: مشکلات موجود درکارگاه

۱ـ بیمه ـ صنعتگران وکارگرانی‌که درکارگاه‌کار میکنند، بیمه نیستند. آنها قدرت پرداخت حق بیمه را ندارند، ازدولت تقاضا دارند که‌ایشان‌را به‌رایگان‌بیمه‌کنند. تادرصورت‌بروز سوانح احتمالی خانواده آنها ازگرسنگی نمیرند.

۲ـ مواد اولیه ـ صنعتگران ازکمبود انواع فولاد،فلزات وآلیاژها شکایت دارند. بهمین‌دلیل‌وقتی بیکار هستند، قادربه‌قبول کار جدید نیستند، به‌عبادت دیگر کار را بشرطی قبول میکنند که سفارش‌دهنده موادخام لازم‌را خود تأمین‌کند.

صنعتگران می‌گویند:

«مواد اولیه موجود درایران، دراحتکارکمپانی‌های بزرگ وابسته نظیربوهلر، روشلینگ، فولاد وصنعت،ودیگر کمپانی‌هاست. این‌کمپانی‌ها حقه‌های زیادی برای‌کسب درآمد بیشتر می‌زنند. مثلا باایجاد کمبود مصنوعی خشکه میلگرد ۲۰میلی‌متری، بطریقی آنهارا مجبور به‌خریدمیلگرد ۴۰ میلی‌متری می‌کنند، که‌مسلماً بیش‌ازنیمی ازآن‌بصورت براده تلف میشود.»

صنعتگران این‌کارگاهها ازدولت میخواهند،که مواد اولیه دراختیارشان قراردهد تابرای اجرای فرمان امام در مبارزه با امپریالیسم، قطعات موردنیاز صنایع ایران‌را تأمین‌کنند.

۳ـ مشکلات آزمایشگاهی و تحقیقاتی ـ برای ساختن قطعات جدید ویاکپی‌سازی احتیاج به‌آزمایشهای متعدد متالوگرافی، آلیاژسنجی، ومقاومت‌مصالح‌است. آنها میخواهند که‌درهای آزمایشگاههای عظیم دانشگاهها، مؤسسات دولتی وخصوصی راکه خاك می‌خورند، به‌روی آنها بازکنند تا استعداد خود را بسنجندو ثابت‌کنندکه ازهمتای خارجی‌خود چیزی‌کم ندارند.

۴ـ ابزار تولید ـ درزمینه ابزار تولید شکایت‌صنعتگران ازواسطه‌ها ودلالان است. آنها می‌گویند چراکارخانه ماشین‌سازی تبریزماشین‌آلات را مستقیماً بمانمی‌فروشد؛ تامامجبور نباشیم‌این قطعات را باقیمت یك‌برابرنیم ازدست دلالان خریداری‌کنیم.

ب: مشکلات گسترش

بعلت پراکندگی این‌کارگاهها، پیشرفت آنها محدوداست. می‌توان وباید آنهارا درمجتمع‌های بزرگ متمرکز نمود.

صنعتگران می‌گویند:

«اصل اقتصاد تعاونی‌قانون اساسی جمهوری‌اسلامی بهترین راه‌حل برای این مشکل است». آنها از مسئولین درخواست دارند، تا دراین زمینه برای ایجاد شرکتهای صنعتی تعاونی طرحهای عملی ارائه دهند. و از دولت می‌خواهند تادراین راه پیشقدم شوند وآنها رایاری دهند.

تاکی باید به‌چای چینان فومنات ظلم شود!

چای‌به‌عنوان یکی ازمحصولات عمدهٔ استان گیلان ،هر ساله رقم قابل توجهی از کل تولید محلی مناطق مختلف این استان رادربر می‌گیرد. ازجمله مناطق مساعد برای چایکاری، شهرستان فومن است که دو کارخانه چای‌خشك‌کنی دارد.

چای‌چینان این منطقه که بیشترآنها را خوش‌نشینان‌تشکیل میدهند، بصورت فصلی، از اوائل اردیبهشت ماه تا اواخر تابستان در باغهای چای مالکان و خردمالکان کار میکنند و به شدیدترین وجهی مورد بهره‌کشی باغداران چای قرار می‌گیرند. در میان کارگران‌چای‌چین کودکان ده ساله تا پیرمردان هفتاد ساله وجود دارند. به هر چای‌چین از ۸ تا ۱۵ ریال به ازاء هر کیلو چای چیده شده، مزد میدهند، و خود هرکیلو را به ۵۰ تا ۵۵ ریال‌می‌فروشند. بطوریکه به‌ازاء هر یك کیلو از ۳۵ تا ۴۷ ریال سود عاید آنها می‌شود.

معمولاً هر کارگر چای‌چین روزانه بطور متوسط ۵۰ کیلو چای می‌چیند که بطور متوسط ۵۰۰ ریال عاید او میشود وحدود ۲۰۰۰ ریال در ازاء کار هر کارگری به‌جیب باغدار چای میرود.

معمولا در هر ۱۰ هکتار باغ چای بطور متوسط ۱۵ نفر کار می‌کنند که بدین ترتیب روزانه ۳۰۰۰۰ ریال از مزد کار کارگران به‌جیب باغدار چای می‌رود.

از آنجا که چای از نظر شیوه کاشت و تولید یك محصول‌دائمی است، نه سالیانه، مقدار سرمایه‌گذاری که صاحب زمین میکند فقط شامل کود میشود. ازطرف دیگر، چای‌چینان زحمتکش فقط در دو فصل بهار و تابستان به تناوب و نه همیشه، به ازاء وقت مشخص و مزد محدود و اندك در روز کار میکنند. بعلت نیاز روزمره حیاتی روستائیان این شکل بهره‌کشی تمام اعضای هر خانواده روستائی ـ حتی کودکان را ـ شامل میشود.

●●●

چایکاران کم‌درآمد و کارخانه‌های‌چای‌خشك‌کنی

باتوجه به توسعه سطح‌زمینهای زیر کشت چای عملا، میزان‌تولید این محصول تا دو برابر سالهای پیش افزایش یافته است. درمقابل این مسئله، کارخانه‌های چای‌خشك‌کنی فومن نه‌تنها قادر به استقبال از افزایش تولیدنبوده‌اند، بلکه به وضوح سر ناسازگاری با چایکاران کم‌زمین و کم‌درآمد را دارند. از آنجمله کارخانه جاوید فومن است که عملا مدتی است به بهانه کمبود ظرفیت خرید، دست از خرید چای چایکاران کشیده است. چایکاران هر روزه با زنبیل‌های پر ازچای در مقابل کارخانه مزبور می‌نشینند و منتظر فروش محصول خود می‌شوند. در این‌رابطه مدیرکارخانه اظهار داشت: «ظرفیت کارخانه‌من ۱۷۸۰۰تن است، در صورتی که فقط در تاریخ ۲۷ر۲ر۵۹، ۵۱ تن چای خریداری شده است.این مسئله بعلت تداخل چین اول و چین دوم پیش آمده است.»

باید توجه داشت که در هر سال ۱۲ الی ۱۴ بار چین میشود. بقول یکی‌از چایکاران:«کارگران باغهای چای در شرایط قسمت کاری از چیدن هر یك کیلوچای تنها ۱۵ ریال مزد می‌گیرند. در حالیکه بالاترین میزان چیدن‌چای در روز ۳۰ الی ۵۰ کیلو است. تازه طبق قانون از هر صدکیلو چای، کارخانه ۵ کیلو حق‌رطوبت برگ‌سبز چای می‌گیرد، ولی‌این کارخانه از هر ۱۰۰ کیلو ۳۰ کیلو حق می‌خواهد!

این‌گونه اعمال با توجه به زدوبندهای مدیران کارخانه با صاحبان باغهای بزرگ چای و بی‌اعتنائی به چایکاران زحمتکش ازنظر خرید محصول وضع نامطلوبی را فراهم آورده است.

چای‌چینان روستاهای بوئین، راسته‌کنار، پیشهٔ فومنات علاوه بر اینکه خواهان بالارفتن مزد چای‌چینی‌خود به ازاء هریك‌کیلو هستند، امید دارند که در این انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی خلقی با توجه به لزوم گسترش سیستم مکانیزه در تولید کشت چای و برنج، بهره‌کشی انسان‌از انسان آنهم باین شکل شدیدآن از بین برود. همچنین زمین‌های بایر و دایری که متعلق به‌زمین‌داران‌بزرگ‌است،عادلانه و بدون استثناء به‌جمع‌آنها واگذار شود. بدین طریق است‌که طرح انقلابی استاد رضا اصفهانی جامه عمل به خود خواهد پوشید.

خوانندگان گرامی میتوانند درخارج‌ازکشور به آدرس های زیر با «نامه‌مردم» مکاتبه‌کنند

بلژیك
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles

فرانسه: Rigal Albert
BP 75i56
75001 Pis
France

انگلستان: P.O. BoX 141
London. E7 OPE

ایتالیا: Pci,Shams
Via G. Vincon, 46
Ostia (Roma)
Tel 6614922 (TUDEH)

سوئد: Box 27230
10253 Stockholm

قابل توجه رفقا و دوستان گزارشگر

تقاضا می‌کنیم برای تهیه‌عکس از محیط‌های روستائی حتی‌الامکان از حلقه‌های فیلم ۱۲ تائی‌استفاده کنند و یا تعداد عکس‌های‌استفاده شده را در هر فیلم ، ذکرکنند. تا بدین طریق خود فیلم که اغلب‌بیش از نیمی از آن مورد استفاده‌قرار نگرفته فقط با چند عکس هدر نرود و از هزینه ظهور فیلم کاسته شود. اگر امکان دارید عکس بفرستید ،که آسانتر است .

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

در پاسخ به‌پیشنهادهای فراوانی که به‌دبیرخانه حزب رسیده است نامه «مـردم» هرهفته روز پنجشنبه‌یکی از مقالات‌تحلیلی‌منتشره در ماهنامه «دنیا» نشریه سیاسی و تئوریك کمیته مرکزی حزب توده ایران‌را به‌چاپ خواهدرسانید.

امروز در این صفحه مقاله مساله‌ای‌بنام«کاست روحانیت» نـوشته رفیـق احسان طبری ومقاله«حزب‌توده ایران وروحانیت‌مبارز» نوشته بـ کیا را، که هـردو در شماره ۳ سال جاری مجله دنیا انتشاریافته،میخوانید.

مسئله‌ای بنام «کاست روحانیت»

در آبان ــ آذرسال ۱۳۵۸ پنج جزوه‌تحت عنوان عمومی «فاشیسم ــ کابوس یا واقعیت ؟ تحلیلی کلی از وضعیت سیاسی کشور و نگاهی به چشم انداز آن »از طرف «راه کارگر» نشر یافت . از آن‌جا که تحلیل وبرخی مصطلحـات بنیادی مورد استفاده این جزوه‌ها تا امروزنیزدر نزد گروه‌های به اصطلاح چپ مورد استفاده‌قرار می‌گیرد. ما بررسی یکی از رایج‌ترین‌مصطلحات این جزوه یعنی «کاست روحـانیت» راازنظـر مارکسیسم بی‌ثمر نمی‌دانیم ، بویژه آن‌که از این اصطلاح نادرست نتیجه گیری‌های دور ودرازی هم‌اکنون نیز به‌عمل می‌آید .

قبل از ورود در اصل بحث باید بگوییم‌که جزوات پنجگانه فوق را مولف‌آن در مقابله بـا تحلیل مندرجه در مجله«دنیا» (تیر ماه۱۳۵۸) نگاشته است . چنانکه‌می‌توان‌انتظار داشت‌مولف جزوات ، هم در مورد حزب توده ایران وهـم در مورد برخی از سخنگویان این حزب، هر جا که توانسته است با الفاظ بسیار گزنده ونیشداری سخن گفته و حزب توده ایران را «روایتی‌دیگر از خرده بورژوازی جدید ایران» و هـوادار «سوسیالیسم آبکـی» و « اپـورتـونیست و رفورمیست» و سخنگویان آن را «پرفسور های انترناسیونال دوم» نام نهاده است . آن چه که به‌ویژه ، نویسنده جزوات پنج‌گانه را خشم‌آگین ساخته واو را به‌نگارش این تحلیل ۱۷٤صفحه‌ای واداشته است ، آن‌است که «دنیا»در تحلیل تیر ماه ۱۳۵۸ در زمینه پیش‌بینی تکامل‌آتی حوادث نوشته بود : «آیابه کدام سو می‌رویم؟ بسوی‌یك نظام سرمایه‌داری پارلمانی؟بسوی‌یك نظام‌خلقی ضد امپریالیستی با ایده‌ئولوژی مترقی اسلامی؟ به سوی یك کودتای نظامی راست‌گرا ؟ به‌سوی یك هرج و مرج تجزیه‌طلبانه که وحدت ملی‌ما را تهدید کند ؟ به نظر می‌رسد که محتمل‌ترین حالت یك نظام خلقی ضد امپـریالیستی بـا ایده‌ئولوژی مترقی اسلامی است که درعین‌حال آزادی های دمکراتیك را محترم شمرد ..» البته مولف جزوات پنج‌گانه ، این جملات راناقص‌نقل می‌کند و مثلا واژه «مترقی» رااز ایده‌ئولوژی اسلامی حذف می‌نماید ، برای آن‌که بعد مدعی شود که در تحلیل «دنیا»، برای فرار از«تاریك اندیشی روحانیت» گویا این جمله مبهم آورده شده که «در عین حال آزادی های‌دمکراتیك‌را محترم شمرد »وسپس مولف جزوات ، بـحث دستوری عجیبی‌درباره‌فعل«شمرد» انجام‌میدهد ومدعی می‌شود که «دنیا» این فعل رامصنوعا و تعمدا به‌این شکل نامعین آورده است . مولف با مراعات نهایت «نزاکت قلم» می‌نویسد : «این اختلاس در دستور زبان حقه‌ای است برای درـ رفتن از علامتهای بعدی، یا تاکید روی آرزوی رویزیونیستی «استاد» (اشاره به نویسنده‌مقاله!) که پیش‌بینی او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد ؟ والله اعلم بما فی‌الصدور!» (جزوه ٤ــصفحات ٦۰ ــ ٦۱).

در پاسخ بایدگفت که نویسنده مقاله«دنیا» هیچ «حقه‌ای» در کاربرد فعل «شمرد» نزده و نمی‌خواسته است بزند ، بلکه منظورش بسادگی فرمول بندی کردن بهترین احتمال ممکـن در شرایط آن‌روز بود ودراین بهترین احتمال،ناچار ضرورت مراعات آزادی های دموکراتـیك را گنجانده است .

ضمنا برای اطلاع همه خواستاران شایان ذکر است که مولف مقاله مورد بحث در «دنیا» هرگز در هیچ آموزشگاه عالی «استاد» نبوده است ویك فرد عادی است وسعی دارد ازهرگونه ادعای بی‌جایی دراین نوع زمینه‌ها پرهیز کند.

این طرز تبدیل بحث سیاسی به‌حملـه و خصومت و طرفیت شخصی به هیچ‌وجه عـلامت داشتن فرهنك لازم برا ی‌این‌نوع بحث‌ها نیست. اگر مجموعه الفاظ زننده ودشنام‌آمیزی را کـه مولف طی ۱۷٤ صفحه در مورد حزب توده‌ایران وبرخی از سخنگویانش به کار برده بیاوریم ، آن‌گاه سطح نازل این فرهنك روشن‌تر میشود.

جزوت پنج‌گانه تحت عنوان: «فاشیسم : کابوس یا واقعیت» در واقع حامل این پیام‌است که محتمل‌ترین حالات ، علی‌رغم نظر مجـله «دنیا» یك نظام خلقی ضد امپریـالیستی بـا ایده‌ئولوژی‌مترقی‌اسلامی‌درعین‌مراعات‌آزادی‌ـ های دموکراتیك نیست ، بلـکه‌استقرار یـك حکومت فاشیستی است. در جزوه شماره ۱صفحه ٥ صریحا آمده است : «حق محتمل‌درافق‌کنونی سیاست ایران یك دولت فاشیستی است. دولتی که وظیفه دارد کارکرد بهره‌کشی سرمایه‌داری، سلطه امپریالیسم و مهم‌تر ازهمه هژمونی‌سرمایه بزرگ وابسته را در داخل بلوك قدرت، تجدید سازمان دهد ». درواقع تفاوت دیدفوق‌العاده جـدی است .

این مطلبی است که از روزهای نـخست انقلاب از سوی لیبرال‌ها و گـروه‌های چپ‌رو مطرح شد. پس از حوادث شهریور و مهر ۱۳۵۸ (که حزب ما آن‌را «چرخش به‌راست»نام‌نهاد)، این‌گروه‌ها به نادرست بودن پیش بینی احتمالی مجله «دنیا» دیگر کاملا مطمئن شده‌بـودند و جزوات مورد بحث که ازآبان ماه آغـاز انتشار گذاشت ، علامت آن اطمینانی‌است که‌سخنگویان به اصطلاح چپ نسبت به صحت دعاوی خـود یافتند ووقت را برای به صحنه آمـدن مغتنـم شمردند . گویا سیر آتی حوادث چندان به‌داد این سخنگویان نرسیده باشد. بهر جهت آن چه که شاخص وضع سیاسی ایران، پس‌از قریب‌هفت ماهی که از انتشار جزوات پنج‌گانه گذشته‌است، بیشتر موید احتمالی است که یك سال‌پیش‌ازاین حزب توده ایران آن‌را بدون جزمیت وحرارت خاص مطرح ساخته بود، نه استقرار حکـومت فاشیستی سرمایه‌داری با تامین سلطه‌امپریالیسم‌و هژمونی سرمایه‌بزرگ‌وابسته!! ما درایران‌کنونی شاهد این منظره نیستیم .

ما قصد معارضه منطقی باتمام مطالب‌این جزوات پنج‌گانه (که برای تحلیل‌هـای شبـه مارکسیستی بسیار نمونه‌وار است) نداریم، چون در آن صورت باید چند برابر حجم آن مطـلب نوشت وبی‌پایگی یك سلسله احکام ومقولات را نشان داد. یك نمونه ، به‌عنوان مشتی ازخروار، ازاین به‌اصطلاح تحلیل مارکسیستی را ذکـر می‌کنیم. در صفحه ۲۱ جـزوه دوم چنیـن می‌خوانیم : «بخش یقه سفیدان خرده‌بورژوازی سنتی، به نحوی ناشیانه با سنت‌های جامعه‌روبرو می‌گردد و حتی هنگامی که می‌خواهد باتفاهم‌به آن ها نزدیك شود، صحنه‌های خنده‌آوری بـه وجود می‌آورد ». بزحمت می‌توان ازمحتـوی اجتماعی قابل لمس این‌جملات چیزی درك‌کرد. سراسر جزوات پنج‌گانه ازاین نوع دعاوی مبهم ودل به‌خواه ولمس ناپذیر واثبات ناپذیر که با لحن مطمئن و شبه علمی‌نگاشته شده انباشته‌است.

جزوات پنج‌گانه بهرصورت مبتکر یـك سلسله مقولات واستدلالات به سود تز مرکـزی درباره خطر استقرار فاشیسم است وبهمین‌جهت محافل ذی‌علاقه به‌این تز مرکزی ، آن‌ها را ربوده‌اند . یکی از این اصطلاحـات «خـرده بورژوازی سنتی واپس گرا» است که گویـا «لولاوار» بین روحانیت وخلق حلقه واسطـه است . یکی دیگر ازاین اصطلاحات کـه «راه کارگر» آن را کماکان به‌کار می‌برد و درمیان برخی محافل چپ‌گراتداول یافته‌است، اصطلاح «کاست روحانیت» و «بلوك قدرت» است. از آن‌جاکه‌این واژه نوعی‌نقش‌محوری‌در تحلیل‌ـ های چپ‌گرایانه‌دارد وازاین که‌نویسنده‌جزوات پنج‌گانه مورد بحث این اصطلاح را متـخذ از گنجینه مارکسیسم جلوه داده است ، لذا ، چنان که در آغاز این نوشته نیز گفته‌ایم، توجه خود را تنها معطوف این اصطلاح‌می‌کنیم. اگرروشن شود که این اصطلاح با دقت لازم عـلمی‌به‌کار نمی‌رود ، عیار اتقان وصلابت تئوریك جزوات (که با لحن بسیارمطمئن‌به‌خود نوشته‌شده‌است) ، روشن می‌گردد.

در جزوه شماره ٤ بحث مشبعی دربـاره روحانیت ، روحانیت شیعه، نقش روحانیت در انقلاب ودر ایجاد سازمان دولتی پس از انقلاب، انجام گرفته است. از جمله دراین جزوه چنین می‌خوانیم : «هر چندروحانیت به‌کاست‌حکومتی تبدیل می‌گردد ، ولیکن منافع اقشار مختـلف نمی‌تواند در درون آن‌انعکاس نیابد. ماکوشیدیم توضیح بدهیم که روحانیت ، سازمان‌ارگانیك خرده بورژوازی سنتی نیست، بلکه پیوند هایی‌با آن دارد ...» (صفحه ۲۲) ونیز: «طبیعی‌ترین راه برای دستگاه روحانیت اینست‌که تا حدی خود را با الزامات جامعهٔ بورژوائی انطبـاق دهد و یکدستگاه تك‌مرکزی ایجادکند.دستگاه تك‌مرکزی‌ضرورتا مشـرف‌برمنافع گروههـای اجتماعی‌بیرونی‌خواهدبود ودیگرنمیتواندنسبت‌به منافع آن‌ها حساسیت خاصی نشان بـدهد . روحانیت بایستی از سنت‌گرایی ، آن چیزی را نگه دارد که مخل کارکرد سرمایه نیـت. » (همان جا ــ صفحه ۲۷) و نیز: «از نظر مـا روحانیت یك «کاست حکومتی» است. چـرا «کاست» ؟ به دلیل این که بامنافع هیچ کدام‌از گروه‌های اجتماعی کاملا انطباق‌ندارد» (همان جا ــ صفحه ۲۹).

نویسنده سعی دارد نظریات خود را ملهم از مارکس و مارکسیسم جلوه دهد ودر حواشی جزوه چهارم (صفحات ٦۳ و ٦٤) یادآورمیشود که مارکس در مقاله‌ای که به‌سال ۱۸٥٥ تـحت عنوان «احزاب‌ومحافل» نگاشته‌اصطلاح«کاست حکومتی» را به کار برده است. از قول مارکس این جمله نقل می‌شود: «کاست حکومتی که در انگلستان به هیچ‌وجه با طبقه حاکمه یك‌سان نیست ، از ائتلافی به ائتلاف دیگر کشیده‌خواهد شدتا اثبات شودکه‌دیگرنمی‌تواند حکومت‌کند». نیز نویسنده یادآور می‌شود کـه مـارکس در «هجدهم برومرلوئی بناپـارت» نـوشته است : «بناپارت مجبور بود در کنار طبقات واقعـی جامعه یك کاست مصنوعی بوجود آورد که‌حفظ رژیم او برایش (یعنی برای آن کاستــ دنیا) نان وآب باشد. » وسپس نویسنده باوجدان‌علمی ناراحت می‌افزاید : «البته منظور از «کاست» در این جابه آن‌مفهوم «کاست‌حکومتی»درمورد بالا نیست، ولی با صراحت نشان می‌دهد که به کارگرفتن مفهوم «کاست» به معنایی که‌مارکس به‌کار می‌برد، در توضیح روابط طبقات‌گوناگون با حکومت ، نه تنها دوری‌از تحلیل‌طبقاتی‌نیست، بلکه دقیقا در خدمت تحلیل طبقاتی است.»

مقدمتا برای مزید اطلاع یادآور می‌شویم که واژه «کاست» (از ریشه پرتغالی «کا یعنی پاکیزه ومعصوم) دارای دومعنا است معنای اصلی واختصاصی ویك معنای توسع مجازی . در معنای اصلی کاستها گروه‌های بسته افراد هستند که شغل ارثی خاصی آن رامتحد می‌سازد.پیدایش کاست باپیدایش‌ت کار اجتماعی ارتباط دارد. اعضاء یك کاس بین خود ازدواج می‌کردند وقوانین و مو خاص کاست را اکیدا مراعات می‌نمودند جوامع برخی از کشورهای باستانی و قـ وسطایی (واز آن جمله جامعه ساسانی ای کاست وجود داشت . ولی شکل کلاسیك آ درهند دیده شده است‌که موجب‌انفرادبخش جامعه وتضعیف مبارزات اجتماعی شد وبه جهت استعمار انگلیس نظـام کـاست ، هندوستان مورد حمایت خاص‌قرار داد.در هند ۳٥۰۰ کاست اصلی وفرعی وجود د موافق قانون اساسی سال ۱۹٥۰ برابری

حزب تو

به‌مناسبت سالگشت جنبش ۱٥ خرداد سال۱۳٤۲

تائید و پشتیبانی حزب توده ایران از مبارزات گروههای اسلامی، که خصوصا بعد از ۱٥ خرداد ۱۳٤۲ شدت یافت و در جریان‌انقلاب و پس از آن رهبـری را به‌دست گرفت،حتی‌برای‌برخی‌ازاشخاص با حسن‌نیت قابل درك نیست. آنان می‌گویند، چگونه ممکن است احکام و موازین اسلامی، یعنی آیین متعلق به‌چهارده قرن قبل،بتواند‌درجهت تحقق‌هدف‌های ضد امپریالیستی و دموکراتیك انقلاب راه‌گشا باشد ؟

اشکال اساسی این اشخاص رابايد در عدم‌شناخت اسلام راستین، اسلامی که روحانیت مبارز و مترقی عرضه می‌دارد، جستجو کرد. در واقع این‌ها اسلام را آن‌طور که قرن‌ها پادشاهان وفئودال‌ها وخوانین‌و در نیم‌قرن اخیر خاندان پهلوی ،چه‌بسا به‌یاری روحانی‌ـ نمایان ، معرفی کرده‌اند، شناخته‌اند.

در این مقاله می‌کوشیم خوانندگان را با سیمای اسلام راستین و احکام انسانی و انقلابی آن ، به‌نحوی که اکنون روحانیت مترقی ومبارز ارائه‌می‌دهد ، آشنا کنیم و نشان دهیم که چگونه این آئین می‌تواند به‌تحقق هدف‌های خلقی و ضدامپریالیستی‌انقلاب کمك کند و چرا حزب توده ایران صادقانه و صمیمانه از نهضت‌ها و مبارزات اصیل اسلامی پیوسته پشتیبانی کرده واکنون نیز پشتیبانی می‌کند.

مارکس نهضت اسلامی را انقلاب اسلامی نامیـده و انگلس‌آن را انقلاب دینی محمد خوانده‌است.پطروشفسکی، مولف کتاب «اسلام در ایران» درمورد تشیع معتقد است‌که این مذهب: شکل و صورت و لفافه عقیدتـی بسیاری از نهضت‌های مخالفت‌آمیز خلق بوده که از نیمه دوم قـرن هفتم میلادی تا آغاز قرن شانزدهم میلادی وقوع یافت(۱). ایران‌شناس معروف بارتولد می‌گوید: قرنها قبل ازصفویه، شیعی‌گری در ایران، به‌ویژه در ده، شایع بوده و ایدئولـ لوژی جنبش خلقی بود(۲). تردیدی نیست‌که این دانشمندان بدون مطالعه و تسنجیده چنین نظراتی ابراز نکرده و قصد مبالغه و یا تعارف نداشته‌اند. بنابراین باید بررسی کرد که چرا اسلام توانست، چه در گذشته و چه در حال، پرچم نهضت‌های توده‌ای و انقلابی گردد. اسلام در اوایل قرن هفتم میلادی در مرکز عربستان (مکه یا بطحاء، سپس‌مدینه یا یثرب) آغاز شد. در آن موقع جامعهٔ عربستان در حال گذار از یك‌نظام قبیله‌ای به نظام برده‌داری (و بـه‌قولی فئودالی) بود و با پیدایش قشرهای ثروتمند اشرافی،قطب‌ـ بندی در جامعه به سرعت انجام می‌گرفت

مردم عربستان که هنوز خاطرات برابری اجتماعی و دموکراسی قبیله‌ای را حفظ کرده بودند، با شروع دعوت محمد پیامبر، خصوصا باتوجه به این که در آیین جدید همه مردم «امت واحده» محسوب شده علیه بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اشرافیت قریش مبارزه می‌شد، از این دعوت استقبال کردند. به همین‌جهت، همانطور که تاریخ نشان می‌دهد، در آغاز بیشتر بردگان و زحمتکشان تهی‌دست به اسلام روی آوردند و اشراف و ثروتمندان متقابلا به‌مبارزه همه‌جانبه علیه دین تازه و پیامبر آن برخاستند.

نه‌تنها اسناد و مدارك تاریخی حاکی‌از اقبال توده‌های تهی‌دست (مانند بلال، سمیه، اباذر، سلمان و غیره) ومخالفت ثروتمندان و اشراف (نظیر ابوسفیان، ابوجهل، صفوان و دیگران) است، بلکه آیات قرآن هم به کرات به این واقعیت نظر داشته، اعلام می‌کند که همواره ثـروتمندان دعوت پیامبران را استهزاء و رد کرده‌اند و مردم تهی‌ـ دست به آنان روی آورده‌اند. از میان آیات بسیار به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم. در آیه ۳٤ از سوره «سباء» آمده است: وما ارسلنا فی‌قریة من نذیرالاقال مترفوها انا بما ارسلتم به‌کافرون (و ما هیچ‌رسولی در دیاری‌نفرستادیم، جز آن که ثروتمندان عیاش آن دیار به رسولان گفتند ما به رسالت شما کافریم). در آیهٔ بعد از قول همین‌ثروتمندان گفته می‌شود: ... ما بیش از شما مال و فرزند داریم، پس درآخرت هم‌هرگز رنج و عذابی نخواهیم داشت. در آیهٔ ۲۳ سوره «زخرف» نیز در همین‌باره آمده است: ... ما هیچ رسولی پیش از تو به هیچ دیاری نفرستادیم، جز آن کـه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیینی یافتیم، که فقط از آن پیروی خواهیم‌کرد. قرآن تصریح می‌کند که ثروتمندان به آن جهت آیین تازه را نمی‌پذیرفتند که مردم تهی‌دست به آن روی می‌آوردند. در آیه ۱۱۱ سوره «شعراء» در باره قوم نـوح گفته می‌شود: قوم نوح از کبر و خودپرستی پاسخ دادند که ما چگونه به تو ایمان آوریم، در صورتی کـه پیروانت معدودی مردم خوار و فرومایه‌اند. در تفسیر آیه ۲۸ سورهٔ «کهف» آمده است، که این آیه درباره سلمان و ابوذر و صهیب و عمار و غیرهم، از فقرا و اصحاب پیغمبر نازل شده است. زیرا عیینه‌بن‌الحصین و اقرع‌بن حابس و رفقای آنها به خدمت رسول آمدند و عرض کردند: یا رسول‌الله، اگر تو در صدر مجلس بنشینی و این جماعت را از ما دور کنی که لباس پشمین دارند و از بوی آنهـا متأذی و متنفر هستیم، ما هم در خدمت تو می‌نشینیم و از تو احکام دین اخذ می‌کنیم(۳).

بدین ترتیب اسلام به عنوان پرچم توده‌های تهیدست عرب توانست در مدت کوتاه شبه‌جزیرهٔ عربستان و سپس ایران و روم شرقی را فتح کند و می‌دانیم که لااقل در ایران توده‌های مردم تهی‌دست که از ستم طبقاتی به ستوه آمده بودند، از اسلام به‌عنوان دین برابری و برادری استقبال کردند.

دعوت به برادری و برابری

قرآن بارها تکرار می‌کند که اصل همه انسانها از خاك و گل است و سرشت هیچکس با دیگری تفاوت ندارد و تاکیدمی‌کند که انماالمومنون اخوة (به‌حقیقت مومنان‌همه برادران یکدیگرند ــ سوره حجرات، آیه ۹).

قرآن بارها مردم را برای‌قیام در راه استقرار حکومت قسط و عدل فرا می‌خواند. در آیه ۲٥، سوره «حدید» گفته می‌شود: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم‌الکتاب والمیزان لیقوم‌الناس بالقسط... (همانا ما پیامبران خود را با ادله فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم، تا مردم به قسط گرایند...).

آیت‌الله فقید طالقانی می‌گوید: اساس احکام حقوقی و روابط اقتصادی آیات قرآن و احادیث اسلامی است که سراسر دعوت به اقامه عدل و حق و قسط می‌باشد. تنها لغت «قسط» که مقدار و سهم و نصیب عادلانه است ودعوت و هدایت به آن، با تعبیرات مختلف در بیش از ۲٥ آیه آمده است(٤).

در قرآن قیام در راه قسط معادل قیام در راه خدا آمده است. در آیه ۸ از سوره «مائده» گفته مـی‌شود: یا ایهاالذین امنوا کونو قوامین لله شهداء بالقسط... (ای اهل ایمان، در راه‌خدا قیام کنید و گواهان‌قسط باشید...). در آیه ۱۳٥ سوره «نساء» نیز همین حکم با همین کلمات، منتها با تکیه بیشتر بر قیام در راه قسط (با جابه‌جا کردن کلمات) بار دیگر تاکید شده است: یا ایهاالذین امنوا کونوا قوامین بالقسط شهداءلله... (ای اهل ایمان، در راه قسط قیام کنید و گواهان خدا باشید...) جالب این است که‌در این دو آیه، دوعمل که ممکن است مانـع قیام و گواهی در راه قسط باشد، تصریح و نهی شده است: در ادامه آیه ۸ سوره «مائده» چنین می‌آید: ... و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید. عدالت کنید که عدل به‌تقوی نزدیك‌تر است... و در آیه ۱۳٥ سوره «نساء» تاکید می‌شود که این قیام و گواهی بر قسط «... حتی اگر علیه خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد...» باید به درستی انجام گیرد.

در آیات دیگر رعایت عدالت در امر داوری توصیه می‌شود. مثلا در آیه ٥۸ از سوره «نساء» گفته می‌شود: ... و اذا حکمتم بین‌الناس ان تحکموا بالعدل... (اگر میان مردم داوری می‌کنید، به عدل حکم کنید) و یا در آیه‌دیگر آمـده است: ... و اقسطوا ان‌الله یحب‌المقسطین (... و عدالت کنید که خدا اهل عدالت را دوست می‌دارد. آیه ۹، سوره «حجرات»).

درمورد مفاهیم قسط وعدل، بسیاری ازمفسرین این

۱) . «اسلام در ایران»، صفحه ۱۱
۲) . «تاریخ جنبش دهقانان در ایران»، صفحه ٥٥
۳) . تفسیر خسروی، جلد ٥، صفحه ۳٤۱
٤) . «اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام‌های اقتصادی غرب»، صفحه ۲٥۹

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریا

www.iran-archive.com

ده ایران و روحانیت مبارز

دورابه یك معنی گرفته‌اند (۵). آیت‌الله مطهری دربیان مفهوم عدل، بااستنادبه توضیح امیرالمومنین که گفته است: العدل یضع‌الامور مواضعها (عدل کارهارا درمجرای خود قرارمیدهد)، می‌گوید: مفهوم‌عدالت این‌است که استحقاق‌های طبیعی وواقعی درنظر گرفته شود وبه‌هرکس مطابق آن چه برحسب کار واستعداد، لیاقت دارد، داده شود (۶). دکتر بنی‌صدر قسط رابه‌معنای «هم‌ارزی» (۷) می‌داند این معنابه بیان قرآن نزدیکتر است، چه قرآن درآیات متعددی وزن به قسطاس(ترازو) رابه‌معنای وزن صحیح وهم‌سنگ وهم‌ارز آورده است (۸).

قرآن به‌موازات تاکید برعدل وقسط، دعاهایار ظلم و ستم رامحکوم می‌کند ودرآیات متعددی ظالمان را وردیف مفسدین، کافرین، فتنه‌انگیزان دانسته، ستمکاران را به عذاب دردناك وعده میدهد.

قرآن فقط به منع ستم اکتفا نمی‌کند، بلکه کسی را هم که ستم را تحمل می‌کند، سرزنش می‌کند. دراسلام نه‌تنها ستم‌کردن وستم‌کشیدن منع شده است، بلکه، بخصوص در مذهب شیعه، سکوت‌در مشاهده ستم بر دیگران‌نیز نهی گردیده است.

اسلام درعین حال یاری به ستمدیدگان را ضرور می‌داند. موجزترین بیان دراین مورد، سخنان شیوای علی است که می‌گوید: کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا ـ دشمن ستمکاران ویاور ستم‌کشان باشید.

امام خمینی باتوجه به همین احکام اسلامی است که می‌گوید: علمای اسلام موظفند باانحصارطلبی واستفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند وتگذارند عده‌کثیری گرسنه ومحروم باشند ودرکنار آن‌ها ستمگران غارتگر وحرام‌خوار درناز ونعمت به‌سر برند(۹) ودرخطاب به‌روحانیون می‌گوید: شماکه فعلا قدرت ندارید چلو بدعت‌های حکام رابگیرید واین مفاسد را دفع کنید، اقلا ساکت ننشینید. (۱۵).

اسلام‌دین مبارزه‌وجهاد

دراسلام، برخلاف بسیاری ازادیان، گوشه‌نشینی و عزلت توصیه نمی‌شود. قرآن رهبانیت راصریحا نفی میکند آیه ۲۷، سوره «حدید». پیامبر می‌گوید: لارهبانیة فی‌الاسلام. آیت‌الله مطهری تاکید می‌کندکه: اسلام دینی جامعه‌گرا وزندگی‌گرا است، نه زهدگرا وبه‌علاوه تعلیمات جامع و همه‌جانبه اسلامی در مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی آن براساس محترم شمردن زندگی و نیروآوری به آن است، نه پشت‌کردن به آن (۱۱).

بالاتر ازاین، اسلام دین مبارزه وجهاد است. قرآن رها مسلمین رابه مبارزه وجهاد فراخوانده شرکت درآن‌را واجب‌شناخته است. فضیلت و اهمیت جهاد چنان است که قرآن بالحنی پرشور وحماسه‌ای شاعرانه به‌نفس‌زدن‌های اسبان مجاهدین‌و جرقه‌های سم‌های ستورانشان سوگند یاد می‌شود: والعادیات ضبحاً، فالموریات قدحاً فالمغیرات صبحاً سوگند به‌اسبانی که نفس‌هایشان به شماره افتاده، از سم‌هایشان‌جرقه برمی‌خیزد وصبحگاهان به‌یورش می‌پردازند. (سوره «عادیات»، آیات ۳ـ۱). آیت‌الله طالقانی در تفسیر این آیات می‌گوید: همین ایمان محرك و انگیزنده است که اسب‌های آن‌هارا نزد خداوند متعال گرامی کرده، تا آنجاکه همیمه نفس‌ها وجرقه سم پاهای آن‌ها در شب یك مورد نظر وجزء اخبار ثبت شده زمین و آسمان آمده است(۱۲) ودرباره مجاهدین می‌گوید: این‌هایپوسته بیدار وبیدار ودرحرکتند. روزرا به شب می‌رسانند، در یکی شب وزیر شعاع ستارگان ودر میان بیابان‌ها، اسبهاشان چنان به‌تاخت درمی‌آیند که گرم می‌شوند و نفس می‌زنند، پس ازآن، ازبرخورد شدید سم‌آن‌ها به‌سنگها برق‌ها می‌جهد، آن‌گاه بادمیدن صبح وهماهنگ با یورش شعاع نور برتاریکی متراکم، برپایگاهها ومراکز دشمنان حق وعدل یورش می‌برند (۱۳).

پیامبر به‌کرات تصریح می‌کندکه پاداش مجاهدین هرگز برابر برجای نشستگان نخواهد بود: فضل‌المجاهدین علی‌القاعدین اجراً عظیما (خداوند مجاهدان راباجری‌بزرگ برنشستگان برتری داده است. آیه ۹۵، سوره «نساء»). قرآن نه‌فقط مجاهدان رابرکسانی‌که درمبارزه شرکت ندارند، برتر می‌شمارد، بلکه کسانی راکه به‌بهانه «مستضعف بودن» از جهاد کناره گرفته، ساکت به‌نظاره می‌پردازند، سرزنش می‌کند (سوره «نساء»، آیه ۹۷).

حسین‌بن‌علی بر آن بود که: انماالحیوة عقیدة و جهاد (زندگی فقط درعقیده است وجهاد). امام خمینی، رهبر انقلاب ایران درائر معروف خود «ولایت فقیه» می‌گوید، زندگی حسین‌بن علی نشان دادکه مبارزه او «جهاد در راه عقیده وایمان، جهاد درراه استقلال وآزادی، جهاد در راه بازیافتن حقوق ازدست رفته، جهاد درراه یاری رنجبران و ستمدیدگان، جهاد درراه‌سرکوبی‌ونابودی ظلمه‌وستمکاران، جهاد درراه تکامل‌وتمدن ودانش وفضیلت بود (صفحه۲۱۱). امام در همین کتاب تاکید می‌کندکه «انبیا فقط خود با دستگاههای ظالم و دولتهای جابر و دربارهای فاسد مبارزه نکرده‌اند، بلکه مسلمانان رابه جهاد برضد آن‌ها دعوت نموده‌اند» (همانجا، صفحه ۲۰۷).

اسلام، مخالف تعصب واکراه

دین اسلام به‌تصریح آیات قرآن، آیین تعصب و فشار نیست. در آیه ۲۵۶، سوره «بقره» تاکید می‌شود «لااکراه فی‌الدین...» (درکاردین هیچگونه اجباری نیست)

قرآن به مومنین دستور میدهد که همه سخن‌ها را بشنوند وآن‌گاه ازبهترین آن پیروی کنند واضافه می‌کند که فقط این‌گروه هستند که خداوند آن‌هارا هدایت کرده وجزء خردمندان هستند: «فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون‌احسنه اولئك‌الذین هدیهم‌الله واولئك‌هم‌اولوالالباب (سوره «زمر»، آیه‌های ۱۷و۱۸)

قرآن می‌طلبدکه هدایت ومباحثه باید به‌نیکوترین وجه انجام گیرد: «ادع‌الی‌سبیل ربك بالحکمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتی هی احسن...» (به‌حکمت وبرهان و موعظه نیکو به‌راه خدا دعوت‌کن وبا بهترین طریقه مناظره ومباحثه کن... آیهٔ ۱۲۵، سورهٔ «نحل». بخش آخرآین‌آیه، درسوره «عنکبوت»، آیه ٤٦ نیز تکرار می‌شود). سرانجام درآیه ٦ از سوره «کافرون» گفته می‌شود: «لکم دینکم ولی‌دین» (اینك دین شما برای شما باشد ودین من برای من).

زنده‌یاد دکتر شریعتی تعصب راانحراف ازاسلام و ازویژگی‌های روحانیت دوران صفوی می‌داند و می‌گوید: «روحانی صفوی (برخلاف عالم شیعی) متعصب است، تعصب کور بدین معنی که قدرت و تحمل و حتی استعداد فهم عقیده و حتی‌سلیقه‌مخالف را ندارد» (١٤) و اضافه می‌کندکه «عالم شیعی در طول تاریخ اسلام به آزادی بحث و احتجاج و نظرآزمایی «معروف بود و تصادم فکری و جدل علمی را دوست می‌داشت و سخت طالب بود» (۱۵).

امیرالمومنین علی‌بن ابی‌طالب درفرمان مالك اشتر نداشتن تعصب وتساوی میان همه مذهب‌ها ومسلك ها را چنین دستور میدهد، که مردم بردودسته‌اند: «اما اخ لك فی‌الدین واما نظیر لك فی‌الخلق» (یاباتو برادر در دینند و یادر آفرینش مانند تو هستند) بنابراین باید همه آن‌هارا برابر بدانیم.

زنده‌یاد آیت‌الله طالقانی درتفسیر حکم «لااکراه فی‌الدین» می‌گوید: «پس چون اکراه نیست، اختیاروآزادی هست تاهرکه بخواهد ایمان آورد یاکفر ورزد» (۱۶).

آیت‌الله طالقانی درهمین زمینه به دوآیه دیگر قرآن استناد می‌کند. یکی آیه ۲۹ ازسوره «کهف» که می‌گوید: «فمن شاء فلیوء من ومن شاء فلیکفر» (پس هرکس بخواهد، ایمان می‌آورد وهرکس خواهد کافر شود) ودیگر آیه ۹۹ از سوره «یونس» که می‌گوید «ولوشاء ربك لامن فی‌الارض کلهم جمیعا افانت‌تکره‌الناس حتی یکونوامومنین» (اگر خدای تومی‌خواست، اهل زمین همه یاکشرایمان می‌آوردند، آیاتو مردم رابه‌جبر واکراه مومن می‌کنی). اسلام راستین آیین آزادی وآزادگی است وازتعصب وزورگویی به‌دور.

تلاش‌ها و جنبش‌ها در راه احیاء اسلام راستین

گفتیم که اسلام دین عدالت وبرادری ومذهب جهاد ومبارزه بوده است وپیامبر وتاحدودی خلفای راشدین موفق شدندکه هدف‌های اسلام رادرجامعه مستقر سازند. درمدارك ضبط است که عربی به خلیفه دوم می‌گوید که درصورت انحراف ترابامشمشیر کج راست می‌کنم. ومی‌دانیم که امیرالمومنین تاچه‌حد برای عدل وبرابری اصرار و تاکید داشت. ولی پس ازاستقرار حکومت معاویه این آیین در راه خدمت به امویان وبنی‌عباس تحریف‌شد. دینی‌که خلیفه وامام‌آن امیرالمومنین علی باعتاب مردم رامخاطب قرارمیداد ومی‌گفت بامن مانند جبابره سخن نگویید (۱۷) ودرفرمان به مالك اشتر تاکید می‌کرد که: همانا تکیه‌گاه دین و اجتماع حقیقی مسلمین ونیروی اندوخته ملت دربرابردشمنان عامه مردمند، پس می‌بایدکه خاطرتو معطوف به‌ایشان و تمایلت هماهنگ با مصالح ایشان باشد و به‌وی‌دستورمیداد که باید هدف توتحصیل رضایت توده‌های مردم باشد (۱۸) ودرخطبه‌های خود به مردم موکدا یادآور می‌شدکه برای شمانیز برمن همان اندازه حق هست‌که ازمن برشما (۱۹)، همین آیین دردوره معاویه به‌وسیله‌ای جهت تایید وتثبیت حکام اموی وعباسی، سپس درطول قرون درخدمت همه فئودالها وسلاطین قرار گرفت.

دراین دوره برخی‌از روحانیون آیه: ... اطیعوا الله و اطیعواالرسول واولی‌الامر منکم (... ازخداوند وپیامبر و صاحبان امر پیروی کنید. آیه ۵۹، سوره «نساء») را به اطاعت ازفرمان حکام وفرمانبرداری ازآنان تبدیل کردند و تاآن‌جا پیش رفتند که بدرالدین محمد، فقیه مشهور اهل سنت معتقد بود اگر سلطان که به‌زور کسب قدرت کرده، حتی قوانین شریعت راندانند وظالم وفاجر وفاسق باشد، معهذا باید از اواطاعت‌کرد و چنانچه‌غاصب دیگری کمواجد همان صفات باشد علیه وی قیام کند وزمام اموررا ازچنگ او به‌درآورد، اوراهم باید اطاعت کرد.

اسلام‌که به‌عنوان پرچم مخالفت ومبارزه برافراشته شد و بقول دکتر شریعتی با «نه» آغازگردید (۲۰)، درطول قرون، خصوصا دراین به‌آیین مشترك همه مبارزان مبدل گردید. دراین مبارزات چون معمولا روستاییان وقشرهای زحمتکش شهری معتقد به‌تشیع بودند، رنگ طبقاتی به‌خود گرفت. آکادمیسین بارتولد دربارهٔ مبارزات داخلی در شهرها دردهه دوم قرن ۱۳که ظاهراً جنگ میان شیعه و سنی بود، معتقد است: «تصور این‌که علت واقعی آشوبهای معتد، اختلاف نظر ناچیز مذهبی وحقوقی میان پیروان مذاهب اسلام بوده دشوار است، ظاهراً مبارزه‌ای اقتصادی درتحت لوای دین میان عناصر مختلف مردم شهر و بالاخص شهر و روستا جریان داشته» (۲۱). دکتر شریعتی نیز به‌همین جنبه تکیه‌کرده می‌گوید: تشیع... «به‌شکل یك نهضت سیاسی واجتماعی عمیق وانقلابی میان توده‌ها به‌ویژه روستاییان توسعه می‌یافته است وقدرت‌های زور وروحانیت‌های تزویر راکه به‌نام مذهب سنت، برمردم حکومت می‌کرده‌اند، پیشتر به‌هراس می‌افکنده است (۲۲). درباره نهضت سربداران شریعتی می‌گوید: «و لخستین بار، نهضتی انقلابی، بر بنیاد تشیع علوی، علیه سلطه خارجی، استعمار داخلی و قدرت فئودال‌ها وسرمایه‌داران بزرگ وبرای نجات ملت اسیر و توده‌های محروم وباشعار عدالت وفرهنگ شهادت وبه‌رهبری دهقانان هفتصد سال پیش از این برپا می‌شود و پیروز می‌گردد» (۲۳).

شریعتی‌باتاسف یادمی‌کندکه این‌آخرین موج‌انقلابی تشیع علوی بودو «یك قرن بعد صفویه آمد و تشیع از «مسجد جامع توده» برخاست ودر «مسجد شاه» همسایهٔ‌دیوار به‌دیوار «قصر عالی‌قاپو» شد» (٢٤).

بدین ترتیب تشیع از «مذهب اپوزیسیون» به «مذهب رسمی دولتی» تبدیل شد و حربه هیئت‌حاکمه برای جنگ وغارت و استثمار گردید. احسان طبری دراین باره‌میگوید: «تشیع درایامی‌که حربه‌ی اپوزیسیون بود وتشیع دردورانی که به‌حربه‌ی هیئت حاکمه بدل گردید، دارای نقش همانند نیست» (۲۵). دکتر شریعتی درباره استحاله نقش مذهب در دوره صفوی چنین می‌گوید: «دریك طرح کلی، اسلام که یك مذهب آگاهی دهنده عقلی، مسئولیت آور، اجتماعی و باینش عینی، این جهانی، اقتصادی، واقعیت‌گرا وبه شدت دوستدار عزت، قدرت، مرکزیت سیاسی، نان، دانش و حرمت انسانی است ومبلغ استقلال فکری، دعوت کننده به تعقل وآزادی رای وشعور وتعهد جدی وروش جمعی به‌گونه بینظیری از سیاست تفکیك‌ناپذیر، هیچگاه نمیتواند برای رژیمی‌که وارث خسرو وقیصر جاهلیت است وزادهٔ تضاد طبقاتی و حاکمیت استبدادی و نظامی اشرافی و موروثی و تباری تکیه‌گاه باشد، باید آن‌را ازمتن جامعه کنارزد و مردم رابه مذهبی کشاند که بازندگان تنها ازمرگ سخن گوید وجامعه راازطریق درون‌گرایی زاهدانه وعرفان‌گونه، به‌فردیت اخلاقی یااخلاق فردی وروح‌گرایی» (۲٦) سوق دهد. شریعتی توضیح میدهد که این وظیفه راخصوصا روحانیون صفوی به‌عهده گرفتند: همان علماء و روحانیون شیعه‌که همواره جبهه پیشتاز مبارزه باحکومت‌ها بودند و پیوسته سپر و آماج تیرهای‌نظام حاکم، همانها درعزیزترین و مجلل‌ترین و مرفه‌ترین شرایط زندگی‌می‌کنند، دوش به دوش‌حاکم می‌نشینندودرحکومت مورد مشورت قدرت‌سیاسی حاکم قرار می‌گیرند (۲۷). همین روحانیون سلطان را ظل‌الله فی‌الارض (سایه خدا درزمین) خوانده واطاعت از امر سلطان وحاکم راواجب اعلام می‌کنند. این علما حتی به بهانه مکتب اخباری اجازه رجوع به عقل و اجتهاد را نه‌تنها از مقلدین، بلکه ازعلماء مذهب می‌گیرند.

توضیح آنکه، درتشیع ازنظر ادله ومبانی احکام دو مکتب وجود دارد:

مکتب اصولی ـ که غالب فقهای بزرگ شیعه ازآغاز تاکنون ازطرفداران آن بودند، قرآن، سنت، اجماع وعقل راادله احکام دانسته وخصوصا دربارهٔ عقل به استناد آیات قرآن واحادیث موجود برآن بودندکه مجتهد می‌تواند با توسل به‌عقل واستدلال درباره مسایل جدید به بررسی بپردازد واظهارنظر نماید. وحتی قاعده‌ای بیان میداشتندکه: «للمصیب اجران وللمخطی‌اجر واحد»، یعنی کسی‌که اجتهاد می‌کند اگر بتواند واقعیت راکشف کند دوپاداش دارد ولی حتی اگرنظر خطا بدهد، بازهم یك اجر دارد.

مکتب اخباری ـ علمای این مکتب که خصوصا از اواسط حکومت صفوی قدرت گرفتند و تا اواسط دولت قاجاریه حوزه‌های علمیه راتحت نفوذ داشتند، معتقد بودندکه اخبار واحادیث تنها منبع مطمئن هستند وحتی قرآن راهم باید بکمك احادیث شناخت وازآن استنتاج نمود.

مکتب اخباری از اواسط صفویه قدرت گرفت. علامه مجلسی، از علمای این مکتب برای سهولت مراجعه به اخبار دوره «بحارالانوار» راکه شامل ٢٤ جلد ازاحادیث و اخبار (اعم ازصحیح ومجعول) بودبه‌ترتیب موضوع‌جمع‌آوری کرد. علمای همین مکتب این‌کتاب را «دائرة‌المعارف شیعه» خوانده‌اند. برای معرفی این مکتب کافی است بگوییم‌که آیت‌الله مطهری نهضت اخباری‌گری درقرن دهم راارتجاعی خوانده است(۲۸). برای تکمیل این معرفی قسمتی‌از مقدمه کتاب «زادالمعاد» را که شخص علامه مجلسی مولف «بحارالانوار» نوشته‌است، به‌نقل ازکتاب دکترشریعتی نقل می‌کنیم: «... چون اتمام این رساله آغاز وانجام این عجاله درزمان دولت‌عدالت ثمرواوان سلطنت سعادت‌الراعلیحضرت

بقیه در صفحه ۸

۱) . «تفسیر خسروی»، جلد ۲، صفحه ۳۰۷
۲) . «سیری در نهج‌البلاغه»، صفحه ۱۱۱
۳) . «اقتصاد توحیدی»، صفحه ۳۵۸
۴) . سوره «اسراء»، آیه ۳۵ و سوره «شعراء»، آیه ۱۸۲
۵) . «ولایت فقیه»، صفحه ٤۳
٦) . همان‌جا، صفحه ۱۵۸
۷) . «سیری در نهج‌البلاغه»، صفحه ۲۱۵
۸) . پرتوی از قرآن، جلد ٤، صفحه ۲۲۷
۹) . همان‌جا، صفحات ۳۲۸ و ۳۲۹
۱۰) . تشیع علوی و تشیع صفوی، صفحه ٦٦
۱۱) . همان‌جا، صفحه ۷۰
۱۲) . پرتوی از قرآن، جلد ۱، صفحه ۲۰۷
۱۳) . سیری در نهج‌البلاغه، صفحه ۱۳٦
۱۴) . قضا در اسلام، صفحه ۷۳
۱۵) . سیری در نهج‌البلاغه، صفحه ۱۳۵
۱٦) . تشیع علوی و تشیع صفوی، صفحه ۱
۱۷) . تاریخ نهضت‌روستائی در ایران، صفحات ٦۱ و ٦۳
۱۸) . تشیع علوی و تشیع صفوی، صفحه ۹
۱۹) . تشیع علوی و تشیع صفوی، صفحه ۲۱
۲۰) . همان‌جا، صفحات ۲۱ و ۲۲
۲۱) . برخی بررسی‌ها دربارهٔ جهان‌بینی‌ها، صفحه ۱٤۵
۲۲) . تشیع علوی و تشیع‌صفوی، صفحه‌های۱۵۷ و ۱۵۸
۲۳) . همان‌جا، صفحه ٤۷
۲۴) . نهضت‌های اسلامی در صدسالهٔ اخیر، صفحه ۱۳

ستها اعلام شد. در معنای توسعی و مجازی کلمه کاست یعنی هرگروه دربسته اجتماعی مختصات ومزایای گروهی خودرا حفظ‌کند. کس اصطلاح «کاست حاکم» رادراین معنای به‌کار می‌برد. هیچ مارکسیستی واژه است» را به‌معنای گروهی که منافعش « با هیچ کدام از گروه‌های اجتماعی کاملا باق» نداشته باشد، به‌کار نبرده است.مارکس کاست را به‌این معنی نگرفته است و مولف وات گویا دقت لازم‌رابه‌کار نبرده‌ودرهیجان ن اصطلاحی که خطر فاشیسم از جانب حانیت را اثبات کند، از اصطلاح مارکس، باط دل به‌خواه خود را کرده‌است.

اصطلاحی که مارکس به‌کار می‌بردبا لاح «کاست روحانیت» تفاوت‌اساسی دارد. کس هیچ‌یك از بخش های ساختی‌جامعه مر (یعنی تقسیم بندی به‌طبقات وقشرها)را «کاست» نام‌گذاری نمی‌کند. مقصود از واژه «کاست» در نزد مارکس آن جمع دربسته وانحصارگرای حکومتی‌است‌که دوران های معین به‌گرد یك طبقه یا لیدرهای آن طبقه‌تبلور می‌یابند وقدرت حاکمه واقعی رادرمیان افراد خود می‌چرخانند. در اطراف‌خانواده پهلوی‌نیز چنین «کاست حاکم» از روشنفکران و نظامیان فراماسونر وبعدها وابستگان به‌امپریالیسم امریکا تشکیل شده بود وقدرت دولتی دردست آن‌ها می‌چرخید. اصطلاح رسا وپرمعنای «کاست حکومتی» مارکس ابدا واصلا ربطی به‌اصطلاح اختراعی ونادرست «کاست روحانیت» ندارد.

روحانیت یك قشر اجتماعی است.جامعه معاصر ازدو نوع واحد اجتماعی تشکیل شده است: طبقه و قشر:

۱ ـ طبقات‌از جهت اقتصادی‌ـاجتماعی، از لحاظ مقام خود در تولید اجتماعی، ازلحاظ رابطه‌شان نسبت به استثمار همگون هستند.یعنی: یا مانند بورژوازی مالك افزار تولید است، استثمار می‌کند، درتولید شرکت مستقیم ندارد، یا مانند پرولتاریای معاصر فاقدافزار تولیداست، استثمار می‌شود، در تولید شرکت مستقیم دارد، یا مانند خرده بورژوازی صاحب افزار تولید است واستثمار می‌کند ولی درتولید نیز شرکت مستقیم دارد.

۲ ـ اما قشرها، از جهت‌اقتصادی ـ اجتماعی ورابطه نسبت به تولید همگون‌نیستند و در آن متعلقان به طبقات مختلف شرکت دارندو همگونی آن‌هاتنها در نوع عمل‌کرداجتماعی‌آن‌ها است مانند: کارمندان، روشنفکران‌وروحانیون.

کارمندان اعم از لشکری یا کشوری در خدمت دستگاه اداری دولتی یا خصوصی هستند. ولی در میان آن‌ها متعلقان به بورژوازی (کارمندان ارشد) ومتعلقان به‌خرده‌بورژوازی (کارمندان متوسط) ومتعلقان به زحمتکشان (کارمندان‌جزء وپیشخدمت‌هاوفراشان وغیره) وجوددارند. همچنین است قشر روشنفکر وقشر روحانی. کوچکترین شباهتی مابین‌یك‌روحانی فئودال و اشراف منش‌ووابسته‌به بورژوازی‌بزرك ویك روضه‌خوان روستایی‌فقیرنیست. در درون قشرها، تضاد طبقاتی لذا مبارزه طبقاتی وجود دارد. ولذا ازهیچ گونه «کاست روحانیت» نمی‌توان سخن‌گفت.

اختراع «کاست روحانیت» ومنسوب‌داشتن آن به غلط به‌مارکس وسوء استفاده ازاوتوریته مارکس برای پیش‌بردن یك اصطلاح وتعریف غلط ونتیجه‌گیری های معین‌سیاسی ازآن‌راچه نام بگذاریم که اهانتی به‌آقایان‌نباشد!

به‌نظرما امام خمینی و پیروان راه او طی قریب یك‌سال ونیمی که درقدرت هستندبه مثابه وابستگان به بورژوازی وابسته وغیر وابسته و با اسلوب های فاشیستی عمل نکرده‌اند، بلکه به مثابه نمایندگان قشرهای متوسط خلق وگاه حتی چپتر ازآن عمل کرده‌اند.

این‌که آیا در درون‌حکومت‌جدید به‌تدریج «کاست حاکمی» از روحانی وغیر روحانی (به معنای درست این‌کلمه) متبلور می‌شود و این که این «کاست‌حاکم»سرانجام‌گرایش طبقاتیش به‌کدام سوخواهد بود، مسئله آینده‌است.

ما کماکان معتقدیم که گرایش‌های دمکراتیك، به علل عینی درونی جامعه ماونیز به علت وضع درجامعه بشری، درطول مدت تعیین کننده خواهد بود واگر فاشیسمی‌ایران راتهدید کند از جانب امام خمینی وپیروانش نیست بلکه از جانب عمال راست و «چپ» امپریالیسم‌امریکا است.

رهبری کنونی انقلاب رابه استقرارفاشیسم ونمایندگی بورژوازی و امپریالیسم متهم کردن وروحانیت رادربست«کاست حاکم»جلوه‌دادن، گمراه‌سازی وکوچهٔ غلط نشان دادن است که امید است آگاهانه نباشد.

تی و دمکراتیك ایران در جبهه متحد خلق

www.iran-archive.com

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

حزب توده ایران و روحانیت مبارز...

بقیه از صفحه ۷

سید سلاطین زمان و سرور خواقین دوران، شیرازه اوراق ملت ودین وتفاوه احفاد سیدالمرسلین، آب ورنگ گلستان مصطفوی، چشم وچراغ دودمان مرتضوی، سلطان جم‌قدم و خاقان فرشته حشم شجاعت نژادی که تیغ آبدارش برای سرهای کفار نهریست بسوی داربوار وحسام آتش‌بارش برای خرمن حیات مخالفان ومعاندان... هرکه تیغ خلاف ازنیام برکشید چون بید برخود بلرزید وهرکه چهار آینه نفاق دربرکشید، صورت مرگ خودرا درآن دید... موسس قواعد ملت و دین، مروج شریعت آبای طاهرین...» (۲۹). جالب است که این «سلطان شجاع» طبق حکایت همان مقدمه: «...انشاء سلطان حسین‌الموسوی‌الحسینی‌الصفوی بهادرخان» همان «شاه سلطان حسین» معروف است که برخلاف ادعای این روحانی‌نما هرگز از سادات (موسوی یا حسینی) نبود.

درصدسال اخیر نهضت‌ها وجنبش‌های متعدد ووسیعی به‌همت اشخاص روشن ومترقی جهت احیاء جنبه‌های مترقی شیعه به‌طور اخص واسلام به‌طور اعم به‌وجود آمده است که شاید بتوان سیدجمال‌الدین اسدآبادی راآغازگرآن دانست. به‌گفته فقید مطهری سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی سلسله جنبان نهضت‌های اسلامی صدساله اخیربود. سیدجمال‌الدین مهم‌ترین ومزمن‌ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داده بود(۳۰) و تمام کوشش خودرا صرف بیداری واتحاد مسلمین علیه سلطه خارجی کرد. سید جمال‌الدین بامشاهده ترقیات علمی و صنعتی اروپائیان استنباط کرده بود که عقب‌ماندگی علمی وتکنولوژیك مسلمین سبب فقر واستعمار است، لذاخصوصا باتمثیل قرون اولیه اسلام وشکوفایی آن، مسلمین را به آموختن حکمت وعلوم فرامی‌خواند (۳۱) دربارهٔ مبارزه سیدجمال بااستعمار، کافی است به نقش سازنده وی در جنبش تنباکو اشاره کنیم. بدون تردید میرزای شیرازی‌به تشویق وتحریص سیدجمال اقدام به تحریم تنباکو کرده بود و می‌دانیم‌که جنبش تنباکو و تحریم‌آن توانست نهضت عظیمی بوجود آورد، تاآن‌جاکه ده‌ها هزارنفر ازمردم تهران ارگ سلطنتی رامحاصره کردند وعزل امین‌السلطان را خواستند. قزاقان باتیراندازی خود هفت‌نفر راکشته ویکصد نفررا مجروح کردند وسرانجام شاه ودولت تسلیم شده و امتیاز تنباکورا ملغی ساختند.

پس ازسیدجمال، شاگرد وهمرزم وی، شیخ‌محمد عبده کار سیدرا ادامه داد، ولی‌به‌قول آیت‌الله مطهری: «عبده باسیدجمال دردوجهت اختلاف نظرداشت: یکی‌این‌که سید انقلابی فکر می‌کرد وعبده طرفدار اصلاح تدریجی بود ، دیگر اینکه سید مبارزه بااستبداد واستعماررا در راس برنامه‌های خود قرار داده بود ومعتقد بودکه اول بایدریشه این ام‌الفساد راکند ودور انداخت، ولی عبده لااقل دراواخر عمر وبعداز جداشدن ازسید وبازگشت به‌مصر، معتقد بود که آموزش وتربیت دینی جامعه تقدم دارد برآموزش و پرورش سیاسی آن‌ها وبرهر حرکت سیاسی» (۳۲).

سومین شخص شیخ عبدالرحمان کواکبی، یك‌متفکر اسلامی ضداستبداد بود و به همبستگی‌دین و سیاست سخت پای‌بند. کواکبی علماء پیشین رامورد انتقاد قرار میداد، زیرا آنان‌به‌نظم و امنیت‌بیش‌از حد بها می‌دادند، تا آنجاکه عدل وآزادی رافدای نظم وامنیت می‌کردند. کواکبی معتقد بود که «مستبدرا ترس‌از علوم‌لغت‌نباشد، از زبان‌آوری بیم ننماید، مادامی‌که درپس زبان‌آوری حکمت شجاعت انگیزی نباشدکه رایت‌هارا برفرازد، یاسحریانی که لشگر ها بگشاید...» (۳۳).

بین علماء شیعه بعداز شیخ مرتضی انصاری‌که نفوذ و قدرت مکتب اصولی را به حوزه‌های علمیه برگرداند و شاگردش میرزای شیرازی که نقش وی رادرجنبش تنباکو گفته‌ایم،باید از آخوند «ملامحمدکاظم خراسانی که‌با فتوای شجاعانه خود مشروعیت مشروطه را اثبات کرد و به نهضت کمك زیادی نمود، یاد کنیم.

در این‌زمینه خصوصا باید از شیخ محمدحسین نائینی معروف به میرزای نائینی، مرجع بزرگ تقلید زمان‌انقلاب مشروطه یاد کنیم‌که دررساله ارزنده خودبه‌نام «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» ـ که درسالهای اخیر بامقدمه‌وتوضیحات‌آیت‌الله طالقانی تحت عنوان «حکومت ازنظر اسلام» منتشر گردید ـ استبداد را محکوم‌کرده و مخالفان‌دربارهٔ مشروطه را پاسخ گفته است .

میرزای نائینی استبداد رابه دوشاخه تقسیم‌کرده میگوید: «ازاین‌جا ظاهر شد جودت استنباط وصحت مقاله بعضی ازعلماء فن‌که استبداد رابه سیاسی ودینی منقسم وهردورا مرتبط به‌هم وحافظ یکدیگر وباهم توام دانسته‌اند ومعلوم شدکه قلع این شجره خبیثه وتخلص ازاین رقیت خسیسه که وسیله آن فقط به‌التفات وتنبه ملت منحصر است، در قسم اول اسهل ودرقسم دوم درغایت صعوبت وبالتبع موجب صعوبت علاج قسم اول هم خواهد بود» (۳۴).

درباره استبداد سیاسی که استبداد سلطنتی فردرا شاخص آن می‌داند، می‌گوید‌که‌این نظام ظلمی است قبیح بالذات وغیرلایق برای لباس مشروعیت وصدور اذن درآن اصلا جایز نیست و بعد این‌حکومت را به‌نجاست‌تشبیه‌کرده ومی‌گوید‌که: «مانند نفس اعیان نجاسات است‌که تادرمحل باقی‌است‌اصلا قابل‌طهارت‌نتواند بود الا بعد از ازاله».(۳۵) وبدین ترتیب نتیجه می‌گیردکه باید اساس سلطنت و استبداد سیاسی را تحویل وتبدیل کرد.

میرزا، عمل روحانیونی راکه سعی درتوجیه و تسجیل استبداد سلطنتی دارند، استبداد دینی خوانده می‌گوید این «...شعبه استبداد دینی به‌اقتضای همان‌وظیفه مقامیه خود، حفظ شجره‌خبیثه استبداد را به اسم‌حفظ‌دین‌قویماً و حدیثاً متکفل بود» ودرمورد همین‌روحانیون تاکید می‌کندکه آن‌ها: «همانا برطبق اراده استبدادیه‌خود و محض دوستی‌باجائرین، مذهبی تازه اختراع نموده اسمش راالاسلام واساسش را بر تشریك طواغیت امت باذات احدیت مبتنی ساختند» (۳۶).

امام خمینی که به رهبری قاطع او انقلاب مردم ایران رژیم منفورسلطنتی راسرنگون‌کرده واکنون علیه‌امپریالیسم وضدانقلاب مبارزه میکند، آیه‌ای ازقرآن راشعار این‌انقلاب قرار دادکه می‌گوید: «ونرید ان نمن علی‌الذین استضعفوا فی‌الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین» (واراده کردیم برکسانی‌که درزمین به‌زبونی گرفته شده‌اند منت گذاشته وآن‌هارا‌پیشوایان ووارثین قراردهیم.آیه۵، سوره «قصص»).

امام خمینی ضمن دعوت همهٔ مردم به مبارزه می‌گوید: «علمای اسلام «وظفند بااتحصارطلبی واستفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند ونگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند ودرکنار آن‌ها ستمگران غارتگر وحرام‌خوار درناز ونعمت به‌سر برند» (۳۷). واضافه می‌کند. «آن‌مردمی که دارند حیثیت اسلام راازبین میبرند حقوق ضعفارا‌پایمال می‌کنند و... باید نهی ازمنکر گردند. اگر یك اعتراض دسته‌جمعی به‌ظلمه‌که خلافی مرتکب میشوند... بشود ... زود عقب‌نشینی می‌کنند» (۳۸). امام خمینی دربارهٔ آن عده از روحانیون که مدایح نظام طاغوتی بوده‌اند می‌گوید : «این‌ها فقها نیستند، شناخته شده‌اند، مردم این‌ها را می‌شناسند... این‌ها راباید رسوا کرد... اگر این‌ها در اجتماع ساقط نشوند... اسلام راساقط می‌کنند. باید جوان‌ها عمامه این‌هارا بردارند، عمامه این آخوندهایی که به‌نام فقهای اسلام، به‌اسم علماء اسلام این‌طور مفسده در جامعه مسلمین ایجاد می‌کنند باید برداشته شود، من نمی‌دانم جوان‌های ما درایران مرده‌اند؟ کجا هستند؟ ما که بودیم، این‌طور نبود، چرا عمامه‌های این‌هارا برنمی‌دارند؟ من نمی‌گویم بکشند، این‌ها قابل کشتن نیستند، لکن عمامه ازسرشان بردارند، مردم «وظف هستند، جوان‌های غیورما درایران موظف هستندکه نگذارند این نوع‌آخوندها (جل‌جلاله‌گوها) «معم درجوامع ظاهر شوند وباعمامه دربین مردم بیایند، لازم نیست آن‌ها راخیلی کتك بزنند، لیکن عمامه‌هایشان رابردارند، نگذارند معمم ظاهر شوند» (۳۹).

مالکیت و استثمار

درطول قرون کوشش می‌شد تااحکام اسلامی‌بانظام‌های بهره‌کشی‌برده‌داری، فئودالی‌وبالاخره سرمایه‌داری هماهنگ وهمساز گردد. عده‌ای ازفقهای اسلامی برای‌این‌کار، حکمی را مستند قرار داده و تا حدودی آن را آیه قرآن قلمداد می‌کردند. این حکم چنین می‌گفت: «الناس مسلطون علی اموالهم» (مردم براموال خود مسلط هستند). طبق این حکم هرنوع مالکیت و سلطه مشروع محسوب می‌گردید. ولی به‌نظرفقهای دیگر این‌حکم حتی متن یك حدیث یاخبرنبوده، بلکه به‌قول فقها «اصطیادی» (۴۰) است، یعنی از کلیاتی صید واخذ شده است. درحالی‌که حتی اگراین حکم را صحیح بدانیم، باز هم مفهوم و مصداق آن محدود بوده و نمی‌تواندمجوز هرنوع‌سلطه و بهره‌کشی‌باشد. دکترشریعتی معتقد است‌که «ناس نه‌به‌معنی «فرد، بلکه به‌معنی جمع و توده‌های مردمان است» (۴۱) بعلاوه باتوجه به حدیث نبوی معتبر «لاضررولاضرار فی‌الاسلام» بسیاری از فقها قاعده تسلیط رامحدود به‌عدم ضرر می‌دانند.

دربارهٔ‌تعریف‌ضرر وضرار فقهاضرر را ضدنفع‌و ضرار راپاسخگویی به ضررـضرر، کم‌گذاشتن ازحق غیروضرار، ضرر رساندن به‌غیرـ ضرر فعل یك شخص وضرار، فعل دوطرفه‌ـ ضرر، ابتدایی و ضرار به عنوان کیفر و تلافی دانسته‌اند (۴۲). به‌نظر می‌رسدکه بهترین تاویل راآیت‌الله محمدباقر صدر گفته است که ضرر وضرار‌را چنین معنی کرده است: «نه به‌کسی ضرر برساند و نه از کسی تحمل ضرر کند» (۴۳).

دربارهٔ تعارض این قاعده با قاعده تسلیط، عموم فقها معتقد برحکومت قاعده «لاضرر» بوده‌اعتقاد دارندکه‌هیچکس نباید با اعمال مالکیت و سلطه خود سبب‌زیان دیگری یا عموم گردد(۴۴). و حتی آخوند خراسانی صاحب «کفایه» و سیدعلی صاحب «ریاض» اعتقاد دارند که اگر تصرفات مالك در ملك مورد احتیاج و به‌نحوی باشد که منعش از تصرف موجب ضرر او گردد باز هم در صورت ضرر مجاز به این تصرفات نخواهد بود(۴۵).

عده‌ای از علمای اسلام استدلال می‌کنند که چون در آیات قرآن به کرات تاکید شده است که مالکیت از آن خدا است (۴۶)، لذا بشر مالك زمین و سایر اموال غیرمنقول نمی‌گردد و نمی‌تواند به استناد این مالکیت حق و سلطه‌ای برای خود قائل شود.(۴۷)

علمای اسلام همچنین به این آیه قرآن استناد می‌کنند که میگوید: «... والذین یکنزون‌الذهب والفضة ولا ینفقونها فی‌سبیل‌الله فبشرهم بعذاب الیم» (... و کسانی‌را که طلا و نقره اندوخته و آن‌را در راه خدا انفاق‌نمی‌کنند، به عذاب دردناك بشارت ده، آیه ۳۴ سوره «توبه»).

آنان با درنظرگرفتن این آیه و آیات‌دیگر و احادیث پیامبر و غیره اندوختن ثروت را حرام می‌دانند(۴۸).

درمورد عدم اطلاق تسلیط همچنین آمده است: «شیخ انصاری در کتاب متاجر خصوصا در فصل «شرایط عوضین» خبری بدین مضمون نقل کرده که کسی به حضرت صادق گفته است: «مردی زمین‌وآتی‌را که اهلش آن را ترك گفته‌اند گرفته و آباد کرده»، حضرت پاسخ داد که امیرالمومنین علی گفته است: «من‌احیی ارضاً من‌المومنین فهی له ـ هر مومنی که زمینی را آباد کرد متعلق به وی است». و شیخ چنین استدلال کرده است که آباد کردن زمین آنچنان مهم است که اگر مالك زمین آنرا ترك کند برای جلوگیری از ضرر به مردم اشخاص دیگر می‌توانند در آن زراعت نمایند»(۴۹)

وبالاخره با استناد به‌آیه«وان لیس‌الانسان الا ما سعی» (برای آدمی جز آنچه به سعی خود انجام داده‌نخواهد بود، آیه ۳۹، سوره «نجم») چنین نتیجه گرفته‌اند که فقط کار است که سبب مالکیت می‌شود(۵۰).

در پایان این بحث باید از تحقیقات وسیع و مفید آیت‌الله شهید محمدباقر صدر خصوصا کتاب ارزنده وی «اقتصادنا» که به فارسی ترجمه و تحت عنوان «اقتصاد ما» منتشر گردیده است یاد کنیم، که برخلاف بسیاری از فقها که از احکام اسلام به‌سود صاحبان زر و زور استفاده می‌کردند، کوشیده است، تفسیر تازه‌ای از آنها به‌سودزحمتکشان و مستضعفان‌ارائه دهد. به‌برخی‌از آنها اشاره‌میکنیم.

آیت‌الله صدر با استناد به آیات قرآن، احادیث و غیره در جهت عدم اجازه استثمار استدلال نموده است. دربارهٔ اراضی مزروعی صدر می‌گویدکه احیاءکننده مالك نشده فقط حق‌اولویت درانتفاع را بدست می‌آورد، بنابراین اگر «متصرف در ایفاء وظایف و انجام مسئولیت خود مبنی بر تولید و عمران زمین کوتاهی به خرج دهد، حقوق وی سلب، و دیگر نمی‌تواند زمین را در اختیار داشته باشد. زیرا این موضوع کاهش قدرت تولید جامعه و در نتیجه اضرار و محرومیت‌دیگران‌را باعث می‌گردد» (۵۱) آیت‌الله صدر برای اثبات این حکم نه‌تنها به قاعده «لاضرر»، بلکه به اخبار متعدد و بالاخره نظریه شهید ثانی در کتاب «مسالك» استناد می‌نماید(۵۲).

صدر اعتقاد دارد که فقط کار موجب پیدایش حق می‌گردد و می‌گوید: «زمین در اصل ملك امام بوده و غیر از او هیچکس مالك زمین نیست، مجوز و علت پیدایش حقوق خصوصی در آن «ریزش کار» برای بهره‌برداری از آن است»(۵۳).

صدر این نظریه را نسبت به سایر «ثروت‌های خام طبیعی» (معادن، دریاها، رودخانه‌ها و غیره) تعمیم‌داده‌و نتیجه می‌گیرد که: «در اختیار گرفتن این ثروتها بدون انجام کار، مجوز مالکیت نخواهد بود»(۵۴) و سرانجام بدین نتیجه می‌رسد که: «در تمام احکام فوق قاعدهٔ مشترکی حکم‌فرما است که: کار منشاء حقوق و مالکیت‌خصوصی بر ثروتهای طبیعی است» (۵۵).

درمورد مزارعه که اساس استدلال دربارهٔ مشروعیت فئودالیسم را تشکیل میداد، صدر با نقل‌قول از شیخ طوسی تاکید می‌کند که برای صحت مزارعه لازم است که مالك علاوه بر زمین، «بذر» یعنی مایه اولیه و اصلی زراعت را هم در اختیار زارع قرار دهد و اضافه می‌کند که دادن‌زمین تنها «مخابره» نامیده می‌شود که به وسیله پیغمبر نهی گردیده است(۵۶).

به‌طور کلی صدر هرگونه استثمار را از نظر اسلام غیرمشروع تلقی کرده و با استناد به نظرات محقق حلی در «شرایع» و «قواعد»، محقق اصفهانی در «اجاره» و محقق نجفی در «جواهر» و آثار دیگر علماء مشهور شیعه در باب وکالت، اجاره، صید و غیره نتیجه می‌گیرد که فقط کار شخصی بر مباحات (زمین و منابع طبیعی) می‌تواند سبب اولویت در مالکیت و انتفاع گردد و کسی نمی‌تواند با استخدام دیگری یا دادن ابزار کار خود مالکیت محصول حیازت شده را به دست آورد ولی اگر مالك زمین و بذر و یا مالك مواد اولیه، آنها را در اختیار دهقان و یا کارگر بگذارد، خود مالك محصول بوده باید فقط سهمی به‌دهقان و کارگر بدهد. اما اگر مالك زمین، فقط زمین (بدون بذر) در اختیار کشاورز بگذارد و یا مالك ابزار تولید، فقط این ابزار را برای کار در اختیار کارگر بگذارد، در این‌صورت کشاورز و کارگر صاحب محصول به‌حساب می‌آیند و باید به‌مالك زمین و مالك ابزار کار «اجرت» یا «اجرت‌المثل» بپردازند. در عین‌حال مالك زمین حق اجاره دادن آن را دارد(۵۷).

در باب عقد مضاربه که برای توجیه استثمار سرمایه‌داری از آن استفاده می‌شود، صدر تاکید می‌کند که مضاربه منحصر به تجارت است و به‌علاوه در صورت ورود زیان در کسب، زیان کلا متعلق به صاحب سرمایه است و بالاخره با نقل حدیثی از امیرالمومنین که گفته است: «هرگاه شخص عامل، سود صاحب سرمایه‌را تضمین نماید، در پایان عملیات جز اصل سرمایه، چیزی به صاحب سرمایه تعلق نمی‌گیرد و از سود به او داده نخواهد شد» (۵۸) و با نقل حدیث دیگری به همین مضمون نتیجه می‌گیرد که: «شرط اساسی صحت مضاربه، قبول خطر از طرف صاحب سرمایه و عدم ضمانت نسبت به سرمایه است» (۵۹)

ما بدون آنکه وارد ماهیت مسایل مطروحه از جانب این فقها بشویم و نظر اصولی خود را دربارهٔ آنها بیان‌کنیم، فقط به تذکر این نکته اکتفا می‌ورزیم که حتی پس از انقلاب هم، تمام فقها و علمای دین تفسیر واحدی دربارهٔ این مسایل بنیادی (مالکیت، زمین، کار و غیره) ندارند.عده‌ای می‌خواهند، مانند گذشته، آیات قرآن و احادیث و اخبار را با نظام سرمایه‌داری دمساز کنند و از آنها به سود ثروتمندان بهره گیرند. بحث‌های فراوانی که در مساجد و مطبوعات دربارهٔ مشروعیت و مشروطیت و محدودیت حق مالکیت و یا دربارهٔ اصلاحات ارضی در جریان است وجود عقاید متفاوت و حتی متضاد دربارهٔ این مسایل و اختلاف‌نظر و صف‌بندی در درون روحانیت را به روشنی نشان می‌دهد.

آنچه گفته شد، نشان می‌دهد که روحانیت مترقی‌در بسیاری مسایل اجتماعی نظراتی مطرح می‌کند، که باوجود تمام نارسایی‌ها می‌تواند پاسخگوی خواست‌های توده‌های وسیع‌مردم واحزاب و سازمانهای انقلابی‌و مترقی درشرایط کنونی جامعه ما باشد.

مبارزه قاطع و پی‌گیر امام خمینی، به‌مثابه نماینده روحانیت مترقی و رهبر مورد اعتقاد و اعتماد توده‌های‌میلیونی با امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم آمریکا، اقداماتی که تاکنون درجهت مبارزه با ضدانقلاب، قطع نفوذ سرمایه‌داری وابسته و ملی‌کردن صنایع بزرگ و بانکها انجام گرفته با تاکیدی که در قانون اساسی برای ملی کردن منابع‌طبیعی، صنایع کلیدی، بازرگانی خارجی، رشته‌های مهم اقتصادی، محدودکردن مالکیت، واگذاری زمین به دهقانان، تعدیل ثروت، برانداختن استثمار و غیره به‌عمل آمده، همگی اقدامات‌و زمینه‌هایی هستندکه با وجود کاستی‌ها، نمی‌توانند مورد تایید و پشتیبانی حزب توده‌ایران قرار نگیرند.

وظیفهٔ حزب توده‌ایران، به‌مثابه قاطع‌ترین و پی‌گیرترین سازمان سیاسی‌مبارز علیه‌امپریالیسم، به مثابه‌صادق‌ترین بیانگر منافع واقعی زحمتکشان ایران، نمی‌تواندچیزی جز پشتیبانی صادقانه از امام خمینی، رهبر انقلاب ایران و پیروان واقعی‌خط او باشد. حزب‌توده ایران ضمن پشتیبانی کامل از تمام جنبه‌های مثبت اقدامات انجام‌شده، می‌کوشد با پیشنهادهای ابتکاری و سازنده خود بسه برانداختن نارسایی‌ها و کمبودهای موجود کمك کند و راه را برای استقلال و آزادی و پیشرفت و رفاه زحمتکشان هموارسازد.

۲۹) . تشیع علوی و تشیع صفوی، صفحه ۲۰۰
۳۰) . نهضت‌های اسلامی، صفحه‌های ۱۴ و ۱۶
۳۱) . اخلاق جمالیه، صفحه ۲۷
۳۲) . نهضت‌های اسلامی، صفحه ۴۳
۳۳) . همان‌جا، صفحه‌های ۴۴ تا ۴۸
۳۴) . حکومت از نظر اسلام، صفحه ۲۷
۳۵) . همان‌جا، صفحه ۴۸
۳۶) . همان‌جا، صفحه ۶۰
۳۷) . ولایت فقیه صفحه ۴۳
۳۸) . همان‌جا، صفحه ۱۶۳
۳۹) . ولایت‌فقیه، صفحه ۳۰۳
۴۰) . محمود شهابی، قواعد فقه، صفحه ۸۰
۴۱) . نقل از اقتصاد توحیدی، صفحه ۸
۴۲) . دو رساله ـ لاضرر ـ صفحه۵، اسلام و مسالکیت صفحه ۲۰۷
۴۳) . اقتصاد ما، جلد ۲، صفحه ۳۶۵
۴۴) . دو رساله، صفحه ۴۰
۴۵) . دو رساله، صفحه ۴۱
۴۶) . سوره نساء آیات ۱۳۶ و ۱۳۱ و ۱۳۳
۴۷) . اسلام و مالکیت، صفحه ۱۵۸ و اقتصاد توحیدی، صفحه ۲۹۶
۴۸) . اسلام و مالکیت، صفحه ۱۸۸
۴۹) . قواعد فقه، صفحه ۸۳ و اسلام و مالکیت،صفحه۱۸۶
۵۰) . اقتصاد ما، جلد دوم صفحه ۱۰۹
۵۱) . اقتصاد ما، جلد دوم، صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲
۵۲) . همان‌جا، صفحه ۱۰۴
۵۳) . همان‌جا، صفحه ۱۱۰
۵۴) . همان‌جا، صفحه ۱۴۷ و ۱۴۸
۵۵) . همان‌جا، صفحه ۱۵۰
۵۶) . همان‌جا، صفحات ۲۳۶ و ۲۳۷
۵۷) . همان‌جا، صفحات ۲۰۰ تا ۲۱۵
۵۸) . همان‌جا، صفحه ۲۲۸
۵۹) . همان‌جا، صفحه ۲۲۸

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا
تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

شماره‌های گذشته نامه «مردم» برای فروش به طور تك شماره آماده است

به‌دفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

هشدارنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان

■ بدون مبارزه باریشه‌های کندیده رژیم سابق و پایگاههای امپریالیسم در داخل کشور، انقلاب تحقق پیدا نمی‌کند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان ضمن هشدار-نامه‌ای به مقامات مسئول، تاکید کرد که: «بدون مبارزه جدی و انقلابی با ریشه‌های فاسد و کندیده رژیم سابق و پایگاه‌های امپریالیسم در داخل کشور انقلاب به معنی‌واقعی تحقق پیدا نمی‌کند.»

در این هشدارنامه از جمله آمده است:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برهبری حضرت امام خمینی و سقوط رژیم «شاهنشاهی» در این مملکت، نهادهای انقلابی ازقبیل سپاه‌پاسداران، دادگاههای‌انقلاب، بنیادمستضعفین، و دادستانیهای انقلاب و.. بنا بفرمان امام امت برای حفظ دستاوردهای انقلاب تشکیل شد. مسلما نیت پاك و مقدس امام از تشکیل این نهادها رسیدگی فوری و انقلابی بحال مستضعفین و زاغه‌نشینها و محرومین و همچنین مبارزه قاطع با عناصر رژیم سابق از قبیل ساواکیها و فئودالها و سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و خون‌آشام و عناصر ضدانقلاب دیگر بود، زیرا که‌بدون مبارزه جدی و انقلابی با ریشه‌های فاسد و کندیده رژیم سابق و پایگاههای امپریالیزم در داخل کشور انقلاب بمعنی واقعی تحقق پیدا نمیکند زیرا که انقلاب از دیدگاه مکتب ما اسلام یعنی دگرگونی در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی جامعه‌و نابودشدن‌تمام ارزشهای‌پست و طاغوتی و جایگزین شدن ارزشهای توحیدی و الهی در جامعه می‌باشد (بنا بگفته امام علی در خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه). از طرفی چگونه ممکن است بدون‌مبارزه قاطع با عناصر رژیم سابق (مثل مصادره اموال سرمایه‌داران بزرگ و ملاکین و فئودالها و...) حقوق مستضعفین و زاغه‌نشینها و تول چشمه‌نشینها و غیره را به آنها بازگرداند.

در دنباله هشدارنامه آمده است: چطور می‌توان بدون‌انجام چنین کارهای انقلابی حق را به حقدار داد؟ مگر این سرمایه-داران بزرگ و ملاکین و فئودالهای زمینخوار از راههای غیر-مشروع و ناپاك صاحب این همه امکانات مادی نشده‌اند؟ مگر همین‌ها کم با رژیم خائن پهلوی همکاری و دوستیهای نزدیك داشتند؟ مگر غیر از این است‌که این زالوها برای حفظ منافع کثیفشان با این انقلاب مخالف بوده و چماق بدست راه می-انداختند؟ و جیره‌خوارانشان جاوید شاه میگفتند و بمردم حمله میکردند؟ مگر غیر از این‌بود که تیمسار مزین جلاد زمینها را از دهقانان و کشاورزان فارس و ترکمن بزور گرفته و به همین مزدوران سرسپرده و سرمایه‌دارها میداد؟ پس چرا نباید از آنها بزور گرفت؟ امام میفرماید که مستضعفین باید بزور حق خودرا از مستکبرین بگیرند زیرا آنها حق آنها را نخواهند داد.

آری این است خط وارث علی خمینی بزرگ که تفکر انقلابی و عدم سازش دارد و خواهان رسیدگی فوری بحال مستضعفین است...

خط دوم خط عناصر سازشکار و غیرانقلابی است که متاسفانه دست‌اندرکار مسائل اجرائی و قضائی کشور هم هستند و تاکنون دیده شده که چه ضربه‌هائی را همین عناصر بر پیکر انقلاب وارد کرده‌اند و چه کارها که بنام اسلام بدست این عناصر غیرانقلابی و سازشکار انجام شده که متاسفانه بعضی افراد این کارها را بنام اسلام تمام میکنند و درنتیجه مردم از اصل انقلاب و جمهوری اسلامی دلسرد و ناامید میشوند. چرا ما بعدازپیروزی انقلاب اسلامی شاهد این‌همه‌توطئه علیه انقلاب و جمهوری‌اسلامی بودیم و هنوز هم هستیم؟ آیا غیر از اینست که مقداری از این توطئه ناشی از سستی و سازشکاری و مسامحه‌کاری مسئولین مملکت بود؟

چرا تا بعد از ۸ماه از پیروزی انقلاب، لانه جاسوسی‌آمریکا در ایران مشغول توطئه بود و مسئولین غافل بودند؟

چرا اینقدر به ساواکیها رو دادند که‌با کمال‌بیشرمی‌در یك روز معین تعدادی از آنها جلو کاخ نخست‌وزیری جمع شوند و طلب حقوق نمایند؟

چرا با فئودالهای بزرگ مبارزه جدی‌نشد و متاسفانه بعضی از آقایان زیر بال آنها را گرفته و از آنها دفاع می‌کنند و آنها هم میروند قم و در کنار منزل امام تحصن کرده وخودرا کشاورز و دهقان معرفی می‌نمایند (البته متاسفانه ازطرف یکی‌از روحانیون شهر به استادرضااصفهانی تلفن زده میشود که کاری‌کنید آنها را در قم راه بدهند و حرفهایشان را بزنند‌که بعدا استاد رضا اصفهانی این قضیه را برای ما فاش کرد.)

چرا عناصر مزدور رژیم سابق را ادارات تصفیه حسابی نکردند و متاسفانه در بعضی اوقات بعضی‌ها را به سر کار دعوت کردند و خدا میداند در این ادارات و نهادهای انقلابی چه عناصری نفوذ کرده‌اند که کارشکنی و توطئه زیاد میشود.

در نامه اضافه شده است: ما پاسداران انقلاب اسلامی گرگان با الهام از رهنمودهای امام همواره خواهان قاطعیت در مبارزه با عناصر وابسته به‌رژیم سابق خصوصا ساواکیها بوده و هستیم‌و علاهم تا حد توان‌خود به‌این‌ایده‌خود عمل کرده‌ایم. اگرچه دست‌هائی اقدرکار، جلو راه ما سنگ می‌انداختند و هنوز هم می‌اندازند و چشم دیدن اعمال انقلابی ما را نداشتند و ندارند و آنقدر بی‌خط بودند که بجای مبارزه با دشمنان انقلاب با ما مبارزه میکردند و نوك‌حملات‌و تهمت‌هایشان‌را قرار داشتیم و هنوز هم داریم. از جمله اعمال آقای طباطبائی دادستان انقلاب استان مازندران که واقعا دسته‌گلهای زیادی به آب داده است.

در این نامه سپس ضمن اشاره به بکارگیری ساواکیها در مازندران و فرار فریبانده سابق ژاندارمری این‌استان آمده‌است: چرا ایشان از این نوع افراد دفاع نکند زیرا او با آنها دوست و بر سر یك‌سفره غذا و نهار و شام میخوردند و چراکه ما را نکوبد زیرا ما مانع غلط‌کاریهای او بودیم و مخالف با اعمال او.

سپاه‌پاسداران گرگان در هشدار خود سپس مینویسد: برادران ما شبو روز زحمت‌میکشند‌و افراد ضدانقلابی را که در این‌منطقه توطئه‌میکنند دستگیرمیکنند ولی با یك حکم آقای دادستان‌انقلاب آزاد میشوند و زحمات شبانه‌روزی برادران ما با یك حکم هدر میرود و گاهی اوقات، تصمیم می‌گرفتیم دیگر کار نکنیم ولی از آنجائیکه به این‌راه مقدس‌معتقد بوده و هستیم گفتیم کار میکنیم حتی جدی‌تر و بعد از این مسائل را برای مردم بازگو میکنیم تا خود مردم قضاوت کرده و این عناصر را بهتر بشناسند.

برادر و خواهر:

مسئله ما آزادی فلان‌سرمایه‌دار یا فلان‌فئودال یا حامدزاده غیره نیست، بلکه مسئله ما سیستمی است‌که اگر خدای‌ناکرده پای بگیرد دمار از روزگار همه ما درخواهد آورد. باتوجه به شواهد بسیاری که تاکنون دیده و شنیده شده از توطئه‌های‌جدید ساواك و دیگر مزدوران اجنبی‌ها که‌بعضی‌از این‌گروهها خصوصا دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در این رابطه هشدار داده‌اند.

در پایان این نامه سپاه پاسداران گرگان خواست تعویض فوری دادستان انقلاب استان مازندران و تعقیب جدی سرمایه-داران و فئودالهای بزرگ توطئه‌گر و مصادره اموال آنها و همچنین دادن اختیارات بیشتر به‌سپاه جهت‌انجام کارهای‌انقلابی، تجدید محاکمه افرادی که بناحق آزاد شده‌اند خصوصاساواکیها مطرح شده است.

حقایقی درباره افغانستان (اسناد، واقعیات وشواهد) (۱۵)

۱ـ گواهی ناظران عینی
۲ـ مشاهدات خبرنگار هندی در کابل

آزادی چه نعمت بزرگی است

(از مقاله فیلیپ بنوسکی ، خبرنگار ویژه مجله آمریکائی «دی‌ورلد»

ما تازه از کابل خارج شده و به شاهراه افتاده بودیم که متوجه شدیم کاروان عجیبی به ما نزدیك میشود . در این کاروان تقریبا همه‌گونه خودروهای چرخی ، اتومبیل‌ها ، کامیون‌ها و اتوبوس‌های‌کهنه وجود داشت . این‌وسایل نقلیه مملو بود ازمردان، زنان و حتی‌کودکان خوشبختی که لحظه‌ای قبل از زندان پل چرخی آزاد شده بود. آنهارا به‌دلیل سوء ظن به مخالفت با رژیم‌سرنگون شده حفیظ‌الله امین ، در آنجازندانی کرده بودند.

این اشخاص که برخی میگریستند و بعضی‌می-خندیدند ، و بطورکلی هنوز به خود نیامده بودند، از مرگ نجات یافته بودند. هزاران تن از افراد بی‌گناه بدستور امین این عامل سیا و وابسته به سیاست امریکا به‌قتل رسیدند. رقم دقیق آنها را هنوز کسی نمیداند ، چون وقت آن نبود که گورهای مخفی را بشکافند و شمار ناپدیدشدگان‌را معلوم دارند.

آن روز ما موفق نشدیم به درون زندان راه یابیم . زیرا وقتی‌به‌دروازه زندان که بنای مستطیلی با حصارهای خاکستری بطول نزدیك به نیم‌مایل داشت ، در رسیدیم ، هنوز صدها نفر در آنجا جمع بودند که قیل و قال‌کنان و با فریادهای مضطرب ، اقوام مرخص نشده خودرا می‌جستند . البته همه زندانیان را مرخص کرده بودند و ما آنهارا در کاروان ماشین‌هائی که به سوی کابل می‌رفتند دیده بودیم . ولی این اشخاص که دم دروازه زندان فریاد می‌کشیدند هنوز در انتظار خروج اقوام زندانی خود بودند، اقوامی که دیگر از زندان خارج نمی‌شدند ، چون آنها را کشته بودند.

بالاخره مدیر زندان دستور داد دروازه‌ی زندان راگشودند و همه‌ی آن جماعت را به‌درون زندان راه داد. آنها به‌چشم خود دیدند که زندان خالی است. همچنین دیدند که در چند سلول‌زندان افرادی ازدارودسته‌ی امین زندانی‌اند . جماعت خشمگین میخواستند حمله کنند و آنهارا به‌قتل رسانند . ولی مدیر زندان مانع شد. تکبانان شروع به‌تیراندازی هوائی‌کردند و مردم پراکنده شدند. ما می‌دیدیم که چطور آنها از جلوی مامی‌دویدند.

فردای آن روزهم مابه‌آنجا رفتیم . دم دروازه‌ی زندان هیچکس نبود. داخل زندان شدیم، منظره‌ی عجیبی بود. انسان احساس هراس می‌کرد. زندانی که تا دیروز از هزاران زندانی‌انباشته بود، امروز بکلی خالی بود و جزنگهبانان کسی در آنجا دیده‌نمی‌شد. یکی اززندانیان‌سابق به‌نام احمد ـ شاه‌تجن ، دانشجوی پزشکی ، بیست وهفت ساله مارا به سلول سابقش برد. در این سلول که‌گنجایش بیش از دونفررا نداشت اورا باده‌تن دیگر مدت شش‌ماه‌نگاه‌داشته‌بودند. اوشعار «زنده‌باد آزادی»! را که بردیوار زندان نوشته بودبه‌مائشان داد. او میگفت‌شب‌ها بعضی‌اززندانیان‌رامیبردندوآنهادیگرباز نمی‌گشتند .

قرار بود که این‌دانشجوی جوان رشته پزشکی راهم به‌قتل رسانند . ولی فرصت نشد ! او ازطرف پلیس مخفی امین بازداشت شده ، تحت شکنجه قرار گرفته و به‌این سلول دهشتناك انداخته‌شده بود . احمد میگفت : «تصور اینکه به‌حزب خیانت شده و خیانتکار در راس دولت قرار دارد، برای ما بسیار وحشت‌انگیز بود... ٦ دی ماه، شب‌هنگام، من احساس کردم که حادثه‌ای روی داده است.ساعت ۷ صبح رادیوی زندان ، ساکت بود. بعد، در ساعت ۱۰ خبر پیروزی و عفوعمومی در کابل منتشر شد. چیزی نگذشت که سربازان به‌زندان آمدند ودرهای زندان را گشودند، ومن‌آزاد شدم.»

در همانجا احمد مرا بادوستش ، دانشجوی نوزده ساله‌ی رشته پزشکی بنام منیر آشنا کرد. او میگفت که در رژیم گذشته به‌فعالیت زیرزمینی اشتغال داشت وهرآن منتظر بودکه بازداشت شود. من نظری به‌سلول تاریك ودیوارهای بلند زندان افکندم و از او پرسیدم : «حالا که در این زندان براحتی میگردی چه‌احساس میکنی ؟ او گفت : «خودم را آزاد احساس میکنم!»

ما خود میدیدیم که مردم افغانستان تردیدی ندارند که دولت جدیدشان ، دولتی است واقعا دمکراتیك‌وانسانی. علیرغم‌تمام تبلیغات خارجی ، اکثریت مردم افغانستان براین اعتقادند که‌نیروهای شوروی در یکی از بحرانی‌ترین لحظات تاریخ‌انقلاب آنان ، برای کمك برادرانه و جلوگیری از تبدیل کشورشان به مستعمره امپریالیسم آمریکا ، به‌آنجا آمده‌اند . وقتی اتحادشوروی به ندای‌دولت افغانستان پاسخ مثبت داد، اکثر افغانیها نه‌لفظ آن‌را امری‌عادی تلقی‌کردند، بلکه اگراتحاد شوروی جواب رد میداد و از ابرازپشتیبانی از آنان دریغ می‌کردبرایشان عجیب می‌نمود.

... من طی هشت روز اقامتم در کابل (۱۷ ـ ۹ ژانویه)، دردومصاحبه مطبوعاتی‌ببرك ـ کارمل حضور یافتم ، بادیگر اعضای کمیته مرکزی حزب دمکراتیك خلق افغانستان که در میسارزات مخفی علیه رژیم‌سابق‌شرکت مستقیم داشتند،دیدار کردم. من‌با«آناهیتاراتب‌زاد» وزیر آموزش وپرورش که‌عضو هیئت‌سیاسی‌حزب‌دمکراتیك خلق‌افغانستان است ، نیز صحبت کردم. بعلاوه من‌دیدارهـا و مصاحبه‌هائی‌هم‌بادانشجویان ، تجار و کسبه‌ی‌بازار، رانندگان‌تاکسی، بامستحفظین‌زندان‌وزندانیان قبلی داشتم باسربازان وکودکان افغانی نیزغالبا صحبت میکردم.

من سرگذشت این اشخاص را از زبان‌خودشان می‌شنیدم وبه‌چشم خود می‌دیدم که چگونه کشور رنجدیده‌ی افغانستان سرانجام روحی تازه‌می ـ گرفت. ودرمین‌حال‌باتحیروتعجب‌بیان‌کاملادگرگونه‌ای از این حوادث را از «صداهای غرب که ازفضای بی‌دفاع‌به‌گوش مامی‌رسید» می‌شنیدم.

ببرك کارمل در مصاحبه‌ی‌مطبوعاتی‌اش با خبرنگاران غربی در پاسخ به‌سئوال تحریك‌آمیز خبرنگار بی‌بی‌سی گفت : «واضح است ، شما خبرنگار بی‌بی‌سی هستید .کافیست بگویم کموسه شما از بزرگترین دروغ‌پردازان جهان است!»

ضمنا فقط این نماینده‌ی بی‌بی‌سی (وبه نقل ازاو «صدای‌آمریکا») بود که بی‌پروا‌ترین دروغها را درباره «زدوخورد» میان نیروهای شوروی و افغانستان مخابره می‌کرد. به‌گفته‌ی او این «زدو-خوردها» «درست زیر پنجره‌ی خانه‌اش» روی‌می-دادند. در صورتی که هیچکس و هیچ خبرنگار دیگری غیر از او ازاین«زدو خوردها» خبری‌نداشت و صدای تیراندازی نشنیده بود.

به‌این قطعه از رپرتاژ خبرنگار روزنامـه‌ی «اینترنشنل هرالدتریبون» مورخ ۱۸ ژانویه دقت کنید:

«ضمنا اخبار واصله از منابع دیپلماتیك پاکستان (پاکستان!)، حاکی از آنست که امروز ، در نزدیکی فرودگاه کابل میان نیروهای شوروی و واحدهای ارتش افغانستان نبردهائی در گرفت . اطلاعات تایید نشده(!) حاکیست که برخوردهائی نیز در بخش قلعه‌ی بالاحصار، همان جائی که ارتش افغانستان در اوت سال گذشته‌قیام کرد، روی داد. سفارتخانه‌هائی که نزدیك فرودگاه قرار دارند، ازاین زدوخوردها خبر داده‌اند . دیپلماتها می‌گفتند که صدای پرواز هواپیماها و تیراندازیهای شدیدی می‌شنیدند که حدس میزدند از هواپیما باشد . ولی مطمئن نبودند».

و این را بعنوان رپرتاژ پخش می‌کنند !رپرتاژی که حتی یك رویداد واقعی در آن وجود ندارد ! من نصف روز ، در همان اوقات که اخبار «زدو-خوردها» برای دیپلماتها در پاکستان(!) «مخابره می‌شد»، در فرودگاه کابل بودم، و چیزی‌نشنیدم. خبرنگاران دیگری هم‌که‌بامن بودند چیزی نشنیدند. فقط هواپیماهای کشوری بودند که‌در تمام مدت هفته ، فرود می‌آمدند و پرواز می‌کردند.

هدف این گروه روزنامه‌نگاران غربی که پس از گرفتن اجازه ورود از دولت افغانستان ، کابل راپر کرده‌بودند این بود که در افکارعمومی جهان چنین وانمودکنند که واحدهای نظامی شوروی نیروهای اشغالگرند و مردم وارتش افغانستان برعلیه آنهـا می‌جنگند . این هدف درست با نقشه کارتر و برژینسکی موافقت داشت که قصد داشته ودارند با این‌صحنه‌سازی‌ها توجه جهانیان را از تهدیدهای امپریالیسم آمریکا علیه ایران و افغانستان‌وسراسر خاورمیانه منحرف سازند.

طی مدت اقامت ما درافغانستان ، از کلیه‌ی بخش‌های کشور اخباری می‌رسید حاکی از اینکه روزبروز شمار بیشتری از گروهها، قبایل و سازمانهائی که قبلا علیه رژیم نداد امین می ـ جنگیدند ، اسلحه برزمین می‌نهند و پشتیبانی خود را ازدولت ببرك کارمل ابراز می‌دارند.

فرمان عفوعمومی که‌ازطرف دولت‌ببرك کارمل در همان روزهای اول فعالیتش اعلام شد، تاثیری به‌سزا بخشید . بااعلام این فرمان وبعداز آن ، با حضور ببرك‌کارمل درمسجد برای‌شرکت درمراسم سوگواری شهدا ، مردم‌به‌نیات واهداف واقعی‌دولت جدید پی‌بردند.

«پرسش و پاسخ»

جلسات «پرسش و پاسخ» روزهای پنجشنبه ازساعت ٤ تا ٦بعدازظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود .

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسنادحزبی(اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره‌در نامهٔ«مردم»ارگان‌مرکزی حزب تودهٔ ایران»، با استفاده ازتمام‌امکانات، به‌وسیع‌ترین‌شکل تکثیر کنیدوبه‌توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس‌کنونی این یك وظیفه مبرم انقلابی است

کمك مالی به حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است

کمك مالی‌را میتوان مستقیما به‌دفتر حزب داد ویا باتلفن‌های۹۳۵۷۲۸ـ۹۳۳۴۵۹ـآمادگی‌خود را اعلام داشت. ازطرف دفتر حزب ترتیب دریافت‌کمك داده خواهد شد.علاوه‌براین،علاقمندان میتوانندکمك‌مالی خودرا بحساب بانکی به‌نام تقی کی‌منش وبه‌شماره۳۲۳۲ شعبه۳۱۸ بانك‌ملی‌ایران (شعبه‌شاه‌اسماعیل‌صفوی)، خیابان شهید دکتر حسن فاطمی بپردازند.

از کمك کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را برای‌ما ارسال دارند.

■ تکشماره‌های گذشته‌نامهٔ «مردم» (از ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ تاکنون) برای فروش آماده است .

برای دریافت به‌دفتر نامه«مردم» مراجعه فرمائید .

هنر

نقدی برفیلم «تنگنا» ساخته «پیرگراینه دوفر» شگردهای کهنه تبلیغاتی

فیلم «هارمونی» که در ایران «تنگنا» نامیده شده ، یك فیلم سیاسی است ـ فیلمی است ظاهراً ضد جنگ ودر واقع مخدوش‌کننده اذهان وبهم ریزنده ارزشها ـ که برای «خوش خوراك» ساختن‌آن برای بینندگان داستان‌یك‌عشق باسمه‌ای را نیزضمیمه آن ساخته‌اند. بهرحال سینماروهای ایرانی یکبار دیگر امکان یافتند تاباشیوه تبلیغات غیرمستقیم وباصطلاح خودمانی «زیرجلکی» سرمایه‌داری آشنا شوند.

جنگ‌جهانی‌سوم است‌که درسال ۱۹۸۳ آغازشده . نشست دبیرخاست تکراری وخسته‌کننده هلی‌کوپترها که مجروحین را به بیمارستان می‌رسانند ، گویاباید نشان شدت جنگ‌وتلفات فراوان آن باشد . چندصحنه‌دیگر نیزمیخواهند همین‌بیرحمی وخشونت خارج ازتصوررا نشان دهند، که برخی ازآنهـا صحنه‌هایی‌هستند فجیع وحیرت‌انگیز. کودکان باماسك ضدگاز بمدرسه میروند . ریه‌های هارمونی، پرستار فداکار ، چنان‌آسیب می‌بیند که مرگش حتمی است آقای پـروفسور ، رئیس بیمارستان ، معتقد است‌کـه «سرمایه‌داری ومارکسیسم دوتئوری برای توسعه‌طلبی هستند» (۱) «ابرقدرتها میخواهند ارتشان روزبـروز قـدرتمندتر شود » . «آدمها برای اندیشه‌های خود ، خیلی سخت‌تر می‌جنگند تابرای ثروت خود» (۱) «جنگ‌امروز جنگ اندیشه است» .

چنانکه می‌بینید درباره علت پیدایش جنگ انواع سخنان من‌درآوردی بی‌پایه‌گفته میشود ، تاآن چیزی‌که باید گفته شود، گفته‌نشود . وآن نقش‌وجود و نبرد طبقات وتضاد منافع طبقاتی در پیدایش جنگ‌هاست. گفته‌نشودکه جنگ‌داریم تاجنگ. بین‌جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا باخلق‌ویتنام وجنگ آزادی‌بخش خلق‌ویتنام باامپریالیسم استارتکر آمریکا ، تفـاوت اززمین تـا آسمان است . بنظرتهیه‌کنندگان فیلم«جنگ امروز جنگ اندیشه است.» نتیجه‌ای که ماباید ازاین حکم‌بگیریم این است‌که جنگ حاصل سیاست‌های انحصارات امپریالیستی ومنافع کـلان‌آنها در نبرد باخلق‌ها دررقابت بین خودشان نیست بلکه امری آکادمیك است ! گوئی‌بایك مقدار خودخواهی روشنفکرانه ، اندیشمندانی میخواهند عقاید خودشان رابه‌طرف دیگر تحمیل‌کنند !!

ازاین مقدمات بایدچه نتیجه‌ای گرفت ؟ اینکه منشاءتمام بدبختی‌های بشری بویژه پیدایش جنگ، ایدئـولوژی است. «ام‌الفساد» این است . باید آنرابکناری گذاشت . ایـن‌ظاهر قضیه است. اما درپشت این ظاهر فریبنده حیله‌ای مکارانـه پنهان شده است . زیرااگر بپذیرفتیم که ایدئولوژی «ام‌الفساد» است، آنگاه باید ایدئولوژی طبقه‌کارگر، یعنی برنده‌ترین سلاح اورا نیز از دستش بگیریم . بایدخلع‌سلاحش کنیم .

یك افسرحرفه‌ای بهجراح فیلم‌میگوید که ازجنگ‌خوشش نمی‌آید ، ولی چون کاردیگری بلدنیست ، درارتش مـی‌جنگد . یعنی او به‌آدم‌کش به‌چشم یك«حرفه» نگاه‌میکند . مثل قصاب‌به ذبح گوسفندان. ازکار خود نه‌تنهالذت نمی‌بردبلکه خسته کننده‌هم هست . اماچه میشودکرد ، شغل‌شغل‌است ! آدم باید کارش‌راانجام دهد ، تایك لقمه‌نان بخورد . وسرانجام آقای پروفسور بـه‌ایـن نتیجه میرسدکه انسانها حتی برای عقیده‌هم نمـی‌جنگند . بلکه برای مردن می‌جنگند ! چرا! چون زندگی خیلی پوچ است ! و عشق‌باسمه‌ای.فیلم‌نیز باپایان نامنتظرش به‌اوحق میدهـد . نتیجه آنکه آدم اگرزنده نبود، نبود . جنگـ درحقیقت وسیلـه‌نجات اوست ازپوچی زندگی .

وحرف آخراینکه آلن‌دلون بت سینمای تجارتی فرانسه ، غیراز بازیگری‌دراین فیلم، تهیه‌کننده آن نیزهست، وبدیهی‌است که شهرت وثروت ایشان بیش‌ازسابقه واستعداد پیرگـ راینه دوفر کارگردان فیلم ، میتواند درجریان فیلم دخیل‌باشد !

تامین کار برای بیکاران از نخستین وظایف دولت انقلاب است

٤٠ ساعت کـار در هفته ، دستمزد مساوی در بـرابر کـار مساوی، شمول قانون کاربرکلیه کارگران، قدغن ساختن کار اطفال کمتر از ۱۵ سال، رعایت حقوق زنان کارگر و جوانان، بیمه بیکاری و بیمه-های اجتماعی ، تامین مسکن، بهداشت‌و آموزش رایگان از خواستهای مبرم رفاهی طبقه کارگر ایران است

مسئله مسکن

دو نظام اجتماعی، دو راه حل

جمعیت جهان بسرعت افزایش مییابد. شماره ساکنان کره زمین، که در آغاز سده بیستم ۱٫۶۵ میلیارد بود، اینك از ۴ میلیارد متجاوز است. سرعت افزایش سکنه شهرها از این نیز فزون‌تر است. این رقم در هشتاد سال گذشته از ۱٫۲۴ میلیون به ۱٫۶۵ میلیارد رسیده است.

شرایط اجتماعی شهرسازی و شهرنشینی از بسیاری جهات تابع سرشت نظام اجتماعی است. ما در زیر «مسئله مسکن» را در کشورهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی با یکدیگر مقایسه میکنیم:

امروزه «مسئله مسکن» یکی از مبرم‌ترین مسائل جوامع بورژوائی است. شاید بتوان گفت، که با تشدید تضادهای امپریالیسم، این مسئله برای زحمتکشان ابعادی فاجعه‌آمیز یافته است. علت عمده آنست، که در جهان سرمایه، خانه‌سازی نه بعنوان یکی از نخستین وظائف اجتماعی، بلکه تنها بمثابه وسیله‌ای برای سوداگری و سودجوئی تلقی میگردد.

از سوی دیگر، هدف جامعه سوسیالیستی بهروزی انسانهاست. از اینرو، در کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیستی و کارگری، که زمام امور را بعهده دارند، سیاست اجتماعی خود را بر پایه این اصل قرار داده‌اند، که پیروزیهای اقتصادی باید به بهبود شرایط زندگی زحمتکشان این کشورها بیانجامد. طبیعی است، که این اصل منجمله مسئله مسکن را دربرمیگیرد.

یکی از ویژگی‌های مسئله مسکن در کشورهای سرمایه‌داری، افزایش سرسام‌آور کرایه‌خانه است.

برای نمونه، در جمهوری فدرال آلمان، در ده سال گذشته، کرایه خانه بیش از دوبرابر شده است و اکنون در حدود یك سوم درآمد زحمتکشان را تشکیل میدهد. در ایالات متحده آمریکا، هر خانواده ۴۰ ـ ۳۵ درصد درآمد خود را برای کرایه‌خانه مصرف میکند. این رقم، همین چند سال پیش ۳۰ ـ ۲۵ بود. در ایتالیا، علیرغم «انجماد» رسمی کرایه‌خانه، کرایه‌خانه‌ها در سالهای ۷۷ ـ ۱۹۷۴ در حدود ۲۰ درصد افزایش یافت. بگزارش مطبوعات انگلستان کسی که درآمد هفتگی‌اش ۸۰ پوند استرلینگ، یعنی بمراتب بیشتر از درآمد یك کارگر صنعتی باشد، ۳۶٫۵۰ پوند آنرا را باید بابت کرایه‌خانه بپردازد. در ژاپن، یك خانواده سه‌تا چهار نفره، نیمی از درآمد خود را صرف اجاره یك آپارتمان کوچك دو اتاقه میکند.

درکشورهای سوسیالیستی، خانه‌هائی که دولت می‌سازد و به مردم کرایه میدهد، بسیار ارزانست. برای نمونه، در اتحاد جماهیر شوروی کرایه‌خانه، ۵ ـ ۴ درصد بودجه یك خانواده کارگر و یا کارمند را تشکیل میدهد و بیش از پنجاه سال است، که ثابت مانده است. در جمهوری دمکراتیك آلمان، هر خانواده به بطور میانگین در حدود ۴ درصد درآمد خود را برای کرایه خانه اختصاص میدهد. کرایه‌خانه نازل و ثابت، یکی از ویژگی‌های اکثر کشورهای سوسیالیستی است.

در سالهای گذشته، خانه‌سازی تعاونی نیز در بیشتر کشورهای سوسیالیستی توسعه یافته است. این گونه خانه‌ها را هم دولت میسازد، ولی بجای اجاره به مردم میفروشد. درست است که سهم پولی که مردم از درآمد خود برای خرید خانه‌های تعاونی اختصاص میدهند، بیشتر از خانه‌های دولتی است، ولی در اینمورد نیز دولت برای آنها امتیازاتی گوناگونی قائل میشود. برای نمونه، در چکسلواکی و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی، دولت خانه‌های تعاونی را باقساط ده ساله و با تخفیف چشمگیر به زنان و شوهران جوان میفروشد. در لهستان و مجارستان، اقساط نامبرده بترتیب ۶۰ و ۳۵ ساله است. اعضای تعاونی‌های ساختمانی، فزون براین، برای پولی که بابت عضویت و قسط میپردازند، میتوانند بشرایط فوق‌العاده مساعد از بانك و دولت اعتبار دریافت کنند.

همچنین باید یاد آور شد، که در برخی از کشورهای سوسیالیستی، مانند لهستان، بلغارستان، جمهوری دمکراتیك آلمان و چکسلواکی، میتوان بکمك دولت برای خود خانه ساخت.

درکشورهای سرمایه‌داری از یکصدها هزار تن از مردم، بویژه خانواده‌های پرشمار، زنان و شوهران جوان، بیکاران و کلانسالان در جستجوی خانه هستند و از سوی دیگر بسیاری از خانه‌های مسکونی ویران میشود. در جمهوری فدرال آلمان، سالانه ۱۴۰ هزار خانه خراب و تبدیل گشته است، که بیشتر به یك شهر بمباران شده میماند.

در کشورهای سوسیالیستی کوششهای فراوانی در راه نگهداری و نوسازی خانه‌ها بعمل می‌آید. در سالهای گذشته، دولتها مبالغ هنگفتی صرف مرمت، نوسازی و بازسازی ساختمانهای تاریخی و واحدهای مسکونی نه فقط در پایتختها نظیر برلین، مسکو، ورشو، بخارست، پراگ بلکه دیگر شهرهای کشورهای سوسیالیستی کرده‌اند.

در کشورهای سرمایه‌داری، مالکان اراضی و شرکت‌های ساختمانی از یکی از ابتدایی‌ترین حقوق مردم، یعنی **حق مسکن، برای مقاصد** سودجویانه خود سوء استفاده میکنند. در بریتانیا، در سال ۱۹۷۷، سود پنج بنگاه بزرگ ساختمانی، ۳۰ درصد بیشتر از ۱۹۷۶ بود.

در کشورهای سرمایه‌داری، براثر بحران‌های اقتصادی و افزایش مداوم هزینه‌های تسلیحاتی، بودجه‌ای که به مصارف ساختمانی تخصیص داده میشود، هرچه بیشتر محدودیت می‌یابد. برای نمونه، در بریتانیا، شماره واحدهای مسکونی، که در سال ۱۹۷۸ از منبع بودجه دولت، احداث گردید، به حداقل خود در ده سال پیش از آن تاریخ رسید. در بجای آنها واحدهای مسکونی احداث میگردد، که کرایه آنها بس هنگفت است. در لندن، از سال ۱۹۶۴، ۶۰ درصد خانه‌های اجاری، بویژه در محله‌های کارگری به این سرنوشت دچار شده‌اند.

در کشورهای سرمایه‌داری، صاحبان خانه‌ها، برای افزایش سود خود، اغلب به نگهداری از واحدهای مسکونی توجه نمی‌کنند و از مرمت و نوسازی آنها سرباز می‌زنند. در سال ۱۹۷۷، در شش منطقه لندن، در حدود یك سوم خانه‌ها شرائط حداقل سکونت را دارا نبودند. کاهش کمك هزینه‌های دولتی همواره به وخامت وضع می‌افزاید و بگفته مقامات رسمی، حتی به تبدیل برخی از محلات به زائله‌نشین‌ها می‌انجامد. در ایتالیا، ۱۵ میلیون خانه‌را، بویژه در محله‌های کارگری، خطر فروریختن تهدید میکند. بگفته انستیتو شهرسازی جمهوری فدرال آلمان، کیفیت واحدهای مسکونی آن کشور در ۲۰ سال گذشته بمراتب بدتر شده است. در ایالات متحده آمریکا، محلات بزرگ شهرهای چند میلیونی به خرابه مبدل گشته است. مثلا «برونکس جنوبی»، که یکی از محله‌های بسیار بزرگ نیویورك بشمار میرود، در ۲۰ سال اخیر، به زائله‌نشینی فرانسه، شماره خانه‌های نوساز از سال ۱۹۷۵ تاکنون، سالانه ۵ درصد کاهش می‌یابد. در ایتالیا، در هفت سال گذشته، شماره خانه‌های نوساز در سال بطور میانگین ۱۷۰۰۰۰ بود، در صورتیکه بموجب برآورد مطبوعات آن کشور، حداقل دوبرابر این رقم، خانه می‌باید ساخته میشد. در جمهوری فدرال آلمان قرار است که در سالهای آینده، سالانه تنها ۱۲۰ هزار باصطلاح «خانه اجتماعی» احداث گردد؛ این رقم یك چهارم پیکره مشابه برای سال ۱۹۷۶ است.

در کشورهای سوسیالیستی، از آنجا که **از بنگاه‌های ساختمانی خصوصی خبری نیست**، طبعا نمیتوان از ایراء به سودجویی مبادرت ورزید. دولت هم در این زمینه نه تنها سودی عایدش نمی‌شود، بلکه از دیدگاه صرفا «اقتصادی»، «متضرر» نیز می‌گردد. تسهیل روزافزون شرائط سکونت یکی از ویژگی‌های سیاست اقتصادی ـ اجتماعی کشورهای سوسیالیستی است. در سالهای ۷۷ـ۱۹۵۶، در کشورهای «شورای همیاری اقتصادی» بیش از ۶۳ میلیون خانه احداث شد. این رقم برای بلغارستان ۱٫۰۲۹٫۰۰۰، برای جمهوری دمکراتیك آلمان ۲٫۰۰۵٫۰۰۰، برای مغولستان ۱٫۰۰۰٫۰۰۰، برای لهستان ۴٫۰۰۴٫۰۰۰، برای رومانی ۲٫۹۵۹٫۰۰۰، برای اتحاد شوروی ۴۹٫۶۴۷٫۰۰۰، برای چکسلواکی ۶۱٫۰۰۰ م۲ و برای مجارستان ۵۱۹٫۰۰۰ را بود. بدین ترتیب، شرائط سکونت دوسوم جمعیت کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» بهبود یافت.

تنها در سال ۱۹۷۸ در بلغارستان ۶۶۵۰۰ و در مجارستان ۸۸۰۰۰ خانه نوساز احداث ودرجمهوری دمکراتیك آلمان ۱۶۰۰۰ واحد مسکونی ساخته و بازساخته شد. در همین سال، در اتحاد شوروی ۱٫۲ میلیون و در چکسلواکی ۱۲۸۰۰۰ خانه برای استفاده آماده گشت. امروزه، خانه‌هایی که در عرض کمی کمتر از یك ماه در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ساخته میشود، میتواند شهری نیم‌میلیون نفره پدیدآورد.

در کشورهای سرمایه‌داری، بعلت افزایش سرسام‌آور کرایه خانه، صدها هزار نفر نمی‌توانند در خانه‌ای عادی سکنی گزینند، بلکه به زائله‌ها و پناهگاه‌های همگانی روی می‌آورند. در جمهوری فدرال آلمان، نزدیك به ۶ میلیون نفر مجبورند که بچنین «خانه»هایی قانع باشند. بموجب برآورد مجله «پاربد»، در سال ۱۹۷۵، ۱۱٫۵ میلیون آمریکایی در اماکنی زندگی میکردند، که فاقد ساده‌ترین وابتدایی‌ترین شرائط سکونت بودند. در ایتالیا میلیونها نفر زائله‌نشین هستند (یك میلیون دروم، ۲۰۰۰۰۰ در ناپل، ۶۰۰۰۰ در پالرمو و ده‌ها هزار درمیلان، تورین و دیگر شهرها). در بریتانیا، ۳۰۰۰۰۰ نفر از هرگونه محل سکونتی بی‌بهره‌اند. اینان، اغلب خانواده‌های پرشمار، زحمتکشان کلانسال و بیمارانی هستند، که از پرداخت کرایه خانه‌های سنگین عاجزند. یکی از بزرگترین دشواری‌های بی‌خانمانها آنست که بدون داشتن محل سکونت ثابت، نمیتوانند کار ثابتی پیداکنند و بدون کارهم نمیشود پولی اندوخت و کرایه خانه پرداخت.

فزون براین، سالانه شرائط سکونت بخش بزرگی از زحمتکشان رنجبارتر می‌گردد. علت اینستکه، باافزایش کرایه خانه، ده‌ها هزار خانواده کارگری، خانه‌های کنونی خود را، که گران‌تر شده‌اند، ترك میکنند و به محلات فقیرنشین روی می‌آورند. برای نمونه، اکنون ۱۰ میلیون ایتالیایی در خانه‌هایی بس‌حقیر زندگی می‌کنند. در فرانسه در سال ۱۹۷۷، ۲۵ در صد مردم در خانه‌هایی بسر میبردند، که به‌هریك از آنها فقط ۴ متر مربع زمین اختصاص می‌یافت.

در کشورهای سرمایه‌داری، از یکصدها هزار نفر در جستجوی خانه هستند، واز سوی دیگر ده‌ها هزار **خانه خالی** نگهداشته میشود. برای نمونه، در سال ۱۹۷۷، ۱٫۷ میلیون خانه در فرانسه خالی بود. این رقم برای کشور جمهوری فدرال آلمان ۳۰۰٫۰۰۰، برای شهر رم ۸۰٫۰۰۰ و برای شهر لندن ۱۰۰٫۰۰۰ بود.

کشورهای سوسیالیستی مدعی نیستند که مسئله مسکن را هم‌اکنون کاملا حل کرده‌اند. اما، باید در نظر داشت، که این مسئله در دوران مادر این کشورها کیفیتی نویافته است. درحالیکه ۱۵ تا ۲۰ سال پیش، هدف فقط آن بود، که حداقل شرائط سکونت فراهم آید (در بسیاری از کشورهای سوسیالیستی، در جریان جنگ دوم جهانی، بخش بزرگی از واحدهای مسکونی ویران گشت)، امروزه مسئله بگونه‌ای دیگر مطرح است: در کشورهای سوسیالیستی از یکسو، مردم خواهان خانه‌های بزرگتر و بهتری شده‌اند وازسوی دیگر زنان و شوهران جوان مایلندتا جدا از والدین و مستقل زندگی کنند.

در کشورهای سوسیالیستی، شهرسازی نیز مانند دیگر گستره‌های اقتصادی ـ اجتماعی **طبق برنامه‌ریزی** دقیق انجام میگیرد. بدین ترتیب میتوان از اغلب پدیده‌های بیمارگونه خاص رشد خودرویی شهرهای جهان سرمایه‌داری جلوگیری کرد. در کشورهای سوسیالیستی سالهاست که از زائله‌نشینان خبری نیست واز آنجاکه مالکیت خصوصی بر موسسات ساختمانی وجود ندارد، نمیتواند جایی برای سوداگری و سودجویی موجود باشد. در این کشورها محلات به «اشرافی» و «کارگری» تقسیم نمی‌شود و اینکه کارگر، مدیر کارخانه، دانشمند و کارآموز و... در آپارتمانهای مختلف یك ساختمان بزرگ زندگی کنند، امری کاملا عادی است. در این کشورها بجای آنکه برای تنی چند «برگزیده» وبلاهای مجلل اشرافی احداث گردد، کوشش میشود تا اکثریت هرچه بیشتری از مردم از واحدهای مسکونی مناسب و راحت بهره‌مند باشند.

در کشورهای سوسیالیستی نیز معیارها و اولویتهایی چندبرای واگذاری خانه وجود دارد. برای نمونه، در جمهوری دمکراتیك آلمان، ۶۵ درصد خانه‌های نوساز به خانواده‌های کارگر واگذار میشوند. همچنین، خانواده‌های پرشمار و همسران جوان از اولویت خاص برخوردار میگردند. در بلغارستان، ۱۰ درصد خانه‌های «شورای توده‌ای» بزنان وشوهران جوان اختصاص داده میشود.

مسئله مسکن دودونظام اجتماعی سرمایه‌داری و سوسیالیستی بنحوی کاملا آشکار برتری نظام متعلق بزحمتکشان را نشان میدهد. تجربه ثابت میکند تاریشه‌های استثمار سرمایه‌داری برکنده نشود راه درست حل مسئله مسکن پیدا نخواهد شد. در جامعه رها از ستم وبهره‌کشی نیز توجه دائمی و برنامه‌ریزی علمی وهمکاری دائمی ارگانهای مسئول باتوده مردم در اشکال مختلف میتواند این مسئله حاد را بسوی حل معقول پیش برد.

در جهان سوسیالیسم

کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» همچنان به پیش می‌روند.

بموجب آماری که چندهفته پیش ازسوی دبیرخانه «شورای همیاری اقتصادی» در مسکو درباره رشد اقتصادی کشورهای عضو «شورا» درسالهای ۵۸ـ۱۳۵۰ منتشرشد، بخش اعظم رشد صنعتی این کشورها مرهون کاربست آخرین دستاوردهای علم وفن بوده است. درسالهای نامبرده، بازآوری کار در «شورای همیاری اقتصادی» ۵۶ درصد افزایش یافت. سه‌چهارم افزایش تولید صنعتی براثر افزایش بازآوری کار وتنها یك‌چهارم آن بعلت گسترش نیروی کار بوده است.

در سالهای ۵۸ـ۱۳۵۰، تولید نیرو درکشورهای عضو «شورا» ۶۷ درصد افزایش یافت ودرسال ۱۳۵۸ به ۱۶۵۴ میلیون کیلووات ساعت رسید. رشد تولید صنعتی شرایط مساعدتری را برای کشاورزان فراهم آورد. دراین مدت تولید کشاورزی ۱۸ درصد بالا رفت.

حجم بازرگانی خارجی کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» درسال ۱۳۵۸، ۱۹۶٫۰۰۰ میلیون روبل بوده که از ۹۸۳۰۰ میلیون روبل صادرات و ۹۷۲۰۰ میلیون روبل واردات تشکیل شد. در مقایسه با ۱۳۵۰، حجم بازرگانی خارجی ۳٫۴ برابر گردید.

دربازرگانی خارجی کشورهای عضو «شورا»، بازرگانی بین آنها هرچه بیشتر اهمیت کسب میکند. این رقم اکنون ۵۶٫۶ درصد کل بازرگانی خارجی این کشورها را تشکیل میدهد و با ۱۱۱۰۰۰ میلیون روبل درسال ۱۳۵۸، ۳٫۳ برابر پیکره ۱۳۵۰ است.

در جهان سرمایه‌داری

اخراج دسته جمعی کارگران، باتائید دولت، در پرتغال

به ۲۱۲ تن ازکارگران کارخانه «استاندارد الکتریکا»، از جمله ۲۰۰ کارگر زن، چندی پیش از سوی شعبهٔ کنسرن آمریکائی «آی. تی. تی»، در پرتغال، گفته شد، که دیگر به آنها «نیازی» نیست. باوجودآنکه درپرتغال اکنون، نیم میلیون کارگر بیکارند، اخراج این ۲۱۲ تن از آنجهت ویژگی یافت، که پس‌ازسرنگونی فاشیسم این بزرگترین اخراج دسته‌جمعی کارگران درپرتغال بود. باید یادآور شد، که طبق یکی ازقوانین دمکراتیك پرتغال، اخراج دسته‌جمعی کارگران ممنوع بوده وتنها درموارد استثنائی بااجازه دولت امکان پذیر است.

اماچنین حالت استثنایی درمورد «آی. تی. تی» وجود ندارد و سالهاست که کوشش این کنسرن برای اخراج کارگران بهانه «راسیونالیزاسیون»، باشکست روبرو شده است. از ۱۱ کابینه‌ای که تاآخرسال ۱۹۷۹ درپرتغال بسرکارآمد، تنها کابینه «وتانیتر» بود، که آمادگی خودرا برای موافقت باپیشنهاد های ضد کارگری «آی. تی. تی» ابراز کرد، امابیش ازآنکه این پیشنهادها وارد عمل شود، وازکون گشت.

ولی «چراغ سبز» دولت کنونی به‌همه کنسرن‌های بین‌المللی درپرتغال، که جداقل ۳۳تای آنها جزو صدکنسرن بزرگ آن بشمار میروند، به‌نوشته‌روزنامه «دیاریو دلیسبوا» بمنزلهٔ‌دعوتی‌است ازآنها برای گسترش خیل عظیم بیکاران.

ازسوی دیگر، کارگران «استاندارد الکتریکا» این دستبرد کارفرمایان رابحقوق دمکراتیك خود، بااعتصاب همگانی پاسخ گفته وبه دادگاه عالی اداری پرتغال شکایت برده‌اند.

در زرشك کوه هنوز روستائیان ازداشتن زمین محرومند

در زرشك کوه رامجرد ۳۰ خانوار زارع زندگی میکنند. این روستائیان زحمتکش از سالها قبل برای مالك ده کار میکردند وسهم بخور ونمیری میبردند. هیچ یك ازاین ۳۰ خانوار، بعداز انقلاب صاحب زمین نشده‌اند در صورتیکه از زحمتکش‌ترین مردم هستند وزمین حق آنها است. همچنین دراین ده ۴۰ خانوار خوش‌نشین هستند که بعداز انقلاب هر خانوار ۲ هکتار زمین در اختیار گرفته‌است.

مالك ده هم‌اکنون ۷۰ هکتار زمین زیر کشت گندم دارد که بوسیله روستائیان بی‌زمین کشت میشود و حاصل دسترنج آنها رامالك میبرد.

این روستائیان زحمتکش از مالك ده شکایت دارند، زیرا که مالك خود را صاحب ۷۰ هکتار زمین میداند ولی ۳۰ خانوار روستائی حتی یك هکتار هم زمین ندارند، اهالی این روستا ازمقامات مسئول انتظار دارندکه بخواست آنها رسیدگی شود تا بتوانند دوش بدوش سایر زحمتکشان در راه پیشرفت انقلاب قدم بردارند. تمام دهقانان زحمتکش این روستا با حفظ اتحاد باید خود را برای اجرای قانون واگذاری زمین به دهقانان تهیدست آماده کنند وبرای بهبودی شرایط زندگی وکارخود اقدامات ضروری راازمقامات مسئول خواستار شوند.

محصول متعلق به کسی است که آنرا میکارد

روستای طوج کوار در جنوب شیراز واقع است. مالك این ده تیمسار زندی یکی از سرسپردگان رژیم سابق بعداز پیروزی انقلاب به آمریکا فرار کرد. کارگران کشاورزی با زحمات شبانه روزی وبرای جلوگیری از بایر ماندن اراضی باامکانات موجود زمینهای زراعی را کشت کردند.

اکنون که فصل برداشت است، دختر این مالك بزرك فراری به دادگاه انقلاب اسلامی شکایت کرده و درخواست اجازه برداشت را از دادگاه کرده است!

کارگران کشاورزی از دادگاه انقلاب اسلامی انتظاردارند باصدور حکم بنفع کارگران زحمتکش دست مالکین غاصب رااز سر دهقانان زحمتکش کوتاه کنند.

اجرای فوری اصل قانون اساسی درمورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محتکران است

از آخرین انتشارات حزب توده ایران:

حماسه ۲۳ تیر

گوشه‌ای از مبارزات کارگران نفت خوزستان

گردآوری و مقدمه ف. م. جوانشیر

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد

حزب توده ایران وسیاست اتحاد ومبارزه

پرسش وپاسخ (۱۱)

نورالدین کیانوری

ك. مارکس، ف. انگلس

«مانیفست حزب کمونیست» ترجمه جدید

ازمحمد پورهرمزان

تجربهٔ ۲۸ مرداد

(نظری به تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران)

ف. م. جوانشیر

وضع طبقاتی جامعه ایران وگروههای سیاسی

پرسش وپاسخ ۱۰

نورالدین کیانوری

توجه!

واژنامه سیاسی ـ اجتماعی که اخیرا نایاب شده بود توسط انتشارات حزب توده ایران تجدید چاپ شد.

چاپ پنجم این واژه‌نامه شامل معانی ۱۱۰ واژه در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی است

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

یکشنبه‌ها: نامه «مردم» بزبان کردی

هموطنان کرد مقیم تهران میتوانند نامه «مردم» بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کیوسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

دست‌واسطه‌ها ومحتکران‌وسفته‌بازان و عوامل‌سودجو از تسلط براقتصاد، مالیه و بازار کشور باید کوتاه گردد

روش‌ستادپاکسازی

بقیه از صفحه ۱

وبشدت نادرست است که‌زیانهای جبران ناپذیر بدنبال خواهد داشت.

طبق اطلاعات کاملا موثقی که بمارسیده‌است، عوامل ضدانقلاب، خودرا برای یك توطئه خطرناك وگسترده در سطح شهر تهران آماده می‌کنند. آنها با بهره‌گیری ازتصمیم ناپجای‌ستاد پاکسازی‌وبا استفاده از نارضائی دهها‌هزار دستفروش و دکه‌دار تهران‌که باخطر بیکاری‌مواجه‌اند نیروهای‌خودرا برای‌یك‌درگیری وتشنج گسترده تدارك می‌بینند.

عوامل ضدانقلاب قصددارند تا ازیکطرف‌ازطریق‌تحریك دکه‌داران ودستفروشان به مقاومت‌و ازطرف دیگر بابسیج گروههای چماقدار زیرپوشش «حمایت از پاکسازی شهرتهران»، تهران را به‌آشوب ودرگیری‌بکشانند.

ما به مسئولین امربویژه ارگانهای متشکله ستادپاکسازی تهران نسبت به‌عواقب این‌تصمیم خطرناك هشدار میدهیم. ما امیدواریم که مسئولین جمهوری اسلامی ایران‌با تعمق روی موقعیت فوق‌العاده‌حساس فعلی انقلاب ایران وباتعمق بر روی عواقب شومی که می‌تواند از یك تشنج گسترده نصیب‌انقلاب شود، این تصمیم‌رالغو کنند.

ماعصرانه پیروی این امر تاکیددارئیم، بنظر ما می‌توان پاکسازی شهرتهران‌رااز‌عواملی که معابر را سد وخیابانها را ناز‌یبا می‌کنند، در درازمدت و بطور تدریجی، با ایجاد مناطق خاص برای متمرکز ساختن دستفروشیهای‌مجاز، عملی‌ساخت درآنصورت نه‌بر‌مشکل بیکاری که ازدشواریهای‌بزرگ‌انقلاب‌ما واززمینه های‌مساعد سوءاستفادهٔ ضدانقلاب است، افزوده خواهد شدونه ضدانقلاب امکان سوء استفاده وایجادتشنج راخواهد یافت.

«مائوئیست‌ها» در راهپیمائی دکه‌داران چه می‌کردند؟

□ مائوئیست‌های شناخته شده دانشگاه‌هاازجمله مائوئیست‌های‌دانشگاه صنعتی به‌میان دکه‌داران رفتند وعلیه جمهوری شعار دادند.

دیروز صبح، مائوئیستها به‌نام دفاع ازدکه‌داران دست به‌راه‌پیمائی زدند ودر اعلامیه‌هایی‌که به‌نام آنان صادر وپخش کردند، رژیم‌جمهوری اسلامی ایران‌را عامل سرمایه‌داران معرفی‌کردند!!

از چندروز پیش بدنبال اعلام تصمیم شهرداری‌مبنی‌بر‌برچیدن‌کلبه‌دکه‌های‌کنار خیابانها، اعلام‌شدکه دکه داران دست‌فروشان‌تصمیم دارندکه‌صبح روزچهارشنبه بطرف‌نخست‌وزیری‌به‌راه‌پیمائی بپردازند.

خبرنگار نامه«مردم» که‌صبح این‌روزبه محل رفته‌بودتا ازخواست‌های‌دکه‌داران‌گزارشی تهیه‌کند ناگهان‌خودرا بادهها‌تن ازمائوئیستها وهمدستانشان مواجه دید. چهره‌های آشنایی‌که تادیروز درسنگر(۱۱) دیگری به مبارزه علیه انقلاب‌مشغول‌بودند دیروز به‌ایفای نقش‌تازه‌ای مبادرت‌می‌کردند و... تازه‌ای علیه انقلاب می‌جستند.

خبرنگار «نامه‌مردم» می‌نویسد: «ازساعت ۹ صبح جمعی ازدکه‌داران دورهم جمع‌شدند و راجع‌به تصمیم راه‌پیمائی به‌مشورت پرداختند. چندتن ازآنها به‌اعلامیه‌ای‌که ازطرف گروهی ناشناس به‌نام آن‌ها صادرشده بود معترض‌بودند ومی‌گفتند که دراین اعلامیه نوشته شده‌که «ما آمادگی درگیری راهم داریم» آنها سئوال می‌کردندکه درگیری‌باکه‌را؟ مگرما ضدانقلاب هستیم؟!... یکی‌ازدکه‌داران‌پیشنهادکردکه‌بجای راه‌پیمائی وتظاهرات‌درخیابانها، که‌ممکن‌است به‌ایجاد درگیری و تشنج بینجامد، بهتراست که‌با انتخاب چندنماینده وفرستادن آنها به‌نزد مقامات مسئول، مشکل ماپیگیری شود...عده‌ای ازدکه‌داران بااین خواست موافقت کردند وبا شعار «الله‌اکبر، خمینی رهبر» برای جمع‌کردن دکه‌داران وانتخاب نماینده‌های خود به‌آرامی درپیاده‌روی خیابان مصدق به‌راه افتادند».

مائوئیستها به‌راه‌می‌افتند!

خبرنگار نامه«مردم» اضافه‌می‌کند«گروهی از مائوئیستها که تادیروز درد‌انشگاه‌ها واز جمله دانشگاه صنعتی‌شریف به‌ایجاد نفاق‌وتفرقه درمیان صفوف‌متحد دانشجویان اقدام‌می‌کردند، از اوایل صبح دراطراف خیابان مصدق‌ومیدان ولی‌عصر جمع‌شده بودند، بادیدن این‌راه‌پیمائی ازطرفی باعجله خود راداخل صفوف‌دکه داران کردند واز طرف‌دیگر شروع به‌پخش اعلامیه‌ها وتراکتهای خود در سطح پیاده‌روها وخیابان نمودند، شعار «خمینی رهبر» دکه‌داران ناگهان درغریو فریاد مائوئیستها و دوستان چریك اقلیتشان «تاخون درزك ماست، دکه‌ها متکر ماست» گم‌شد ومائوئیستها میکوشیدند ابتکار عمل را بدست‌گیرند، اعلامیه‌های ضد انقلاب درخیابان پخش می‌شدند. امضاءها مختلف‌بود: رزمندگان، پیکار،... رنجبران و...ولی‌چهره‌ها مشخص‌وهدف‌یگانه. این‌افراد درطول‌راه‌دست‌فروشان وحتی بعضی ازمغازه‌ها راتشویق به تعطیلی‌کسب وشرکت‌در تظاهرات‌می‌کردند...»

ترکیب صف!

خبرنگارنامه«مردم» که‌تاجلوی‌نخست‌وزیری صف تظاهرات را دنبال کرده است می‌نویسد: «ترکیب‌صف تظاهرکننده جدا از آنعده دکه‌داران صادق‌وزحمتکش که‌در آن‌شرکت‌داشتند، ازمائوئیستهائی به‌نام دکه‌داران شعارهای تندو انقلابی ماآبانه می‌دادند تشکیل می‌شد.

وقتی صف‌به نخست‌وزیری رسیدقطعنامه‌ای قرائت‌شدکه تاحدود زیادی شباهت به همان اعلامیه‌های گذایی‌داشت‌که قبلا درمیان‌جمعیت پخش‌شده بود.

در این متن، رژیم جمهوری‌اسلامی ایران ورهبران آن عاملان سرمایه‌داران نامیده شده واز همانها خواسته شده‌بودکه‌به‌خواستهای‌دکه‌داران وزحمتکشان پاسخ مثبت دهند(۱۱) سپس اعلام تحصن شد وخواستهای تند و ماورای انقلابی مرتباً تکرارگردید.

مادرهمین‌شماره روزنامه‌موضع‌صریح‌وقاطع خودرا درقبال مسئله دست‌فروشان و دکه‌داران دردفاع ازخواست‌های برحق‌آن‌ها به‌روشنی‌بیان کرده‌ایم وذکرنکات بالا تنها برای‌آشنایی بیشتر بافعالیت ضدانقلابی وگروهکهای مائوئیستی‌و نقش‌آن‌ها برای‌به آشوب‌کشیدن جوکشور،بود آمریکا بود.»

افشای توطئه‌ها ومداخلات «سیا»ی آمریکا در کانادا

دخالت بیشرمانه سازمان سیا در کشورهای مختلف کماکان افشا میشود. اتحادیه آزادی‌های مدنی کانادااعلام کردبموجب اطلاعاتی معتبر که‌بدست آورده‌است‌سازمان‌های جاسوسی‌آمریکا شخصیت‌های سیاسی، سازمانهای اجتماعی و احزاب سیاسی و حتی وزیران دولتی‌کانادا را زیرنظردارند و تمام فعالیت آنهارا کنترل می‌کنند اتحادیه آزادی‌های‌مدنی کانادا خواستار رسیدگی فوری به‌این فعالیت‌ها شده است.

غارت منابع طبیعی نامی‌بیا از جانب انحصارات غربی

در مقر سازمان ملل مباحثات دربارهٔ غارت سریع و بیشرمانه‌منابع‌معدنی نامی‌بیا از طرف‌شرکتهای آفریقای جنوبی ودول غربی آغاز شده است. نماینده ناظر سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سوایو) اظهارداشت شرکت‌های آفریقای جنوبی، انگلیسی، آمریکایی، آلمانی و فرانسوی و غیره در ماههای اخیر بگونه‌ای‌بیسابقه‌تاراج‌منابع معدنی بویژه اورانیوم نامی‌بیا را افزایش داده وبدین ترتیب میخواهند خلق نامی‌بیا را از ثروتهای طبیعی خود محروم‌سازند. نماینده سوایو دارديگر تاکید کرد رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی تنها باحمایت‌غرب است که به‌اشغال غیرقانونی نامی‌بیا ادامه می‌دهد.

از سوی دیگر موج تظاهرات دانش آموزی‌وکارگری باردیگر آفریقای جنوبی راازاگرفته است. گزارش می‌رسد دهها هزار دانش‌آموز سیاه‌و دورگه بعنوان اعتراض به تبعیض نژادی در آموزش کشور کلاسهارا تحریم کرده‌اند.

رویدادهای جهان

اوجگیری مبارزه خلقهای آمریکای مرکزی‌علیه‌امپریالیسم آمریکا

دبیر کل حزب خلق پاناما خواستار همبستگی بیشتر مردم جهان با مبارزه خلقهای آمریکای مرکزی علیه امپریالیسم شد. وی گفت مبارزه در این منطقه بتدریج اوج‌می‌گیرد و درپی انقلاب نیکاراگوئه که به‌سرنگون شدن رژیم سوموزا منجر شد مبارزه خلق السالوادور علیه امپریالیسم گسترش‌می‌یابد. دبیر کل حزب خلق پاناما تاکید کردامپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی بیشرمانه مداخله میکند و قوبا رژیم‌های ضدخلقی وارتجاعی منطقه را مورد حمایت قرار میدهد.

تشدید تدارکات جنگی پکن در مرزهای ویتنام

وزیر خارجه ویتنام اعلام کرد دارودسته حاکم بر پکن ضمن افزایش تشنج در مرز مشترك چین و ویتنام سه‌لشکر دیگر در مرز مستقر کرده‌اند. وزیر خارجه ویتنام اضافه کرد این اقدام پکن می‌تواند تشنج رادر مرزمشترك بگونه‌ای بیسابقه افزایش‌دهد.

چین درماه گذشته به‌بیش از دویست موردا‌قدام مسلحانه علیه ویتنام مبادرت کرد. در این‌ماه‌توپخانه چینی نیزبارها به حریم هوائی ویتنام تجاوز کردند.

مصر عملا به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل میشود

در ادامه گسترش نفوذ نظامی آمریکا درمصر، دو ناوشکن موشك‌انداز متعلق به‌ناوگان ششم آمریکا در مدیترانه وارد بندر اسکندریه شدند. ورود این دو ناوشکن به مصر درحالی‌صورت میگیرد که قرار است ظرف چند روز آینده مانورهای نظامی مشترك آمریکاو مصر آغاز شود. بدین ترتیب رژیم‌دست‌نشانده سادات هرچه بیشتر سرزمین مصر را به‌پایگاه تجاوزی امپریالیسم آمریکا تبدیل میکند.

گسترش همکاریهای اقتصادی اتحاد شوروی و ویتنام

بموجب توافقی که میان اتحاد شوروی وجمهوری سوسیالیستی ویتنام حاصل شد اتحادشوروی به‌ویتنام در استخراج نفت فلات قاره جنوبی این کشورکمك خواهد کرد. بزودی عملیات اکتشافی با کمك‌کارشناسان اتحاد شوروی آغاز خواهد شد. جمهوری سوسیالیستی ویتنام با آغاز بهره‌برداری از این منابع، میتواند واردات نفتی خود را کاهش دهد.

دیدار وزیر امور خارجه چکسلواکی از کابل

وزیر امور خارجه چکسلواکی که‌برای مذاکره بارهبران افغانستان‌وارد کابل شده است گفتگوهای خود را با شاه محمددوست وزیر خارجه این کشور آغاز کرد. وزیر خارجه چکسلواکی از پیشنهادهای جمهوری دموکراتیك افغانستان در مورد حل وفصل مسائلی که در اطراف افغانستان بوجود آمده است‌و رفع اختلافات باهمسایگان حمایت کرد.

کارخانه سیمان شیراز و کارگران پیمانی

□ کارگران پیمانی بامبارزه خود به کارگر رسمی تبدیل شدند

□ عوامل رژیم سابق هنوز تصفیه نشده‌اند

□ کارخانه باتمام ظرفیت خودکار نمی‌کند

درکارخانه سیمان شیراز، حدود ۹۰۰ نفر کارگر کارمیکنند. ازاین تعداد ۵۰ نفر پیمانی (غیررسمی) وبقیه رسمی هستند.

این کارخانه دراختیار دولت‌است. کارگران پیمانی‌درزمان طاغوت دروضع اسف‌باری زندگی می‌کردند، ازآنان حق بیمه و مالیات‌کسر میشده است ولی درعین‌حال بیمه نبودند.

به‌دنبال پیروزی انقلاب این کارگران چندین‌بار به مقامات مسئول شکایت‌کردند، تاسرانجام به‌عنوان‌کارگررسمی‌استخدام‌شدند. درمیان این‌کارگران هستندکسانی‌که ۶ سال سابقه خدمت دارند. ولی این مدت‌زمان درموقع رسمی‌شدن به ۶ الی ۷ماه تنزل داده میشود. دراین‌کارخانه شورای‌کارگری نیز وجود دارد. این شورا اخیراً تشکیل شده است. شورای‌کارگری قبلی‌فعال‌نبودوکارگران شورای انتخابی دیگری تشکیل‌دادند.

کارگران‌این‌کارخانه‌یکی‌ازعوامل‌رژیم‌سابق‌را به‌همت‌خودشان ازکارخانه اخراج‌کردند. ولی‌کسان دیگری‌که بافردمزبورهمدست هستند به‌فعالیت‌خرابکارانه خود ازجمله به‌خواباندن یکی‌ازکوره‌ها ادامه دادند.

درحال‌حاضر این‌کارخانه باتمام ظرفیت خودکار نمی‌کند و درنتیجه سیمان درشهر کمیاب است. خاموش ماندن یکی ازکوره‌ها ضرر زیادی‌را به‌محصول‌کارخانه می‌زند وآجرهای ترك‌خورده رااز بین می‌برد. این‌آجرهای مخصوص از خارج واردمیشود وهریك بیش از ۱۰۰ ریال‌تمام میشود.

پیش از انقلاب تعدادی خانه‌های مسکونی سازمانی توسط این‌کارخانه بدون هیچ‌گونه ضابطه‌ای دراختیار کارکنان کارخانه گذاشته می‌شد.

درحال‌حاضر، کارخانه درحدود ۶۰ خانه مسکونی جهت کارگران در خارج شهر ساخته است. فاصله این خانه‌ها ازکارخانه زیاد است وبااین‌وجود هنوز دراختیارکارگران قرارنگرفته است.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب دمکرات...

بقیه از صفحه ۱

ما چه‌میگوئیم؟ ما اظهار میداریم‌که نمی‌خواهیم ونمی‌گذاریم‌خلق مامورد‌معامله قرار گیرد،مامیگوییم اجازه نمیدهیم کردستان ما نیزمانند کردستان «عراق»به‌فاجعه کشانده شود. ما اجازه نمیدهیم کردستان ما به‌پایگاه حزب ناشیست بعث عراق وامپریالیزم امریکاو ایادیش‌تبدیل گردد. مانمیخواهیم شهرهای دیگر کردستان به‌سرنوشت شهرهای «سنندج و سقز و بانه» دچار گردند، ویران ومردمش آواره‌شوند. ما جدا احساس خطر کرده‌ایم که‌عوامل‌شاه ـ بختیار، می‌خواهند کردستان را به‌پایگاه ضدخلقی تبدیل کنندوبوسیله نیروهای مسلحی‌که‌در نوار مرزی عراق متمرکزکرده‌اند، در نظردارند در این خطه «دولت آزاد ایران» تشکیل دهند وکردستان را بمیدان جنگ خود و دولت‌مرکزی تبدیل نمایند. اگر اینهادر اجرای نقشه‌های شیطانی خود موفق شوند، انقلاب ایران وخلق‌مادر خطرخواهد افتاد، روستاهاوشهرهای ما ویران خواهدشدومردم ما دچارمصیب بزرگی‌خواهند شد.

آیا ما حق‌نداریم این توطئه‌ها رابرای‌مردم افشاکنیم ؟ آیاما حق نداریم به‌مردم خود هشداردهیم که مردم هشیار باشید شما را به‌معامله نگذارندوبه‌سرنوشت کردستان عراق دچار ننمایند ! این‌وظیفه ملی و تاریخی ما است ومی‌خواستیم همین مطالب را دیروز بمردم بگوئیم ولی مانع آن‌شدند، تاازرسوا شدن بیشتر خودجلوگیری‌نمایند، برای‌اینکه باز هم بتوانند باعوام‌فریبی‌مردم را مثل همیشه فریب‌دهند، غافل از اینکه مردم ما امروز هشیارند و بادگی گول نخواهند خوردوبخاطر جلوگیری از این افشاگریهاست که در بانه و بوکان برادران معلم‌ما وجوانان صدیق ما!! دستگیروبزندان روانه می‌کنندتاصدای آنهاراخفه نمایند.

در بوکان رفیق ما «مهندس فاروق کیخسروی» عضو کمیته مرکزی و «محمد ماجدی» عضو کمیته سقز رادستگیروبه نقطه‌نامعلوم اعزام نموده‌اند، ماابن روش‌دورازمنطق ودمکراسی‌راکه‌برخلاف مشی اصولی حزب‌ماست محکوم‌میکنیم و هشدارمیدهیم درصورتیکه خطری جان «مهندس فاروق کیخسروی» را تهدیدکند مسلمابی‌جواب نخواهیم گذاشت. از مردم شرافتمند کردستان ازهمه سازمانهای سیاسی‌ومترقی کشور می‌خواهیم دربرابر این اعمال زشت وغیرانسانی واین روش دیکتاتوری موضعگیری نمایند و نگذارند کردستان بمیدان توطئه چینی وامعال‌ناشیستی تبدیل شود. مامی‌خواهیم به‌همه سازمانهای مترقی کشوروهمه‌جهان صدای اعتراض خودرا نسبت به‌بازداشت‌و خطری که جان «مهندس فاروق کیخسروی» و «محمد ماجدی» رانهدید میکند اعلام کرده واین‌اعمال وحشیانه راسحکوم نمایند.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم)

حکومت عربستان سعودی...

زودبندهای تازه مانند کمپ‌دیوید آماده می‌کنند. واگر آشکارا وباشتاب درمنجلاب تغلطیده‌اند فقط‌از ترس‌ملت‌هاست. رژیم عربستان سعودی مانند دیگر رژیمهای دست‌نشانده وضدخلقی این منطقه همان راهی راکه انورسادات پیموده طی می‌کند وکوشش زمامداراتش تنها درسمت جستجوی راههای مناسب برای تامین منافع امپریالیسم آمریکا واسرائیل‌است.

بدنبال اظهارات کارتر رئیس جمهورآمریکادر مورد اینکه آمریکا باشرکت‌نمایندگان سازمان‌آزادی بخش فلسطین درهیچ مذاکره‌ای مربوط‌به‌صلح‌خاور ـ میانه موافقت‌نخواهدکرد، شاه‌زاده‌فهد ولیعهدعربستان سعودی دریك مصاحبه مطبوعاتی گفته است‌بسایستی فلسطینیها خودمختاری بدست آورند ومسئله تاسیس یك‌کشور فلسطینی اساساً مطرح نیست. درپی همین مصاحبه که‌بمذاق اسرائیل وانورسادات بسیارخوش آمده است اسحق شاپیر وزیرخارجه اسرائیل‌گفت ما آماده‌ایم براساس قطعنامه شماره ۳۴۲ شورای امنیت باعربستان سعودی واردمذاکره شویم.

روزنامه الخلیج چاپ ابوظبی در رابطه با مصاحبه الفهد ازقول منابع موثق آمریکائی‌نوشت:

«برای مسئولین کاخ‌سفید و وزارت خارجه آمریکا اظهارات الفهد غیرمنتظره نبود. آمریکائیهااز طرحهای عربستان باخبر بودند ودولت کارترسعی‌نمود که‌پیشنهادات عربستان درشرایط مناسب ارائه‌شود.» بدین ترتیب اظهارات الفهد باهماهنگی دولت‌کارتر صورت‌گرفته است این‌منابع یادآور شدندکه آمریکا اهمیت نقش عربستان رادرك می‌کند.

روزنامه «صوت‌الشعب» به‌استناد منابع موثق درریاض‌گزارش داد وزیرتبلیغات عربستان سعودی در اوائل خرداد باروزنامه‌نگاران وکلیه‌مسئولان‌رسانه‌های‌گروهی‌کشورکنفرانسی تشکیل‌داد.ازجمله مسائلی که دراین‌کنفرانس مطرح گردید، مسئله خودداری از حمله به‌رژیم سادات درمصر وقراردادهای کمپ‌دیوید بود.طبق اطلاعات بدست‌آمده از همان‌منابع‌چندی‌پیش شاه‌زاده الفهد ولیعهد عربستان سعودی باانورسادات رئیس‌جمهور مصر، وجعفرنمیری رئیس جمهور سودان درپایگاه نیروی هوائی‌مصر در سودان (وادی‌سیدنا) ملاقات وگفتگوهای محرمانه‌ای داشته‌اند.

این‌منابع همچنین خاطرنشان میکنندکه رژیم عربستان سعودی سعی دارد از نیروهای امنیتی مصر استفاده‌کند، زیرا پس‌ازکنفرانس سران‌عرب دربغداد وقطع همه‌گونه روابط بارژیم مصر به‌امنیت خانواده سعود ودولت کنونی عربستان لطمه بزرگی وارد آمده ورژیم عربستان سعودی باقیام توده‌های زحمتکش‌مردم روبروگردیده است. به‌چنین‌کشوری است‌که ضیاءالحق و آقاشاهی مسافرت میکنند و عقد اخوت مستحکمتر میکنند.

همکاریهای گسترده سازمان امنیت عربستان سعودی با سازمانهای امنیتی رژیم سادات درمصر،رژیم بعث‌عراق،رژیم‌سودان‌که‌همه‌باهمکاریهای‌نزدیك ودستور سازمان جاسوسی آمریکا «سیا» در منطقه عمل میکنند بارزترین دلیل‌وحدت‌رژیمهای ارتجاعی‌علیه‌کشورهای مستقل ملی وجنبش‌های رهائی‌بخش خلقها وقبل‌ازهمه علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیك افغانستان میباشد.اعتبارات مالی،حرکتها و جنبش‌های بااصطلاح «اسلامی» افغانستان‌که در اردوگاههای افغانی در پاکستان زیرنظر مستشاران نظامی وجاسوسان حرفای آمریکا وچین و پاکستان آموزش خرابکاری وعملیات تروریستی می‌بینند، از جانب عربستان سعودی تأمین میشود. باچنین‌همدستی آشکارا ضدانقلابی است که متأسفانه برخی مسئولان وزارت خارجه ایران همصدا میشوند.

بطوریکه درمطبوعات‌کشورهای عربی‌گزارش شده‌است اخیراً میان عربستان سعودی ومصر وعراق قرارداد محرمانه سه‌جانبه‌ای منعقد گردیده ودر این قرارداد موافقت‌نامه‌های کمپ‌دیوید بعنوان زیربنای مذاکرات صلح بین اعراب و اسرائیل پذیرفته شده است.

روزنامه السفیرچاپ‌بیروت درشماره۱۸خرداد خود به‌استناد‌گزارشهای اختصاصی‌ازقاهره نوشت،مصر وعربستان‌سعودی ازچندی‌پیش تماسهائی در راه تجدید روابط خود برقرارکرده‌اند. در همین‌گزارشها آمده است‌که انورسادات درپیامی‌که برای‌رهبران عربستان سعودی فرستاده ازآنها خواسته است‌که‌برای پیروزی کارتر درانتخابات آینده رئیس‌جمهوری‌آمریکاکوشش‌هائی بعمل آورند. روزنامه السفیر به‌استناد اظهارات یك‌مقام بلندپایه مصری می‌نویسد: درنتیجهٔ تماسهائی که میان رژیم سادات، رهبران عربستان سعودی‌ورژیم بعثی عراق برقرار گردید این سه رژیم وابسته به امپریالیسم آمریکا، برای رویاروئی باانقلاب اسلامی ایران **یك‌پیمان سه‌جانبه اعلام نشده‌ای** بسته شده است. ضیاءالحق و وزیر خارجه‌اش آقاشاهی به چنین کشوری میرودکه باچنان‌رشته‌هائی به‌مصر وعراق‌بعثی وبه‌آمریکا وابسته است. ماچرا باید این حقایق آشکار را نبینیم؟

در فراخوانی اجلاس‌های کنفرانس‌کشورهای اسلامی جهت بررسی مسئله‌افغانستان، عربستان‌سعودی بزرگترین نقش وابتکار را داشته ودرست در زمانیکه تدارکات جنگی وتهدیدهای نظامی امپریالیسم آمریکا شدت‌می‌یافت عربستان سعودی ودیگررژیمهای‌ارتجاعی منطقه مسئله‌کمکهای نظامی شوروی به جمهوری دمکراتیك افغانستان راکه طبق تقاضای دولت‌قانونی آنکشور انجام گرفته، به‌عنوان تجاوز نظامی شوروی به‌افغانستان وخطرات ناشی از آن برای‌کشورهای اسلامی منطقه مطرح نموده و بدین وسیله عملیات تجاوزی امپریالیسم آمریکا **علیه جمهوری اسلامی ایران و صلح وامنیت خلقهای این منطقه** استار میکردند.

عربستان سعودی، رژیم سادات، رژیم سلطان قابوس درعمان ورژیم ضیاءالحق درپاکستان، درتجاوز نظامی نسافرجام امپریالیسم آمریکا علیه ایران در ماجرای طبس، شرکت داشتند وبرای اجرای‌این‌طرح امکانات خودرادراختیار دولت‌کارتر قراردادند. باتوجه به‌این‌واقعیات وماهیت‌شناخته‌شده رژیم‌عربستان‌سعودی کوچکترین تردیدی نمیتوان داشت‌که این رژیم ضدخلقی، ارتجاعی وکاملا وابسته به‌امپریالیسم‌آمریکاست و سراسر فعالیت آن در راه منافع این امپریالیسم جهانخوار و حفظ وحراست مواضع اقتصادی سیاسی و نظامی‌آن درمنطقه وبزیان منافع خلقها وکشورهای مستقل ملی‌دراین منطقه‌است. همکاری رژیم‌دست‌نشانده ضیاءالحق بارژیم عربستان سعودی بدیهی و قابل درك است، جزئی‌است ازیك توطئه عظیم برهبری ایالات متحده‌آمریکا. آنچه قابل‌درك وبدیهی نیست‌پیوندهائی است‌که بدون درنظر گرفتن نقش رژیم ضیاءالحق و روابطش با عربستان سعودی، برخی ازگردانندگان دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باحکومت پاکستان برقرارکردند ودرواقع رهنمودهای آقاشاهی را عملی میکنند.

برزمینه این واقعیات حقائق شگفت‌انگیز می‌نمایدکه مشی فعالیت مقامات رسمی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در سمت‌یافتن نقاط تماس هرچه‌بیشتر بارژیمهائی ازقبیل حکومت‌پاکستان باشد. چنین خطمشی وفعالیتهائی بامحتوا وماهیت ضدامپریالیستی انقلاب ایران و بارهنمودهای صریح رهبر انقلاب درمورد مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا تناقض آشکار وجدی دارند.

خوانندگان گرامی میتوانند درخارج‌ازکشور به آدرس های زیر یا «نامه‌مردم» مکاتبه کنند

بلژیك
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles

فرانسه
Rixal Albert
BP 75156
75001 Pis
France

انگلستان
P O. BoX 141
London. E7 OPE

ایتالیا
Pci,Shams
Via G Vincon, 46
Ostia (Roma)
Tel 6614922 (TUDEH)

سوئد
Box 27230
10253 Stockholm

www.iran-archive.com

بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران

پیام شادباش جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی !

رهبری کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین ، شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران را بهشما و همه اعضای حزب مبارز توده ایران شادباش میگوید.

اکنون، انقلابیون فلسطین علیه اشغالگران صهیونیست و پشتیبان آنها، امپریالیسم آمریکا،وبرای آزادی کامل دررزمند. ما بدینوسیله، بار دیگر خواست خود را برای تعمیق همبستگی بین دو سازمان، بسود مبارزه دو خلق ایران و فلسطین علیه امپریالیسم ،دشمن مشترکمان ، تکرار میکنیم.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین برای پیکار حزب توده ایران علیه امپریالیسم و نظام دیکتاتوری شاه ارج فراوان قائل است. مابار دیگر اطمینان میدهیم که همواره از هدفهای مترقی و ملی انقلاب پیروزایران و گسترش دستاوردهای دمکراتیك آن بسود آزادی، پیشرفت و صلح عادلانه پشتیبانی خواهیم کرد.

رهبری کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین

بیانیه سازمان دانشجویان دمکرات ایران ـ پاریس:

به حمایت دولت فرانسه از ضدانقلاب ایران شدیداً اعتراض می کنیم

ازسوی سازمان دانشجویان دمکرات ایران در فرانسه ـ پاریس اخیراً بیانیه‌ای دررابطه بافعالیت های مخربی که در فرانسه علیه انقلاب ایران وحمایت عملی مقامات فرانسوی از شاهپوربختیار عامل امپریالیسم امریکا انجام میشود انتشار یافت دراین بیانیه آمده‌است:

«درجریان تشکیل کنفرانس‌بررسی مداخلات آمریکا در ایران که نمایندگان‌بیش‌از ۵۰ کشور جهان درآن شرکت‌کردند، وسائل ارتباط جمعی‌فرانسه نه‌تنها درانعکاس جلسات این کنفرانس سکوت‌کردند بلکه ناگهان شبکه ۲ تلویزیون فرانسه در اخبار پخش‌ظهر خود (۶ژوئن ۱۹۸۰) به‌منظور به اصطلاح ارزیابی وضعیت ایران وجریان کنفرانس به‌مدت ده‌دقیقه باشاهپوربختیار مصاحبه‌کرد ونظراین عنصرکثیف وخائن را دراین‌موردجویاشد. این درحالی است که همین‌شبکه تلویزیونی در رابطه بابررسی حمله‌نظامی امریکا فقط باشمصاحبه یك دقیقه‌ای باآقای امیرعلائی سفیرجمهوری اسلامی ایران درفرانسه به‌عمل آورده‌بود .

درطی مصاحبه‌تلویزیونی شبکه ۲ تلویزیون فرانسه با بختیار سعی‌میشدچنین وانمود گردد که‌وی یك شخصیت خلقی و بانفوذ درایران است ! ودرعوض‌جمهوری‌اسلامی‌غیرقانونی وضد خلقی است(!) بختیار این مزدور بی‌اختیار بالحن وقیحی‌که فقط درخور نوکران است‌گفت که ازموقعیت بنیادگی سیاسی خوددر فرانسه طبق‌قوانین استفاده خواهدکرد .

درهمین رابطه «ریمون‌بار» نخست‌وزیر فرانسه در مجلس شورای‌ملی این‌کشور درحالی‌که از قوانین ارتجاعی فرانسه علیه دانشجویان خارجی دفاع می‌کرد ، آنهارا متهم‌به‌خرابکاری علیه رژیم کشورهای وابسته به‌فرانسه‌کرد . به‌این ترتیب برای‌چندمین باردولت فرانسه بااستفاده ازچهره‌های شناخته‌شدهٔ ضدانقلاب، از نوع بختیار ، تبلیغات گسترده‌ای راعلیه انقلاب ایران دامن‌زد .

مااز دولت فرانسه مصراً می‌خواهیم‌که سیاست‌های‌خطرناك خود دردفاع ازعناصر ضدانقلابی‌را تغییردهد ، مااز دولت‌فرانسه می‌پرسیم که چرا وباچه‌مجوزی ، برخلاف قوانین رایج در مورد پناهندگان سیاسی . به‌بختیار تریبون داده‌می‌شود تااز این‌طریق انقلاب ورهبرآن را مورد حمله قراردهد .

مابدین طریق‌اعتراض شدیدخود را به‌همکاری دولت‌فرانسه باضدانقلابیون وخرابکاران که‌علیه جمهوری اسلامی‌ایران فعالیت می‌کنند به‌این دولت اعلام‌می‌کنیم .

سازمان جوانان‌ودانشجویان دمکرات ایران ـ پاریس
۶ ژوئن ۱۹۸۰»

گرانی مشکل روز مردم

علل‌اقتصادی ـ سیاسی خارجی

صرف‌نظر از وجود تورم در کشورهای غرب که قسمتی از آن هنگام مبادلات‌بازرگانی بایران‌منتقل میگردد و به‌تورم وارداتی موسوم است‌ولی‌قسمت اعظم‌افزایش قیمتها مربوط به جبهه‌گیری بلوك غرب نسبت‌به‌انقلاب‌کبیرایران‌میباشد.بدین معنی‌که‌دول‌غرب بسرکردگی آمریکاو شرکتهای چند ملیتی شیطان‌صفت از بیم از دست‌دادن منافع سرشار خود از ایران و دیگر کشورهای مسلمان از فردای پیروزی انقلاب ایران همواره تلاش و کوشش نمودند تا ضربه کاری بر پیکر جمهوری جوان و نوپای ایران وارد ساخته تا نه‌تنها از نفوذو گسترش امواج خروشان و بنیان‌کن انقلاب از فراسوی مرزهای ایران‌جلوگیری نمایند . بلکه در داخل کشور نیز آنرا به انحراف و انحطاط بکشانند و از مسیر طوفنده و متحول آن خارج سازند.

(انقلاب اسلامی ۱۷ تیر)

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
شماره تلکس :
214081 TPI IR
چاپ، کاویان
MARDOM
No. 279
10 July 1980
Price:
West Germany 0.80 DM.
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Bigium 10 fr.
Italy 330 L.
USA 20 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

خانواده‌های شهدای شیراز

خواستار محاکمه و برکناری حاکم شرع شیراز شدند

خانواده شهدا و مجروحین انقلاب شیراز که برای اعتراض به آزادی قاتلان عزیزان خود توسط حاکم شرع شیراز به تهران آمده‌اند صبح دیروز در مقابل مجلس‌اجتماع کردند و خواستارمحاکمه‌و برکناری‌عندلیب حاکم شرع شیراز شدند.

خانوادهٔ شهدا و مجروحین شیراز که عزیزان آنها توسط دژخیمان شاه به خون کشیده شده‌اند، هنگامیکه حجت‌الاسلام خلخالی از مجلس‌خارج میشد با دادن‌شعارهای:

• حاکم شرع شیراز اخراج باید گردد
دادگاههای خلخالی ایجاد باید گردد
• مرگ بر سازشکار، درود بر خلخالی

بدور او حلقه زدند.

خانواده شهدای انقلاب شیراز میگفتند: «عندلیب حاکم شرع شیراز سازشکار است. او قاتلین و جانیانی را که در سرکوب مردم شیراز شرکت داشته‌اند و دستشان به خون عزیزان ما آغشته شده است‌آزاد کرده و با فئودالها همکاری میکند».

خانواده شهدا و مجروحین‌شیراز درحالی که شعار میدادند: خلخالی، خلخالی حمایت می‌کنیم از او خواستندکه به‌شیرازبرگردد.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورایملی گفته شد :

شرکت فرصت طلبان

در نهادهای انقلابی فاجعه به‌بار آورد

دیروز مجلس جلسه علنی داشت. در این جلسه کروبی نماینده مردم الیگودرز درمخالفت بااعتبارنامه یکی از نمایندگان ازجمله‌گفت: «این برای‌ما تجربه شدکه کسانیکه درانقلاب شرکت نداشتند وارد نهادهای انقلابی‌شدند ودریك سال‌گذشته دیدیم چه‌فجایعی ببار آوردند»

خبرنگار پارلمانی نامه«مردم» می‌نویسد: درجلسه علنی دیروزکه درساعت ۹/۲۵ دقیقه صبح رسمیت یافت، به اعتبارنامه ۲تن از نمایندگان رسیدگی واعتبارنامه اسداله کیانی نماینده فریدن ومعزی نماینده ملایر تصویب شد.

به‌گزارش خبرنگار پارلمانی‌نامه«مردم»، قبل از اینکه مجلس وارد دستور شود، چندتن از نمایندگان تذکراتی دادند.

معین‌فروزیرنفت ازجمله‌گفت، «سال‌گذشته کسانیکه از صنعت‌نفت اطلاعات کافی داشتند و باحتمال‌قوی دردراخل‌این‌صنعت‌بودندخرابکاریها وانفجارات زیادی‌را سبب شدند ویك‌بار۷ لوله نفت‌را منفجر کردند. امسال، در فروردین ماه تولید نفت‌سفید ۷۳ میلیون‌لیتر ودرتیرماه ۴۲۰ میلیون‌لیتر بوده است. در حال‌حاضر ذخائر نفت‌سفید ۵۱۵ میلیون‌لیتر است» معین‌فر سپس ابراز امیدواری‌کردکه امسال به‌خرید نفت‌سفید وارداتی‌ازخارج احتیاج نداشته‌باشیم.

بعداز رسمیت یافتن جلسه مخبرشعبه ۷ گزارش مربوط به‌اسداله‌کیانی رامبنی‌براینکه اعتبارنامه اوباتفاق‌آرا تصویب شده‌است‌قرائت کرد.

سپس اعتبارنامه معزی نماینده ملایر که‌از جلسه پیش‌باقی‌مانده بود مطرح‌شد. ابتداچندتن ازمخالفان ازجمله‌کروبی نماینده الیگودرز در باره آن صحبت‌کردند. کروبی‌گفت: «در طول مبارزات، روحانیت ما سه‌دسته بودند، یکی آنهائی بودندکه مبارزه وفداکاری میکردند. دسته دوم آنها بودندکه به‌تعبیر خودشان‌آنقدر قدرت نداشتندکه وارد میدان‌شوند، اما دسته سومی داشتیم‌که وارد میدان‌که نبودند، حداقل حمایت وپشتیبانی راکه‌هم نمی‌کردندهیچ، بشدت سمپاشی‌هم می‌کردند. این‌دسته اگرمی‌توانستند رسما افرادی راهم ازمبارزه خارج می‌کردند. پرواضح است‌که چنین افرادی نمی‌توانندپس‌از پیروزی انقلاب وارد مسئولیت‌هائی شوندکه ادامه همان مبارزات است. این‌چیزی‌جزفرصت طلبی نیست. این برای‌ما تجربه شد که کسانی‌که درانقلاب شرکت‌نداشتندوارد نهادهای انقلابی شدند ودریك سال‌گذشته دیدیم که چه فجایعی ببار آورد».

بعداز سخنان‌کروبی، موسوی یکی دیگر ازنمایندگان درمخالفت بامعزی صحبت کرد و آنگاه معزی به‌دفاع ازخود پرداخت.

سپس نسبت‌به‌تصویب‌یارداعتبارنامه‌اورای‌گیری‌شد. هنگام شمارش آرامعلوم شد ۸ رای بیشتر ازتعداد حاضران ریخته شده است. حجت الاسلام خلخالی پیشنهاد تجدید رای‌گیری‌کرد. دکترسحابی رئیس‌سنی مجلس ابتدا این‌پیشنهاد راپذیرفت، ولی‌بعداً تصمیم خودرا تغییر داد و همان آرا باحذف ۸رای اضافی ازطریق‌قرعه‌کشی مبنای تصمیم‌مجلس قرار گرفت. بدنبال این‌تصمیم چندنفرازنمایندگان‌وازجمله حجت‌الاسلام خلخالی دراعتراض باین‌تصمیم جلسه‌را ترك‌کردند.

پس از اعلام نتایج آرامعلوم شدکه‌اعتبار نامه‌معزی بااختلاف ۵ رای تصویب شده است. نتایج آرا چنین‌بود «مجموع آرا ۱۸۷رای، موافق ۷۱رای، مخالف ۶۶ رای و ممتنع ۵۰ رای».

عده‌زیادی ازنمایندگان به این نحوه رای گیری اعتراض داشتند.

جلسه علنی بعدی مجلس‌شورایملی‌درساعت ۹صبح روزیکشنبه آینده تشکیل خواهدشد.

در حاشیه مجلس

• آقای کروبی نماینده الیگودرز ضمن‌اشاره به اعتصاب غذای معزی برای راه‌یابی به مجلس در سخنانش گفت: وقتی آقای‌منتظری در زندان اعتصاب غذا کرده بود آقای معزی مخالفت می‌کرد و می‌گفت اصلادر اسلام حرام است. برای مبارزه با رژیم سابق حرام بود ولی حالا در جمهوری‌اسلامی‌برای ورود به مجلس اشکالی ندارد.

• آقای محمد یزدی نماینده قم ضمن‌دفاع‌از معزی نماینده ملایر گفت: من معزی را در میان حمله‌کنندگان ندیدم. آقای‌شجونی‌نمایندهٔ کرج گفت: آقای یزدی! شب بود، طبقهٔ دوم بود، عینك شما دودی بود از کجامی‌توانستید ببینید؟

• معزی در سخنانش گفت: «اگر یکنفرشهادت بدهد که من فدائیان اسلام را زده‌ام دست مرا قطع کنند.» حجت‌الاسلام خلخالی‌دستش را بلند کرد و گفت: من حاضرم شهادت بدهم!

اما معزی شهادت حجت‌الاسلام خلخالی‌را نپذیرفت.

درمطبوعات‌کشور

اعلامیهٔ‌مشترك تولیت آستانقدس‌واستاندار خراسان:

سیاستهای غلط رفرمیستی،ادارات‌را سنگرضدانقلاب‌ومرکزاشاعه‌فساد کرد

حجت‌الاسلام عباس واعظ‌طبسی نماینده امام و تولیت‌آستانقدس رضوی و دکتر غفوری استاندار خراسان طی یك بیانیه مشترك درمشهد اعلام کردند که سیاست‌های غلط دولت‌موقت ، باعث ابتناء عوامل‌توطئه و نفاق و ابادی‌ضد انقلاب درادارات بوده و کارمندان متعهددولت بایستی باهیات باکسازی برای شناسائی واخراج عوامل فساد ازادارات همکاری نمایند.

(آزادگان ۱۷ تیر)

بماهم برسید!

بیچاره امریکا که خیال میکند میتواند درافغانستان کاری از پیش ببرد، دست بکار شده و پشت‌سرهم گروههای امریکائی میسازد ، دراین رابطه‌این‌گروهابدوره‌گردی سیاسی میپردازند و در بدر دنبال کمك کشورهای غربی و ارتجاعی منطقه که بابابیا هم برسید ! از آن‌جمله است یك گروه امریکائی بریاست سید احمد گیلانی که اخیرا به دوره‌گردی پرداخته و سری هم به لندن زده و بامقامات وزارت خارجه انگلیس ملاقات کرده است که‌هرچه بگوئید ما حاضریم بشرط آنکه‌یك چیزی هم بما برسد ، اسلحه‌ای، کمکی . بالاخره ما حاضریم درلحظه مورد نظر خدمات مورد نظررا انجام دهیم (جمهوری اسلامی ـ ۱۷ تیر)

نظرحجت‌الاسلام علی‌غفوری‌درباره طرزبرداشت از سخنان امام

طرز برداشت از سخنان امام در مورد گروهها نباید طوری باشد که خدای ناخواسته‌موجب‌درگیری‌های داخلی گردد .

انتظار من‌اینستکه جنبه‌ارشادی در برخورد با گروهها بیشتر مطرح باشد تاجامعه از آثار مثبت این‌پیام بهره‌مند گردد.

در مورد ادارات باید گفت‌که چون این انقلاب یك انقلاب اصیل بوده،انتظار می‌رفت تاهمان‌روزهای اول کارهائی که معرف انقلاب است انجام گیرد و بخاطر همین تاخیرها بود که دلسردی‌هایی رابه وجود آورد و موجب شد تا ازطرف رهبر انقلاب آن ندای اصیل‌اولیه تجدید شود . در این پیام حذف تشکیلات زائد اداری و باصطلاح مسئله «اداره در خدمت مردم»قرار دادن کاملا بچشم می‌خورد .

(جمهوری اسلامی ۱۷ تیر)

شوخی‌نیست ... !

جای خالی

ضیاءالحق و آقاشاهی برای ملاقات و دیدار در مورد مسائل مهم منطقه به‌عربستان سعودی میروند
(جراید ـ ۱۸ تیر)

ـ جای کی خالیست؟

اصیل

کمك به‌گروههای‌اسلامی‌افغانستان‌یك فریضه‌اسلامی‌است.
امضا: یکی از گروههای مبارز اصیل اسلامی افغانستان
(جمهوری اسلامی ـ ۱۸ تیر ۱۳۵۹)

از حاشیه «کمیته» !

رفیقی گفت : یادتان هست از حاشیه «کمیته» ساواك در اتاق ۱۲ ، طبقه‌اول ، همیشه‌صدای شکنجه‌گری بگوش میرسید که داد میزد «رجاله»ها ومعروف‌بودکه این فحش‌را فقط به توده‌ایهامی‌دهدکه «عامل‌روس» هستند؟ بعد از انقلاب از آن شکنجه‌گر خبری شنیده‌ای ؟

ظریفی جواب‌داد:جائی‌نرفته، هنوز در «حاشیه» است...

نه غربی!

«تعداد ۱۰۰۰۰۰ بوکس سیگار وینستون و چندین هزار بسته سیگارهای خارجی و ... بدست آمده است» (جمهوری اسلامی ـ ۱۸ تیر)

ـ ما هرچه گشتیم درزبان‌فارسی معادلی برای «بوکس» پیداکنیم موفق نشدیم.درهیچ‌فرهنگی بالغت «جعبه» برخورد نکردیم و هرچه‌هم پرسیدیم هیچکس‌این لغت رانمیدانست.

آتشفشان عشق

عشقم گدازه‌ایست کز آتشفشان چکید
یا همچو اشك شوق کز اعماق جان چکید
احساس و عقل‌و جان و دل‌من هرآنچه‌بود
از دیدگان به پای ستمدیدگان چکید
من محو عشق حزب شرفمند توده‌ام
آنسان که قطره‌ای به یم بیکران چکید
آنجا که جلوه‌گاه رفیقان راه ماست
خورشید قطره‌ایست که از آسمان چکید
هرگز گمان مدار کزین ره بدر شود
«احمد» که‌اشك‌بود و زچشم‌زمان‌چکید

محمد حسن پسیخانی «احمد»
۱۳۵۹/۳/۱۴

توضیح شهرداری درمورد پل‌های موقت‌تهران

به‌دنبال درج‌مطلب «پل‌های موقت تهران احتیاج به بازرسی دارند» درشماره ۲۵۷ روزنامه «مردم» شهرداری نامه‌ای به شرح‌زیر بما نوشته‌است:

... بازدید ازپل‌های هوائی بوسیله‌گروهی از مهندسین اداره کل فنی مرتب انجام می‌گیرد و درمورد ترمیم قطعات‌نیز هرنوع اشکال بوجود آمده‌مرتفع گردید. اما درمورد پوشش سطح‌پل‌ها یك مرتبه به مناقصه گذاشته شدکه برنده‌ای نداشت‌وهم‌اکنون باکمك آزمایشگاه ساختمان وزارت مسکن وشهرسازی برنامه‌هایی در دست اجراست تا هرچه زودتر نسبت به‌تهیه وانجام‌این پوشش اقدام‌لازم صورت‌گیرد.

نامه «مردم»ـ امیدواریم پوشش سطح پل‌ها هرچه زودتر انجام‌شودتابه‌این‌ترتیب‌ازخطرات احتمالی پیشگیری شود.

تصحیح

درشماره ۲۷۶ نامهٔ«مردم» نام‌دهکده‌ای که فاشیستهای‌گروه قاسملو ، مبارزصدیق خلق کرد، فاروق‌کیخسروی را درآنجادر اسارت نگاه داشته‌اند، «داخین» ذکرشده بودکه اشتباه است ونام صحیح آن‌دهکده «لاچین» است.

نظرمسئولین درباره نیازهای انقلاب:

چگونه‌باامپریالیسم مبارزه کنیم

واما راه‌حل. به‌نظرمن باید دراولین فرصت این‌گونه مسائل را مطرح‌کنیم ویك‌اقدام جدی وواقعاً جدی برای تصفیه‌به معنای واقعی ـ نه‌تصفیه حساب ـ درتمام ارگانهای مملکت‌بوسیله خود مردم انجام بگیرد. اگرچه اینکار مشکلاتی‌هم داشته باشد. و البته تاکید می‌کنم این‌تصفیه نباید تصفیه‌حساب گروهی و حزبی باشدکه‌در جهت هدفهای دیگر تحت این‌پوشش انجام بگیرد.

تاوقتی‌که رژیم سرمایه‌داری و وضع ناهنجار سرمایه‌داری برجامعه حکومت داشته باشد، نمی‌توانیم باامپریالیسم از جمله امپریالیسم آمریکا بجنگیم. چون این‌شکل رژیم، به‌صورت یك‌پایه ومبنی و نگه‌دارنده برای امپریالیسم تلقی میشود. که‌برای هرچه بیشتر سودبردن باآن، دررابطه است.

فئودالیسم‌هم درواقع یك‌شکل‌دیگر سرمایه‌داری‌است‌منتهی آن سرمایه بصورت دادوستد، دوبدل‌کردن پول ودلار وکالاهای دیگر وبهره‌کشی ازکارگران وغیره است واین‌یکی به‌شکل زمین‌و محصولات زمین وبهره‌کشی ازدهقانان است.

(گوشه‌ای ازمصاحبه‌آقای استادرضا اصفهانی معاون وزارت‌کشاورزی ـ کیهان ۱۰ تیرماه ۵۹)